

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۱۰۴

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- هر دم از این باغ بوی می رسد صفحه ۲۰
- پایان اعتصاب غذای زنان کمونیست صفحه ۲۷
- ششمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا صفحه ۲۴
- پروژه مجتمع تولید فولاد اصفهان: ارثیه غارتگرانه رژیم شاه و بندی دیگر در تحکیم وابستگی به امپریالیسم صفحه ۲۵

فرار قهرمانانه ۷ زندانی کمونیست

از زندان سپاه ششپراز

۲۶ صفحه

هر چه گسترده تر باد

مبارزه انقلابی

کارکنان آواره

صنعت نفت

۱۶ صفحه

قرار داد ۱۷ میلیارد تومانی با

امپریالیسم انگلیس: گامی

دیگر در تحکیم و گسترش

سرمایه داری وابسته

۲۳ صفحه

اطلاعیه سازمان پیکار

در راه آزادی طبقه کارگر

در مورد

راهپیمائی اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

کارگران و زحمتکشان ایران!
اول ماه مه فرا رسید و در سراسر جهان، میلیونها کارگر به استقبال عدو خونین خویش شتافتند. کارگران امپریالیسم و همه رژیمهای ارتجاعی سیریا و دیگر کوشیدند تا با سرکوب انقلابیون و کمونیستها و نیز فریب توده ها، مانع از آن شوند که کارگران بدینال شعارهای طبقاتی شان روان شوند.
روزیونیستهای خائوس - خروشقی و نیز سه جانی در کشور - های مختلف جهان کوشیدند تا بیای عمال امپریالیسم غرب جشن اول ماه مه را از مضمون انقلابی خویش تهی کرده آرا در خدمت سرمایه داران بکار گیرند.
جشن اول ماه مه، در زمین بیسایا خواسته خونین بقیه در صفحه ۲

نظا هرات کمونیستها

در اول ماه مه

روز جمعه ۱۱ اردیبهشت از جانب سازمان ما و رفقای فداکاری کارگران و توده های آگاه - نظا هرات کمونیستی فرخوانده شدند تا به فضای مبارزه ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و سرود انقلاب را درخیا با نیا سدهند اما رژیم ارتجاعی حاکم از این امر بوحشت افتاد.
رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضد انقلابی و سرکوبگرانه خویش از یکسو کوشید تا را هیمانی اول ماه مه نیروهای انقلابی را قاطعانه درهم شکند و از طرف دیگر با وحشت از آوا ج جنبش انقلابی خلق، کوشید تا دادن اجاره جهت سرکوبگری

کوشه ای از نظا هرات اول ماه مه کمونیستها در میدان قزوین - تهران

بقیه در صفحه ۲

دستاوردهای

دومین کنگره

سازمانی کومله را

گرامی بداریم!

۱۱ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه ...

ما نیز، روزنامه‌ی صفت‌بندی‌های طبقه‌ای و انقلاب و فدا انقلاب برای بسیج توده‌ها بود. ارتجاع حاکم، تمام نیروی سرکوب و وسایل تبلیغاتی‌اش را بسیج کرده تا مانع از آن شود که کمونیستها و انقلابیون - شعراهای واقعی زحمتکشان را در این روزهمان توده‌ها ببرند. رژیم که پیش از این، نظرات سازمان دانشجو - یان و دانش‌آموزان پیکار در ۳۱ فروردیس - امسال را به مناسبت سالگرد اول اردیبهشت به خون کشیده و در وقتیکه پیکار کمونیست، ایرج ترابی و آذر مهرعلیان را به شهادت رسانده بود، رژیم که نظرات سازمان مجاهدین خلق در شهرهای شمالی و تهران را به شدت سرکوب کرده و چندین شهید بجای گذاشته بود، از اذیت و مزاحمت و نظرات و راهبردهای انقلابیون و کمونیستها به شدت می‌هراسید. رژیم میکوشید تا آنجا که میتواند مانع از برپائی جشن اول ماه مه توسط انقلابیون و بخصوص کمونیستها گردد چرا که از شعارهای انقلابی نظرات هرکندگان کمونیست در این روز که بذراگای درمیان توده‌ها می‌افشاند و چهره‌اش را هر چه بیشتر افشا می‌کند وحشت داشت. بدین ترتیب از چند روز پیش از نظرات، بیوقهای تبلیغاتی رژیم بکار افتاد تا زمینه را برای سرکوب انقلابیون و کمونیستها را هموار سازد. از بهشتی و فرسجانی گرفته تا نبوی و مهدوی کنی در مباحثه‌های گذاشتن از هیچ خط و نشان کشیدن برای انقلابیون و کمونیستها دریغ نکردند. آنها کوشیدند تا با استناد به اطلاعیه‌ها و نامه‌های دادستانی و آزادگذاشتن نوکران نشان یعنی رویزیونیستهای خائن توده‌ای و اکثریت به سرکوب انقلابیون و کمونیستها بپردازند. این جنجالهای تبلیغاتی در روزهای آخر هفته گذشته و بخصوص پس از دعوت به راهپیمائی مشترک اول ماه مه از سوی سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اوج خود رسید. تا آنجا که آیت‌الله خمینی نیز مجبور شد روز پیش از جشن اول ماه مه اطلاعیه‌ی شدید بر علیه انقلابیون صادر کند. بدین ترتیب رژیم برای جلوگیری از آگای توده‌ها سیاست خائنه‌ای را تدارک دید. از یکسوی کوشید تا تبلیغات وسیع حول اول ماه مه، تمام نیروی خویش را برای انجام نظرات حول شعارهای ارتجاعی به نمایش بگذارد و توده‌های توم زده و ناآگاه متقابل به خویش را به خیابان بکشاند و از سوی دیگر با دادن اجازه برای برگزاری میتینگ به نوکران سرما بده‌ای، رویزیونیستهای خائن توده‌ای و فدائی (اکثریت) که بدنبال باز کردن پای سوئال امیرالیم به ایرانند، آنها را در سطح جامعه برجسته نمود تا در عین نظرات به "زادبخواهی" توجه توده‌ها را از راهپیمائی کمونیستهای واقعی منحرف نماید

و آنکا به استفاده از سپاهیان کمیتها بسج و جماعتداران حزب جمهوری اسلامی، به سرکوب راهپیمائی کمونیستها بپردازد. بدین ترتیب راهپیمائی انقلابیون و کمونیستها در روز اول ماه مه ممنوع اعلام نمود و عرض می‌تیند خائنین رویزیونیست از رادبوس و لویزیون تبلیغ کردید. آری نوکران سرما به - داری آزادند تا به مداحی رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. آنها با یاد آزادبند، تا چهره‌گریبه رژیم را رنگ آمیزی کنند، اما کمونیستها و دیگر انقلابیون با بدرکوب شوند تا نتوانند توده‌ها را آگای کنند.

رژیم بیهوده میکوشد و انمود سازد که با دادن اجازه رسمی به رویزیونیستها، با اصلاح آزادبخواه شده و آزادهای دمکراتیک را سرکوب نمی‌کند. اما توده‌ها با سرکوب انقلابیون و کمونیستها بیش از پیش دردم، با بندکده در رژیم جمهوری اسلامی تنها نوکران سرما بده‌اری و امیرالیم آنها آزادند، و هر کسی که از کارگران و زحمتکشان دفاع کند بیخون کشیده میشود. اگر نیروهای ارتجاعی درصدد بودند که این روز را بر علیه نیروهای انقلابی بکار گیرند متقابلا سازمان ما نیز در پی آن بوده که با اتحاد عمل با سازمانهای کمونیستی و انقلابی در مقابل قطبهای ارتجاعی موجود، یعنی قطب ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی و رویزیونیستهای توده‌ای و اکثریت و نیز قطب ارتجاعی لیبرالها، قطب انقلابی را به نمایش بگذارد. و با این اتحاد عمل انقلابی بکوشد تا هر چه بیشتر روز اول ماه مه را به روز دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان بدل نماید. سازمان ما در پی آن بود که این روز را به روز اتحاد نیروهای انقلابی بر علیه ارتجاع و امیرالیم بدل سازد و به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از آزادی - های سیاسی و محکوم ساختن جنگ ارتجاعی بپردازد. و در پی همین سیاست نظرات مشترکی را با سازمان چریکهای فدائی خلق در روز اول ماه مه تدارک دید. این اتحاد عمل منجر به تشکیل یک قطب انقلابی در مقابل تمامی نیروهای ارتجاعی گردید و این خود موفقیتی برای جنبش دمکراتیک و فدا امیرالیمستی مبین ما محسوب میشود.

رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از راهپیمائی سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق در اول ماه مه رگانهای سرکوبش را بکار انداخت. از صبح روز جمعه ۱۱ اردیبهشت عده‌تن از پاداران، افراد کمیته، بسیج و جماعتداران جمهوری اسلامی در محل میدان جمهوری اجتماع کرده و به افرادی که بسوی میدان روان بودند حمله و می‌شدند و با شان رژیم، به دستگیری و مجروح کردن هر فردی که گمان میکردند، قصد شرکت در نظرات را دارد می‌پرداختند. ۳۰۳ قه و جماعتی با ردیگر در خدمت

خا بوش کردن فرساده‌انقلابیون و کمونیستها بکار گرفتند. با امید جدید هزار نفر بیه ندای دعوت کمونیستی پاسخ گفته و در اطراف میدان جنجوری مستقر شدند. با شورشهای منظم نیروهای سرکوب رژیم که متخره دستگیری و زخمی شدن چند نفر کردند. تصمیم بر آن گرفته شد که راهپیمائی در میدان جمهوری لغو شده و راهپیمائی‌های موضعی از چند نقطه تهران انجام گیرد. این نظرات در خیابان اسکندری و مخصوص میدان قزوین انجام گرفته و مورد استقبال توده‌ها قرار گرفت.

بدین ترتیب جشن اول ماه مه امسال با سرکوب جشن انقلابیون و کمونیستها همراه بود و با شان رژیم نه تنها به نظرات کمه نیستها حمله و شدند، بلکه حتی به نوکران خود، یعنی رویزیونیستهای خائن اکثریت نیز رحم نکرده و در میان آنها تا رنج منفرس کردند و سپس سفیها نه کوشیدند تا این سبب - اندازی را بگردن نیروهای کمونیست و بخصوص سازمان ما بیفکنند. در حالیکه توده‌ها به دروغهای این جنایتکاران بیش از پیش آشنا هستند و بیاد دارند که چگونه جلادانی چون هیتلر را بشتاک رآتش میزدند و سپس بگسردن کمونیستها می‌افکندند.

در هر حال، اول ماه مه امسال نیز بیش از پیش رسوا گرچهره رژیم بود و اول ماه مه در کشور ما نیز همچون سایر رژیمهای ارتجاعی با مجروح کردن، با دستگیری و سرکوب شرکت کنندگان در راهپیمائی کمونیستها همراه بود. بی شک اقدامات ارتجاعی رژیم در اول ماه مه امسال با زهم بر نفرت توده‌ها خواهد افزود و در بیشتر بحران اقتصادی کنونی که ناشی از حاکمیت رژیم نگهبان سرما بده‌اری وابسته است و در تنگنای گوانی، بیکاری، تورم و کشتار و سرکوب رژیم، مبارزات توده‌ها با زهم اوج بیستری خواهد گرفت و در بسترش انقلاب، توده‌ها با سخ سرکوب و کشتار رژیم را با تهراتخلالی خوب خواهد داد.

بگذارد رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش بر سر نیزه و سرکوب تکیه زند.

بگذارد رویزیونیستهای خائن توده‌ای و فدائی (اکثریت) برای خوشحالی به هر خیابانی دست بزنند.

توده‌های انقلابی منهن مادر فردای نه چندان دور حساب خود را با تمام دشمنان توده‌ها تصفیه خواهند کرد.

زنده با اول ماه مه!

زنده با دوسیا لیم!

مرگ بر امیرالیم و ارتجاع داخلی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۲/۱۲

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



دزدی ۵۰ هزار تومانی انجمن اسلامی کارخانه پوشش

انجمن اسلامی کارخانه پوشش که در خدمت به سرمایه داران و جاسوسی بر علیه کارگران و همکاران با سیاه در سرکوب مبارزات این کارخانه روی اداره حفاظت را سفید کرده، اخیراً دو نفر از اعضای بنام "احمدی" و "رضا خلیلی" که نور چشمی های مکتبی جمهوری اسلامی نیز هستند، مقدار زیادی روغن و نوشابه های کارخانه را که پس از بستن کانتینر کارخانه باقی مانده بود، درباراً از مدیرفروشنده همراه با پول پرتقال هایی که کیلویی ۹ تومان خرید و ۲۰ تومان به کارگران فروخته بودند، بالا میکشند و بدین ترتیب این عناصر خود فروخته و ضد کارگر ۵۰ هزار تومان پول کارگران را به جیب میزنند. این ۵۰ هزار تومان حاصل عرق پیشانی و دسترنج کارگران پوشش است که بجای این مفتخوران میرود.

این دزدبها و کلاشها هنگامی صورت میگردد که کارگران با دستمزد خود بیخستی میتوانند از پس این همه گرانای و قحطی برآیند و شکمزن و بچه های خود را سیر کنند...

این دزدبها زمانی صورت میگردد که شورا های واقعی کارگری کارخانه را سرکوب میکنند، تا همین انجمن های جاسوسی را به کارگران تحمیل کنند. این دزدبها جزء نا چیزی از دزدبها و جپا و لپهای است که سرمایه داران و نوکسرا ن رنگارنگش از کارگران میکنند.

بنقل از اخبار کیلان نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات کیلان بانددکی تلخیص

توطئه اخراج کارگران مجتمع فولاد اهواز

هما نظر که در شماره قبلی "پیکار" نقل کردیم، رژیم جمهوری اسلامی با اجرای توطئه ای همه جانبه قصد اخراج کارگران مجتمع صنایع فولاد اهواز و تعطیل کردن آن را دارد. مدتها است که در صدد اجرای این هدف ضد کارگری خویش است و اخیراً طرح باز خرید جباری این قصد خود را به وضوح آشکار ساخت. اما از آنجا که از مبارزه کارگران وحشت دارند و نمیخواهد با اعلام صریح نیست خود خشم انقلابی کارگران را شعله ور سازد، از این خبر با تشکیل "تکلیف" بقیه در صفحه ۶

مبارزات کارگران شیرپاستوریزه مشهد

به کارخانه سازنده زاندارهای ملح (۳ افسرو ۱۵ زاندارم) که اسلحه را بطرفشان گرفته بودند، مواجه میشوند. مزدوران رژیم جمعا ۱۴ نفر از کارگران و کارکنان را به دادگاه جلب کرده و از بقیه میخواهند که با دادن تعهدی مبنی بر عدم اعتصاب بسرکار بر روند. اما کارگران با عزمی استوار رویکمدا اعلام میکنند که هیچکس تعهد نخواهد داد و اینکه همه برای حمایت از رفقایشان به دادگاه خواهند رفت.

پس از آنکه اقدامات فوق نتوانست در عزم کارگران خللی وارد کند، رژیم به حربه اطمینان یعنی سرکوب متوسل گردید. آنها برای سرکوبی ۱۸۰ کارگر و کارمند مبارز کارخانه، تمام مکانات سرکوبگری خود را با سازماندهی و بسیج گرفته تا یک اتوبوس چماق دار را بخدمت گرفته و بیگانه کارخانه یورش میبرند. در این جدال نابرابر که بقول یکی از کارگران "تعمدات کارگران از تعداد تفنگها کمتر بود"، اگر چه تعداد زیادی دستگیر میشوند ولی با دردیگر وحشت رژیم سرمایه داری از قدرت کارگران و عجز در مقابل اراده آنها آشکار نمیکرد.

مزدوران رژیم با گرفتن تعداد غلب دستگیر شدگان را آزاد میمانند. اما کمترین کارگران ۴ کارگر و کارمند مبارز را سارت آنها باقی میمانند و مبارزات کارکنان انقلابی برای آزاد ساختن آنها و پیگیری خواسته هایشان ادامه دارد.

بعد از انتصاب یکی از اعضای سیاه با سداران به سمت مدیر عامل کارخانه شیرپاستوریزه منطقه خراسان، یکساعت بر ساعات کارگران افزوده شد. کارگران که قبلاً با مبارزات خود ۴۴ ساعت کار در هفته با احتساب رفت و برگشت را بدست آورده بودند، روز ۶۰/۱/۲۱ به این عمل مدیریت اعتراض کرده و خواهان بازگشت ساعات کار به حالت اول شدند. بدنبال این قضیه فردای آن روز دو نفر از کارکنان میسارز را اخراج می نمایند. کارگران که در اوایل خرسال گذشته نیز شاهد اخراج کارگران میسارز توسط هیئت با صلاح "پاکسازی" بودند، شروع به اعتراض کرده و خواهان انحلال هیئت "پاکسازی" و جلوگیری از این اخراجهای بی رویه شدند.

بدین منظور روز ۶۰/۱/۲۹ کارگران دست از کار کشیده و شورا اخراج مدیر عامل و هیئت "پاکسازی" را میدهند. مدیر عامل مزدور از ترس کارگران پا به فرار گذاشته و ژاندارمری متوسل میشود. اما کارگران با عزمی استوار قطعنامه ای شامل موارد زیر را در میکنند:

- ۱- تشکیل شورای واقعی - ۲- بازگرداندن ۲ نفر اخراجی - ۳- تعیین تکلیف کارگران موقت - ۴- اخراج مدیر عامل و تعیین جانشین ذیصلاح
- آنگاه کارگران به انتخاب شورا پرداخته و پیگیری سه ماده دیگر قطعنامه را پیش روی می گذارند. فردای آن روز کارگران هنگام مراجعت

اخراج حدود ۸۰ نفر از کارگران مبارز پوبلین

سراسری بر علیه تمام کارگران... هدف از این اقدام ضد کارگری سرکوب و جلوگیری از مبارزات کارگری و جباول و غارت بیش از پیش کارگران است... آنها با اتحاد و همبستگی کارگران، تنها مبارزه متحدانه کارگران، تنها ایجاد شوراهای واقعی است که کارگران می توانند از تجاوز و تهاجم سرمایه داران و مزدورانشان حقوق خود جلوگیری کنند.

بنقل از اخبار کیلان نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات کیلان بانددکی تلخیص

بدنبال اخراج ۸ نفر از کارگران میسارز پوبلین و نظاهرات و حمایت کارکنان شاغل از کارگران اخراجی، سیاه با سداران سرمایه داران کارخانه را تعطیل کرده و به کارگرانی که جلوی کارخانه جمع شده بودند، میگویند "ما شما را ده ناده ناپاکسازی کرده و بعد از کارخانه را بازمیکشیم و بدنبال آن اسامی حدود ۸۰ کارگر مبارز و زحمتکش را بعنوان افراد ناپاکسازی شده، اعلام میکنند. این اقدام سرسیردگان ضد کارگری جمهوری اسلامی، توطئه ای است و تو

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳۲ یادداشتها...

تبدیل میگردد. در شرایط اعتدالی جنبش، همواره توده‌های وسیعی از مردم، همچون زمین حاصل - خیزی، آماده پذیرش بذره‌های مبارزه و اعتراض و حرکت‌های انقلابی هستند. در هفته اخیر، سرآغاز این حرکتها و جنبش‌های سیاسی در دسترا اعتدالی انقلابی جامعه، کشتار روحشیا نه چندتایی - سنی از کمونیستها و انقلابیون در تهران و برخی شهرها بوده که همچون جرقه‌ای به آتش خشم بخش‌های وسیعی از مردم شعله زده آنان را به اعتراض و - داشت و به میدان نمایش سیاسی اعتراض آمیز کشانید. این حرکت ما نندگذشته اما بشکلی برجسته تری نشان داد که جامعه ما در شرایطی قرارندارند که ضد انقلاب، بی هیچ مزاحمتی بر مردم و انقلاب تعرض کند و گام‌گام خویش را تثبیت نماید.

اکنون زمانی است که هرگونه مظالم و سرکوب و کشتار و خفقان رژیم بطور روزافزون با سدی از اعتراض و مقاومت توده‌های روبرو میشود. و روح مبارزه را موج و اردجا معبر - می انگیزد. و این همان چیزی است که رژیم را به وحشت می اندازد، بطوریکه خودبا زبان خویش این وضعیت را چنین ترسیم میکند:

"آنها (گروهها - پیکار) میخواهند عمدا درگیری درست بکنند هم‌انطور که ما قبلا از انقلاب چهلیم به چهلیم درست میکردیم و راهیما می داشتیم. عین همان برنامه‌ها را اگر و بخواهیم پیاده میکنند." (۱)

البته تردیدی نیست که این روحیه تعرض در میان مردم، هنوز غالباً به‌عنوان رژیم جمهوری اسلامی، بلکه علیه جناحی از آن - جناح غالب یعنی حزب جمهوری اسلامی - است. و این خودنمایی از توهمات وسیع و عمیقی است که اکثریت مردم نسبت به لیبرالهای ضد انقلابی دارند. لیکن از آنجا که جناح حزب اکثریتون بر بخش مهمی از ابزارهای بالفعل سرکوب تسلط دارد. و نیز سیاست یکپارچه سرکوب و چماق رادبرابر سیاست "چماق و نان شیرینی" لیبرالها در پیش گرفته است. نقش غربیانی در اعمال سرکوب و خفقان و کشتار مردم ایفا میکند و از این لحاظ غالباً تعرض و مبارزه مردم متوجه این جناح ضد انقلابی است.

در دوران رکود جنبش، ضد انقلاب، بی‌پوسته بی‌مبارادون روبرو شدن با یک مقاومت و اعتراض جدی، به تعرض، سرکوب و کشتار میبپردازد اما در شرایط اعتدالی هر حرکت ضد انقلابی، ارتجاع توده‌ها را به خروش و امیدارد و خشم انقلابی آنها را نمود مادی می بخشد. نمایشات سیاسی - توده‌ای اخیر جلوه‌ای از این واقعیت در شرایط امروزی ایران است.

۲- حوادث اخیر را ردیگر این واقعیت را به اثبات رسانید که روند قطب بندی‌های اجتماعی و سیاسی، در شرایط کنونی جامعه، تا چه حد سرعت و شدت گرفته است. ویژگی جنبش انقلابی و وضعیت سیاسی ایران چنین است که توده‌های

مردم، در جریان فروپاشی توهماتشان نسبت به رژیم و بخصوص حزب، بسرعت به قطب‌های مختلف گرایش می‌یابند و به گرد آن جمع میشوند. واقعیت این است که هم‌اکنون بخش وسیعی از توده‌های مردم، میان قطب‌ها و نیروهای سیاسی مختلف، "تقسیم" شده اند و بخش مهمی از مبارزه خویش را در دستر تعارضات و اختلافات میان این نیروها، به جریان می‌اندازند. از همین رو حرکات و اعتراضات اخیر، اگرچه توسط سازمانهای سیاسی آغاز شده و سازمان داده شده است، و اگرچه توده‌های اصلی شرکت‌کننده در آن را، هواداران این نیروها تشکیل میدهند، اما در عین حال این حرکات و اعتراضات انعکاسی از مبارزه سیاسی توده‌های مردم است. ارتجاع میگوید این مبارزه را "مخالفت" و حرکت جدا ازت - بوده "گروهک‌ها" و "آن را صرفاً یک "دعوی سیاسی" قلمداد نماید. لیکن واقعیت این است که این نمایشات سازمان یافته، جلوه‌های انعکاسی از وضعیت جنبش خلق و اعتدالی انقلابی آن است. بی‌شک نیست که این اعتراضات و حرکات از آن چنان استقبال در میان توده مردم برخوردار میشود که ارتجاع را بوحشت می‌اندازد. هرگز روز دوشنبه را در تهران دیده‌باشی که بی‌شک چگونه مردم کوچوبار از، از مغازه‌ها، منازل و دریاچه - رهاها از جمعیت وسیع شرکت‌کننده در تظاهرات استقبال میکردند و چگونه ارتجاع و مزدورانش وحشت زده و مایوس از بسیج حداقل جمعیت برای مقابله و عرض اندام در برابر این نمایش وسیع، به نظاره مشغول بود، و چاره‌ای جز توسل به چماق و گلوله نداشت.

۳- حوادث سیاسی اخیر را ردیگر شکاف‌ها و تضادهای درون رژیم افروزی بخشد و بحران را در درون آن تشدید نمود. اختلافات در شوه مواجهه با این جریانات، مجدداً گسترش یافت و دوروش در برابر عرض اندام نمودند. جناح حزبی علیرغم وحشت و هراس عمیقش از انفجار دوتا ثبات ناشی از این حوادث، بار دیگر بر ضرورت سرکوب غربیانی و "خشن برای" نجات "حاکمیت رژیم و حتی دست زدن به کشتار وسیع را، تا کید کرد و آن را یگانواراه مقابله با بحران کنونی نامید. بهزاد نبوی، مشاور رجائی و از مهره - های اصلی ارتجاع حاکم، پس از این جریانات بر ضرورت "فاطمیت بیشتر در برابر گروهکهای ضد انقلاب" تا کید کرد و در این رابطه از "تزلزلات" گذشته انتقاد نمود. سرمقاله روزنامه آزادگان، یعنی سخنگوی صریح جناح باصلاح مکتبی رژیم، در سرمقاله چهارشنبه هفته گذشته خود تحت عنوان "توطئه گروهک‌ها و قاطعیت"، وقیحانه خط سرکوب و کشتار وسیع را، به گونه‌ای که کشتار وسیع اندونزی را بیاد میآورد یگانواراه خط صحیح رژیم حاکم تصویر کرد. و ضمن ریشخند لیبرالها در رابطه با "بحث آزاد" پیکار گروهها، اعلام کرد که باید "همان کار را با آنها (گروهها و نیروهای سیاسی انقلابی - پیکار) کرد که آنان با جمهوری اسلامی میکنند." و سپس

هدار داد که "اگر امروز به زیاده‌ریختن این - این عناصر مخالف انقلاب و اسلام را حنبشایی را هر چند جزئی برای دولت و مسئولان بیچار خواهد آورد و مطمئناً در فرودانی که این - توانسته اند شکل خود را هر چه قویتر سازند، سرکوب اجباری اینان، لطفاً تا جانی و مالی فراوان بسازد و آرد." و سپس اعلام نمود که "حزب اللهیها (یعنی همان مزدوران چماق - بدست، بمب‌انداز، یعنی باندهای سیاه ترور - می بینید که چگونه سرخ این باند - ها از محافل رژیم سردر می‌آورد!) خواهند توانست "این کودکان سفید با زبوره را نیز با کمال قدرت"، به جهنم رسیا رسانند!

این مواضع، در واقع از یکونشان تشدید روند سرکوب و کشتار و خفقان نه موازات رشد و گسترش بیشتر جنبش و فعالیت نیروها در آینده است و از سوی دیگر نشان ضعف و زبونی ارتجاع از توسل به هرگونه "فرم" در هر شکل خود، برای به سکون کشانیدن جنبش میباشند. اما بگذرد - سردمداران رژیم ضد انقلابی زوزه کشند و جنگال - های خویش خود را نشان دهند. حادثه اخوندزوی در ایران تکرار نخواهد شد! و آنها عاجز تر از آنند که برای بازگرداندن ثبات در نظم ضد انقلابی خویش را داشته باشند.

اما لیبرالها، آنها در منگنه یک تناقض گرفتار آمدند: از یکسو، حرکات اخیر، بدلیل تعرض به قانونیت رژیم، و بدست آوردن نوعی استقلال، از دایره مضامین و شکل "مبارزه‌ای" که آنها در مقابلها با حزب جمهوری خواهان آنند - فرا تر رفت (از این لحاظ از این حوادث دلخوشی نداشتند!) یعنی صدر علت این حوادث راناشی از "میل به تجاوز از قانون" دانست. نکته مهم این است که بنی صدر این موضع عملی نشان میدهد در صورتیکه جنبش توده‌ای پیش از پیش به سمت استقلال پیش برود و به نفسی آلترنا تیبو لیبرالها بپردازد، لیبرالها خود را -

سرکوب بیشتر آماده میکنند. او از "تجاوز - محبت میکنند و پرواضح است که تجاوز به حقوق بورژوازی قابل "تشبه" و با بزین دیگر سرکوب است و این واقعیتی است که ما همدین با توجه به انحرافات لیبرالی خود با بساز آن درس بگیرند. از سوی دیگر لیبرالها کوشیدند که با زنیاست "نان شیرینی" خود را ترویج کنند و آنرا "راه حل" واقعی بحران کنونی جامعه قلمداد نمایند. با زرگان، لیبرال معروف در سرمقاله میزان به تبلیغ این راه حل کذا می خود برداخت. او به صراحت، به امانت ریم ضد انقلابی خویش را به ما به سوپا اطمینان رژیم تصویر کرد، که با بدجلوی انفعالهای توده‌ای و چیز فبراً میز مردم را بگیرد. و اگر نه آنها نه نفس سرکوب مخالفند و نه زمانی که مبارزه توده مردم خصلت انقلابی خود را با زیاده، آنبار در سرکوب تردید بخورد راه خواهند داد. (نمونه کردستان از این لحاظ بخوبی این واقعیت را نشان داده است).

بقیه در صفحه ۶

خلق ها و مسئله ملی



ضربات سنگین پیشمرگان انقلابی کومله بر دشمن در سنندج

روزنوزدهم فروردین ماه پیشمرگان کومله (بل شهید قطبه و شهید جلال) وارد سنندج شده و ضمن به کنترل درآوردن محله شریف آباد در چند نقطه به کمین دشمن نشستند. عده ای از جاها کشته و یکی از منازل محله اجتماع کرده بودند از وجود پیشمرگان با خبر میشوند و در پشت با آنها سنگر بندی میکنند. درگیری آغاز میشود، پس از مدتی زیر ضربات شدید پیشمرگان عده ای از جاها کشته و بقیه مجبور به ترک سنگرها بشان میشوند. تعرض پیشمرگان بسوی مقر نیروهای دشمن در محله شریف آباد دگسترش یافت و این مقر نیز زیر آتش آر. بی. جی و سلاحهای سنگین قرار گرفت. پاسداران و جاها پس از دادن تلفاتی مجبور به تخلیه مقر گردیدند. با توجه به وسعت محل مورد کنترل پیشمرگان ما دشمن وحشتزد و سزای سیمه برآکنده شده بود. مردم که متوجه حضور پیشمرگان کومله شده بودند از پشت درها و پنجره ها محسوسه نبرد را می دیدند، آنان را تشویق مینمودند. پیشمرگان با خواندن سرودهای انقلابی و روحیه عالی بطور منظم عقب نشینی نموده و محله را ترک نمودند در این جریان یکی از پیشمرگان زخمی گردید که به آرامی بوسیله رفقا پیش از میدان درگیری خارج گردید و به پا بگناه برگردانده شد.

بدنیا ل حمله غافلگیرانه و کوبنده پیشمرگان ما به مقر خسرو آباد در چند روز گذشته این تعرض گسترده به نیروهای دشمن، روحیه مردم شهر و روستاهای اطراف را بسیار بالا برده است. میزان دقیق تلفات دشمن هنوز اطلاع دقیقی بدست نیاورده ایم.

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۰)

خمپاره باران روستاهای محال شهر و پیران "مها باد"

عمر روز ۳۱/۶۰ با نگاه ارتش مستقر در تپه کوه کهریز در جا ده رومیه مها با دروستاهای منطقه شهر و پیران را خمپاره باران نمود. در این جریان در روستای "خورخوره" ۳ نفر از یک خانواده شهید و ۳ نفر از اهالی زخمی گردیدند با وجود این جنایتها که بطور روزمره از جانب مزدوران رژیم دادا مه در روحیه مبارزاتی مردم این منطقه بسیار عالی است.

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۲)

توطئه خلع سلاح پیشمرگان کومله توسط عمال حزب دموکرات و شهادت یک پیشمرکه انقلابی

حزب دموکرات بدنیا ل حمله وحشیانه به مقر سازمان مادریوکان و شهادت ستن از رفقا، اکنون تنها کم کسترده ای را به کمونیستها و انقلابیون کردستان آغاز کرده است. آخرین نمونه آن توطئه عمال مسلح این حزب جهت خلع سلاح پیشمرگان انقلابی کومله بود که طی آن یکی از پیشمرگان قهرمان کومله رفیق علی حبیب پناه (کارگر مکانیک اهل مها باد) بدست عمال جنایتکار حزب بشهادت رسید. رفقای کومله در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده اند. ما ضمن افشا و محکوم کردن جنایات حزب دموکرات، ضمن حمایت قاطعانه و انقلابی از کومله و دیگر نیروهای کمونیستی و انقلابی در کردستان و تاکید بر ادامه راه انقلابی رفقای قهرمانی همچون پیشمرکه شهید علی حبیب پناه، قسمتها می از

اعلامیه کومله را در اینجا میاوریم:
هم میهنان مبارز!
خلق رزمند ه کرد!
"بعد از ظهر روز ۵/۶۰/۲۶ چند دسته از پیشمرگان کومله در ادامه جوله سیاسی خود وارد روستای "قم قلعه" در اطراف مها باد میشوند. چند دسته از افراد مسلح حزب که در آنجا بودند با ایجاد اغتشاش سعی میکنند مردم را از جمع شدن و شنیدن سخنان مسئولین ما باز دارند، اما موفق نمیشوند. حزبها که چنین می بینند دست بعمل نا جوانمردانه و خائنه همیشه خود میزنند. آنها با دعوت مسئولین ما به مذاکره میخواهند برایشان دا مگذاری کنند، اما مسئولین ما که بقیه در صفحه ۶

تظاهرات باشکوه زحمتکشان در سومنارومیه

پایگاههای در میان توده های مردم کردستان نداشت از همان ابتدای روی کار آمدنش فئودالها و مرتجعین منطقه را مسلح نمود و آنها هم زحمتکشان روستا را مورد تعرض قرار دادند. برای نمونه در همین منطقه سومنارومیه خانوادها را از خانه و کارخانه خود اواره ساختند. اما اکنون زحمتکشان تصمیم قاطع خود را برای کسب حقوق خویش و در هم شکستن این مرتجعین گرفته اند و در این راه از پشتیبانی بیدریغ پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت برخوردارند. بعضی از شعارهای این تظاهرات چنین بود:
اتحاد فئودال، اشرافی، سازشکار محکوم است، زنده باد جنبش مقاومت خلق کرد، بیژنی هیژی کومله زحمه تکیشی له که له و و همچنین در یلاکا ردهای متعددی از جمله شعار زیر نوشته شده بود: "در مبارزات خلق کسب مذاکره جداگانه محکوم است"

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۰)

روزنا نزد هم فروردین بدعوت کومله تظاهرات بزرگی با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از روستائیان زحمتکش منطقه "سومنارومیه" در میدان اسلحه برگزار گردید. عده زیادی از روستائیان مسلح همراهِ پیشمرگان کومله در این تظاهرات شرکت داشتند در تمام طول راه هیمنائی و تظاهرات شرکت کنندگان بر علیه جاها و مرتجعین منطقه و نیز به پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد شعار میدادند. برگزاری این تظاهرات بدنیا ل میتینگ قبلی سازمان مادر اول فروردین ماه تکرار تازه ای به مبارزات زحمتکشان این منطقه داده است. در پایان این تظاهرات ابتدا پیامها و اداران کومله در سومنارومیه و برادوست و شیران خوانده شد و سپس یکی از مسئولین کومله در منطقه طی سخنانی از شرکت فعال روستائیان زحمتکش در مبارزه برای کسب حقوق خویش و پشتیبانی از جنبش مقاومت ستایش کرد و اظهار داشت: "رژیم جمهوری اسلامی که هیچ

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



بقیه از صفحه ۵ **توطئه خلق سلاح...**

تا کنون چندبار معنای مذاکره حزب را دیده اند این دعوت را قبول نمیکنند. بعد از آن پیش - مرگان در خانه های مردم تقسیم میشوند اما پس از گذشتن ساعاتی، چندتن از مسئولین و افراد حزب از تاریکی شب استفاده کرده و تحت عنوان اینکه حتماً مذاکره با بد صورت گیرد و با اظهار دوستی دروغین به خانقاهی که چندتن از مسئولین و پیشمرگان کومله در آنجا بودند وارد میشوند. چند دقیقه از این با اصطلاح "مذاکرات" تمیگردد که حزبها با توطئه قبلی بر سر پیشمرگان ماسا ریخته و با ضربات خنجر یکی از مسئولین ماسا را زخمی و خلق سلاح نموده و دوتن دیگر نیز از رفقای مارا خلق سلاح مینمایند که یکی از رفقای ما موفق میشود خود را از دست این جانبا نجات داده و به بقیه پیشمرگان خبر دهد.

پیشمرگان ما که با طرنا ریکی شب وقایعی بودن با افراد مسلح حزب از یک طرف و عدم تشخیص افراد مسلح حزب از مردم عادی به دلیل تاریکی از طرف دیگر نمی توانستند در آنجا عکس العمل فوری نشان دهند، بلافاصله به یکی از مقرهای حزب در یکی از دهات نزدیک حمله کرده و بعد از مدتی همه افراد مسلح حزب را در آنجا دستگیر و خلق سلاح می نمایند. در این هنگام چند دسته از افراد مسلح حزب خود را به آنجا رسانده و با تیراندازی حزبها یکی از پیشمرگان انقلابی و قهرمان کومله بنام کاک علی حبیب پناه (کارگر مکانیک اهمل مها باد) شهید میگردد.

دیگر پیشمرگان کومله در یک روستای دیگر به محض دریافت اخبار فوق یکی از مقرهای حزب را خلق سلاح می نمایند و به کمک پیشمرگان ما در روستای "تیکانلوجه" میروند که در بین راه با آنها که حلقه محاصره را شکسته و از روستا بیرون آمده و اسیران و مقداری از اسلحه و مهمات را با خود آورده بودند نمودار شده و از ادامه تعرض صرف نظر مینمایند. فقط افراد مسلح یک مقرر کوچک حزب را در روستای لگز دستگیر و خلق سلاح میکنند.

طبق آخرین اخبار رسیده تا کنون ۸ پیشمرگ ما در سارت حزب دمکرات و یکی از پیشمرگان ما شهید و حدود ۱۵ تن از افراد مسلح حزب و مسئولین با سارت پیشمرگان کومله درآمده اند. خلق رزمنده کرد!

زحمتکشان و نیروهای مبارز و انقلابی ایران! این اولین بار نیست که حزب دمکرات به چنین توطئه ها و جناپت های دست میزنند. حملات حزب به پیشمرگان و هواداران کومله طی دو سال اخیر آنقدر تکرار گشته که از شماره بدر رفته است.

حزب دمکرات همه این کارها را برای اعمال

حاکمیت دیکتاتور خود بر زحمتکشان کردستان و چپاول و غارت آزادانه آنها انجام میدهد. از طرفی دیگر میخواهد با اینگونه اعمال ضد انقلابی به حکومت جمهوری اسلامی نشان دهد که تنها یار وفادار اوست.

پیشمرگان انقلابی کومله!

اکنون زمان آن فرارسیده است که برای دفاع از دستاوردهای دمکراتیک قیام و جنبش مقاومت خلق کردستان خود را چندبارا برکنیم.

گلوله ای که نتوانست از تفنگ ویا سدار و جاش برسینه کاک علی شهید بنشیند! کنسول از



تفنگ حزب دمکرات بر تن این رفیق ما نشست. این گلوله حزب دمکرات، در حقیقت گلوله رژیم جمهوری اسلامی، حزب توده مزدور و چریکهای خائن اکثریت است که رفیق پیشمرگ ما را از میان ما بیرون برده است.

ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) به تعام پیشمرگان خود اکتفا با داور میکنند:

در صورت تعرض افراد مسلح حزب دمکرات، پیشمرگان ما موظفند که با تمام نیرو تعرض آنها را درهم شکسته و چنان درسی به آنها بدهند که دیگر هوس اینگونه اعمال تجا و زکا را نهرای بخود راه ندهند. حزب دمکرات با شهید کردن رفیق انقلابی ما کاک علی هیچ راهی بجز مقاومت بلکه به مثل برای ما باقی نگذاشته است. بنا بر این در صورت درگیری، پیشمرگان ما با بد با قاطعیت انقلابی، گلوله های خود را مستقیماً بطرف آنها شلیک نمایند.

ما زمان مبارز دیگر اعلام میکنند که مسئولیت درگیری بین دمکرات و کومله را بر عهده حزب دمکرات میداند. ما یکبار ردیگر آنکارا به مردم مبارز کردستان اعلام میکنیم که خواهان برخورد نظامی با حزب دمکرات نیستیم. در عین حال خاطر نشان میکنیم که ما زمان ما در برابر تهدیدات نظامی و اعمال تجا و زکا را نه حزب دمکرات فقط به دفاع اکتفا نمیکند، بلکه به وظیفه انقلابی حتمی خود عمل کرده و با نهایت شدت تعرض متقابل خواهد نمود.

ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ۱۳۶۰/۲/۶

بقیه از صفحه ۴ **یادداشتها...**
بهر حال حوادث اخیر و روش های متفاوت دو جناح اصلی رژیم را در بر خورد به این مسائل با زهم در برابر هم قرار داد. این امر بخودی خود نشان میدهد که تصادمات این دور ووش از یکسو دامنه بحران سیاسی در حکومت را افزایش می - دهد و از سوی دیگر امکان ما نور آنها را در اعمال سیاست یکبارا بر سرکوب انقلاب، کمتر میسازد. این جنبش است برخی از مهمترین ویژگی ها و نتایج حوادث سیاسی هفته گذشته.

بقیه از صفحه ۳ **توطئه اخراج...**

هما هنگی "ودادن اطلاعات و نامه های مختلف میخواهد بگوید که گویا مشکل رژیم نداشتن برنامی برای راه اندازی مجتمع است و لذا میخواهد این مشکل را با کمک ما برین حل کند! اما واقعیت این است که در شرایط فعلی سیستم بر ما به داری وابسته ایران دچار بحران عمیق اقتصادی است و رژیم جمهوری اسلامی که وظیفه پاسداری از این سیستم گندیده را بر عهده گرفته است مذبحخانه میکوشد تا با اخراج و بیکار کردن کارگران، فقر و فلاکت توده های زحمتکش را افزایش داده و با شین آوردن سطح زندگی، زندگیشان، بحران را موقتاً به نفع طبقه سرما به داخل نماید. بنا بر این هدف رژیم از تماشای این حیلها، رنگارنگ و عوامفریبها اخراج کارگران است. این شیوه ای است که نظامی در اغلب مراکز صنعتی نظیر ذوب آهن، سفهان نیز جریان دارد و تنها مبارزات متحدانه و یکبارا بر طبقه کارگر میتواند مانع به سرانجام رسیدن این حیلها و فداکاری رژیم گردد.

کارگران مبارز با بد با تند که مبارزه شان بر علیه اخراج بنا بد دیگر جنبه محدود و پراکنده داشته باشد. گام نخست برای پیروزی کارگران در جلوگیری از اخراج تنها به اتکا شوراهای واقعیان و هما هنگی هر چه بیشتر با مبارزات مبارک را خنجات عملی است و برای حل بحران اقتصادی به نفع توده های زحمتکش تنها مبارزه در راه وسوسا لیسیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، چاره ساز است!

اعتصاب غذای زندانیان انقلابی در زاهدان

زندانیان سیاسی انقلابی زندان زاهدان برای اعتراض به شرایط طاقت فرسای زندان و تحقق خواسته های شان از روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ دست به اعتصاب غذا زده اند.

این اعتصاب غذا تا روز ۸ خبر ۶۰/۲/۶ همچنان با مقاومت و دلالتی انقلابیون در بند ادامه داشته است!

افتخار بر پایداری فرزندان دلاور خلقهای ایران در زندانهای جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه ۱

مینیک "اکثریتی"ها و حزب توده
خائن و باصلاح دفاع از حرکت‌های
"فانونی" سوکران خود، چهره عوام -
فریبنا نه بخود گرفته و خود را مدافع
"آزادی" جلوه دهد! بسیج چند هزار
نفری رژیم، بسرای درهم -

- شکستن مقاومت شرکت کنندگان در راهپیمایی
اول ماه مه نیروهای انقلابی، چیزی جز وحشت
رژیم از آگاهی هر چه بیشتر توده‌های میلیونی
نیست. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف به
سرکوب شدید و وسیع نیروهای انقلابی میبرد. از
طرف دیگر به جیره خواران خود، تکه تکه
خنکی بنام آزادی، ارزانی می‌دارد.

در رابطه با سیاست فوق رژیم جمهوری
اسلامی به باری ابادی و عمال مرتجع از قبیل
پاداران، گاردشهریاتی بسیج و فالانژها،
با رادیکال‌ترین تلاش ضد مردمی در جهت جلوگیری از
راهپیمایی انقلابی اول ماه مه در تهران برخاست
رژیم که به گفته بسیاری از سردمداران، دشمن
اصلی خود را، کمونیست‌ها، انقلابیون و توده‌های
آگاه میدانند، و علاوه بر تهدیدات
فراوانی در مورد سرکوب مراسم و باصلاح
"برخورد قاطع" با آن برداشته بود، از ساعت
قبل از شروع مراسم اول ماه مه، به بسیج
مزدورانش پرداخته و بدون اینکه بتوانند حتی
اندکی از توده‌های مردم را علیه کمونیست‌ها و
شرکت کنندگان در مراسم بسیج کنند، با انبوه
وسایل سرکوب به جلوگیری از برگزاری جشن
اول ماه مه برخاست.

از ساعتی قبل از شروع مراسم، انبوهی از
کسانی که بدعت سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگرو سازمان چریک‌های فدائیان خلق برای
شرکت در این جشن آمده بودند، در میدان جمهوری
خیابان جمهوری، نواب (از انقلاب تا آذربایجان)
و خیابانهای اطراف این محل تجمع نمودند. تا
ساعت ۱۰/۵ میزان جمعیت به بیش از ۲۵ هزار نفر
رسیده بود. لیکن به دلیل تصرف خیابان نواب
و میدان جمهوری توسط مزدوران رژیم، جمعیت
گروه گروه، لیکن بطور سراسری در تمام منطقه

تظاهرات کمونیست‌ها در اول ماه مه

هجوم واقع شده با مخالفت‌ها و مقاومت -
های خویش به افتاکری وسیع ارتجاع
میبرداختند.

دسته‌های فالانژ به شرکت کنندگان
که در کنار پها ده روها ایستاده و
نشسته بودند و حتی نه حمله برده و به ضرب
و شتم آنها می‌پرداختند. حملات فالانژها

و بسیجی‌ها به شرکت کنندگان
مراسم و حتی ساکنان خانه‌های اطراف که در
مقابل منازلشان اجتماع کرده بودند بسیار
وحشیانه بود. آنها ناگهان سرعه‌ای از مردم
ریخته و آنها را زرباران منت و لگد خود می -
گرفتند. دستگیری‌ها شدت ادا مه داشت بنحوی
که بهر کس شک میبردند که کمونیست یا شایا برای
شرکت در راهپیمایی آمده باشد نذمن ضرب و شتم
دستگیر کرده و یا خود میبردند. آنها حتی از
دستگیر کردن عابراتی که به وحشیگری‌های

تجمع کرده بود امکان تمرکز وسیع از قبیل
نداشت در ضمن قبلا خبر گرفته شده بود
که چندین اکیب سپاه پاداران و بسیج قراست
میدان جمهوری، تقاطع نواب آزادی و خوش -
آزادی را اشغال نمایند.

از حدود ساعت ۹ دسته‌های فالانژ و بسیج با
پشتیبانی فعال پاداران و سپاه مگمان
سلح به حمله و سرکوب کمونیست‌ها و دیگر شرکت -
کنندگان در مراسم و حتی مردم عادی پرداخته و یا
کابل و شتم و لگد سخی در برابر آنگان آنها از حوالی



میدان جمه - سوری
داشتند. علاوه
رژیم برای ایجاد
رعب و هراس،
مذبوحانه به بازرسی
بدنی و دستگیری
وسیع شرکت -
کنندگان در مراسم
و بخصوص دختران
میپرداخت. دسته -
های فالانژ به همراه
دختران فالانژ
(خواهران زینب)
جلوی زنان را
گرفته و سر طبق

آنها اعتراض میکردند با شای ندا شدند. مثلاً
موقعی که فالانژها بجان یکی از کسانی که
در آن حوالی ایستاده بود افتاده بودند، دوشنفر
عابرا اعتراض میکنند که چرا میزبید؟ و فالانژها
دوره تان کرده و آنها را هم مورد هجوم خود قرار
میدهند.

عمال رژیم حتی از آمبولانسها نیز که ظاهراً
برای حمل زخمی‌های احتمالی آورده شده
بودند استفاده کرده و دستگیرندگان را به داخل
آنها انداخته و یا خود میبردند!

کلا برنا مه رژیم این بود که - باصرف میدان
جمهوری - با حملات دسته‌های متعدد فالانژ و
بسیجی، کنگ زدن و دستگیری‌ها و جستجوهای
بدنی و حتی هجوم و بدوی به کوئی به عابریین
و - ساکنان کامل منطقه بوسیله پاداران و
سپاه مگمان، از یک طرف امکان برگزاری
مراسم را از بین برد و از طرف دیگر با ایجاد یک
جو خفقان و اختناق شدید، در محیط، امکان
هرگونه حرکت مشکلی را منتفی سازد و با لایحه

دستوری که به آنها داده شده بود به زور به بازرسی
کیف‌ها و لباس آنها میپرداختند. آنها در
مواقعی هم که از خواهران زینب خبری نبود
از اینکه خودشان به جستجوی دختران میبردند
با شای ندا شدند. این جستجوها با ضرب و شتم و
فحش‌های رکیک همراه بود و متلاً بکبارک دوشنفر
از دختران را دستگیر کرده بودند که کمیته

به - رند در مقابل اعتراض مردم، جواب میدهند
که اینها دختران نصیری (رئیس
معدوم ساواک) هستند!

در ابتدا دختران و زنان
را در صورتیکه همراه خود نشریه‌ها
اعلامیه‌ای داشتند دستگیری -
کردند ولی بتدریج اگر در داخل
کیف آنها چه در هم مییافتند
دستگیرشان میکردند و حتی در
حدود ساعت ۱۲ ساعت بدون هیچ
بازرسی و مدارکی فقط بصری شک
و سوء ظن دستگیر کرده و یا خود
میبردند. در تمامی این موارد عناصر مورد



زنده باد سوسیالیسم!

اجازه استخدام مستشار برای ارتش

نگهبان که از طرف ولایت فقیه بر سر نوشته شده است. توده ها حکومت میکنند در باسخی به تقاضای وزارت دفاع، اجازه استخدام کارشناس خارجی را "بطور موقت" در نموده است. ارتجاع همیشه به میل خود قوانین و در شرایط کنونی قانون ارتجاعی حاکم را تفسیر می نماید. ارتشی که دست برورده امیریا لیم آمریکا است، برای ادامه حیات، حتما به کارشناس خارجی نیاز دارد و اگر "ممنوعیت قانونی" در میان باشد میتواند با اگرها و شاید ها و "بطور موقت" آنها از بین برد. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیتش نمی تواند ندی نیاز از امیریا لیستها با شدرچند دربار "مبارزه" امیریا لیم دوقال پسر هیا هوودوعین براه اندازد. خیانت های رژیم جمهوری اسلامی را هرچه گسترده تر افشای کنیم!

رژیمی که سرما به داری وابسته را به انکا " ارتش ارتجاعی و دیگر ارگانهای اداری - نظامی حفظ و مستحکم میسازد، نمیتواند ندی نیاز از کارشناسان خارجی باشد. رژیم جمهوری اسلامی با استخدام مستشاران خارجی و وارد کردن انواع تجهیزات برای ارتش جمهوری اسلامی، وابستگی خود را به امیریا لیم جهانی فزونی می بخشد. هرچند در قانون اساسی ارتجاعی "خبرگان" برای فریب توده ها، استخدام کارشناس خارجی در ارتش ممنوع گردیده (اصل ۱۴۵) ولی شورای

در صورت هرگونه حرکتی، آنها با کنترلی که بسویله عنا مرسلح بر منطقه اعمال کرده بود، در منطقه خفه سازد.

در همین رابطه هم بود که پاسداران در ابتدای اغلب خیابانهای فرعی که از نواب منشعب میشدند گمارده شده بودند. بعلاوه مزدوران رژیم برای قدرت نمایی مرتباً دست به راهپیمایی ها می زدند. با تعداد حدود ۱۰۰ نفر میزدند. همچنین از مدت ها قبل از ساعت ۱۰/۳۰ (شروع مراسم) بلندگوئی که بر روی یک چلوکبابی در فلج شمال غربی میدان جمهوری (مقابل کمیته) نصب شده بود مرتباً با صدای بلند به پخش سرودها و برنامه های ارتجاعی میپرداخت.

در سایه یک چنین جو خفانی مردمی که از خانه ها بیرون بیرون آمده بودند و همچنین رهگذران با مشاهده وحشیگری های مزدوران رژیم، امکان اعتراض وسیعی را نداشتند. ما اغلب با سرنگان دادن و قیافه های خشمگین و برخی مواقع با اعتراض به درنده خویی های مرتجعین، کینه خود را نسبت به چنین اعمالی نشان میدادند. زنی با اشاره به فالانژها میگفت: "امروز اینا فقط برای کتک زدن آمدن از چنان خون میبارد". و پیرزنی اعتراض میکرد: "همه جوانها بیان را که توی جبهه به کشتن دادن اینها را هم که می کشن پس دیگه چکار میخوان بکنن".

در ساعت ۹/۳۰ نیز پلاکاردهای بزرگی که به تعدادی با دکنک بسته شده بود از حدود خیابانهای خوش - آذربایجان به آسمان فرستاده شد. که بر روی آن با خط درشت نوشته شده بود: زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران - زنده باد کمونیسم (با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) - این پلاکاردها توجه مردم قرار گرفته بود.

اما با وجود تمامی این وحشیگری ها و درنده خویی های ارتجاع، کمونیستها نشان دادند که با اعتقاد دیر روز اول ماه مه روز جشن جهانی کارگران، با زهم مراسم خود را می توانند برگزار کنند. در همین رابطه بود که از ساعت ۱۱ صبح بخشی از جمعیت، از خیابان اسکندری به سمت پاشین دست به راهپیمایی زده و با شعار "ارتجاع مبارزه، پیروزی" حرکت خود را آغاز کردند. اما در خیابان آذربایجان مورد حمله عمال رژیم قرار گرفته و با این وجود، حرکت خود را تا نواب سینا ادامه دادند. در جلوتظار حرکت کنندگان پلاکاردهای بزرگی با رنگ سرخ قرار داشت و تظار حرکت کنندگان تا آخر مسیر مورد هجوم مسلحانه عوامل رژیم قرار داشتند.

همچنین از چهار راه لشکر راهپیمایی دیگری آغاز میشد که تا میدان قزوین ادامه پیدا میکند. در این راهپیمایی بیش از هزار نفر با پلاکاردها شرکت داشتند. این عده با شعارهای "نه سازش، نه تسلیم، نبرد با خد خلق، نبرد با



ارتش جمهوری اسلامی ایران
بسمتعالی

شماره: ۱۳۸۴
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴
پهلوست ندارد

شیرای نگهبان

وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران

مطب شماره ۹۴-۹۲-۰۲-۴۰۲-ب-۱۳۵۹/۱۲/۹
موضوع: شیخانی در شورای نگهبان مطرح و نظرسنجی بشرح زیر اعلام میگردد:

* بکارگرفتن کارشناسان خارجی وابسته از تخصص آنان بطور موقت در ارتش، ضرورت ارتش که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده محسوب نمیگردد. -
طبیعی است طبق اصل ۱۴۵ قانون مزبور استخدام کارشناسان خارجی در صورت ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان پذیر است. پسر

د. بهر خیرای نگهبان لطف الله صافی

دستگیر میشوند. بعد از این راهپیمایی چند هزار نفر دیگر از شرکت کنندگان در مراسم که از میدان جمهوری آمده بودند به میدان قزوین میروند که بعلاوه استقرار وسیع پاسداران در میدان، موفق به برگزاری راهپیمایی نشدند. این راهپیمایی در سطح وسیعی از شهر انکاس بافت صدای شلیک تیروگاها شک آورده های بسیاری را به خیابان کشتاید. در همه جا تظار حرکت کنندگان با استقبال مردم روبرو میشدند. درهای خانه ها بروی تظار حرکت کنندگان گشوده میشد و مردم برای تظار حرکت کنندگان آورده و آنها را در خانه های خود می میدادند. با رها شده شد که مردم در مقابل عمل مسلح رژیم تظار حرکت کنندگان پشتیبانی کردند و دشنام و نفرت خود را از پاسداران و عمال رژیم بیان میدادند. رژیم در این روز یکبار دیگر ما هیت خود را آشکارا نشان داد و زبونی خود را در مقابل رشد آگاهی توده ها بنمایش گذاشت.

آمریکا، "کارگران، زحمتکشان، اتحاد، علیه سرما به دار، علیه امیریا لیم"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "اتحاد، اتحاد، علیه سرما به دار" و "کارگر قهرمان، رهبر زحمتکشان، درود خلاق" ایران بر شو باد. به میدان قزوین رسیده و در آنجا جمعیت حاضر در میدان به آنها پیوسته و تظار هرات علیرغم شلیک پیاپی گلوله و گساز - اشک آور در میدان قزوین توسط عمال رژیم با حدود ۲۵۰۰ شرکت کننده حرکت خود را تا تقاطع مخصوص - قزوین ادامه داد. در این جا با دیگر مزدوران رژیم مستقیماً بسوی تظار حرکت کنندگان شلیک کردند که حداقل ۲ نفر با گلوله زخمی شدند. یک شاخه از تظار هرات به خیابان مخصوصی کشیده شد و تظار حرکت کنندگان در حین پخش اعلامیه و شعار دادن تا نواب پیش رفتند.

در این راهپیمایی که با سرکوب وحشیانه ارتجاع روبرو شده بود حداقل ۳ نفر از راه - پیمایان با شلیک گلوله زخمی شده و دهها نفر مجروح و مصدوم میگردند. بعلاوه عده زیادی

اخبار مبارزات توده‌ها



سرکوب و دستگیری زحمتکشان گرمدره

یورش وحشیانه پاداران مسلح رژیم ضد- خلقی جمهوری اسلامی به زحمتکشان گرمدره و خراب کردن حدود ۶۰۰ خانه که از دسترنج زحمت- کشان ساخته شده بود، یکبار دیگر چهره ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را برای توده‌ها افشا کرد و نشان داد که رژیم نه میخواد هدونه میتوا ندکاری غیر از سرکوب و کشتار و دستگیری زحمتکشان انجام دهد. رژیم ضد خلقی پس از خراب کردن خانه - ها و آلودنکها هنگامیکه با مقاومت اهالی گرمدره روبرو میشوید پرتا بگا زاشنک آور و شلیک گلوله چندین تن از زحمتکشان را زخمی میکند. اهالی گرمدره با شاعرها شای چون: "تسا خون درگ ما ست، اینجا خانه ما ست" و "دولت سرما به دار خانه خراب میکند" و "دست به مقاومت زده و با بستن جاده گرج، این جنا بیست مزدوران مسلح رژیم را نزد توده‌ها افشایم بیایند. مزدوران به این جنایت اکتفا نکرده و در حدود ۲۰۰ تن از اهالی را دستگیر کرده و با خود میبرند. در روز ۶۰/۱/۲۹، در حدود ۲۵۰ نفر از اهالی گرمدره جهت آزادی زندانیان خود که در محل سپاه عظیمه گرج بودند، بطرف آنجا حرکت میکنند. مزدوران سپاه با افترا و عوام فریبی سعی میکنند صفت متحد و یکپارچه اهالی را بهم برزنند اما با اتحاد و یکپارچگی و هوشیاری اهالی زحمتکش راه به جایی نمیبرند.

با لایحه با فرستادن چند مزدور خود (دختر و پسر) بداخل مفا اهالی، عده ای از آنان را با خود بدرون ساختمان برده و عده ای را نیز همانجا دستگیر میسازند. اما مبارزه و مقاومت اهالی گرمدره هم- چنان ادامه دارد.

سنگ و نفرت بر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی!

دستگیری رفقای فروشنده 'پیکار' در زنجان

هواداران سازمان در زنجان طی اعلامیه ای به افشاء سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با دستگیری وسیع انقلابیون و کمونیستها پرداخته اند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: "..... بدنبال فعالیت انقلابی هواداران نیروهای انقلابی و کمونیست و افشاگریهای آنان، ارتجاع حاکم هراسناک از شدت آگامی توده‌ها، به شیوه‌های مختلف متوسل میشود.

اعتراض زحمتکشان حلبی آباد و وعده‌های سرخرمن رژیم جمهوری اسلامی

فربا دمیکند "آب حق مسلم ما ست"، "ما حقمان را می‌خواهیم نه چیز دیگر". در این موقع مسئولین اداره سی شرمانه زنان را به "نظم بودن" متهم میکنند و به آنها میگویند "شما که ادعای حقمان را میکنید اسلام را خراب کرده اید". مسئله اعتراض زنان در اداره، به گوش سردمداران رژیم میرسد و آنها که همیشه از اعتراض توده‌ها وحشت زیادی دارند، در همان شب، یکی از به اصطلاح نمایندگان مردم شیراز در مجلس را با پاداران مسلسل بدست به مسجد محل میفرستند تا سخنرانی کند. اما ما با زهم فریبهای همیشگی که "صبر داشته باشید، و اائل انقلاب است، جنگ است، اعتراض نکنید، به حرفهای ضد انقلاب (بخوان نیروهای انقلابی و کمونیست) گوش ندهید... بگیرید و تحویلشان دهید، نگذارید اعلامیه پخش کنند" و از این حرفها (حتی یکی از زنان محله عنوان میکرد که ما همین آب و برق هم که داریم از صدقه سر کمونیستها داریم.)

کارگران و زحمتکشان حلبی آباد!
ما در زندگی دوماه گذشته خویش بخوبی بقیه در صفحه ۱۰

...هما نظور که میداریم در رژیم شاه خاشن بخشی از کارگران و زحمتکشان ما از اغتشاش بوده و آب و حما مویسها شدت و مسکن مناسب و سا بحقوق اولیه خویش محروم بوده اند. در رژیم جمهوری اسلامی نیز اینها را غنشین هستند... هر بار که کارگران و زحمتکشان در دفاع از حقوق خود اعتراض کرده اند، رژیم سعی کرده که صدایشان را در گلوله خفه کرده و یا حدا قتل فریبشان دهد... این با ریزش زحمتکشان حلبی آباد رسیده است:

عده ای از اهالی زحمتکش (حلبی آباد) که از مسئله بی آبی رنج میبرند، از لوله شهرداری به خانه‌های خود لوله کشی میکنند. بدنبال این عمل ما موران اداره آب به آنجا آمده و لوله اصلی را می‌شکنند و بی توجه به اعتراضات مردمی را می‌گیرند. در پی این عمل بی شرمانه ما موران اهالی جمع میشوند و به اداره آب رفته و شکایت میکنند ولی به آنها وعده سرخرمن میدهند. روز دیگر برای بار دوم (به تاریخ ۶۰/۱/۱۹) به اداره آب رفته و دوباره همان آتش و همان کاسه، زحمتکشان اعتراض کرده و مسئولین هم اعتنائی نمی‌کنند. یکی از زنان زحمتکش

رژیم یکی از انقلابیون کرد را در بندر عباس اعدام کرد

بود که قبلا شش ماه در زندانهای رژیم در سنج اسیر بوده و رژیم بطراژمانش کمونیسم، وی را از شغل معلمی اخراج کرده بود و با لایحه در شوروژ امسال خون پاکش را بر زمین ریخت و بر جنايات خود علیه زحمتکشان و خلق کرد افزود. ارتجاع حاکم بارها و بارها نشان داده است که از آگامی توده‌ها وحشت دارد، چرا که مرگ خود را در آگامی توده‌ها مبینند و از بنبرست که رژیم جمهوری اسلامی کمونیستها و انقلابیون را اعدام میکنند... با تلخیص نقل از پیکار خلیج (۱) - نشریه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بندر عباس

خبر کوتاه بود. ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۰/۱۶ رادیو ارتجاعی رژیم در بندر عباس خبر تیرباران سیف الله فیض الله بیگی را اعلام کرد و با بیشری تمام آنها مواهی "فروش مواد مخدر" را نیز به وی نسبت داد. صدها هزار کمونیست در نبرد طبقاتی با مزدوران سرمایه داری جان خود را از دست داده اند و ارتجاع که میدانده شدت کمونیستها نشان ندهنده حقانیت راه آنها در پیشگاه توده‌هاست مذبح آنها اعلام میدارد که سیف الله فیض الله بیگی فروشنده مواد مخدر بود. زهی بیشری! سیف الله فیض الله بیگی هوادار سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومله

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

شهادت چند تن از مجاهدین در یورش پاسداران



فاطمه (روبا) رحیمی



سیمه (بری) نقره خواجه



ودود پیراهنی

در یورش او با شان ارتجاع به نیروهای انقلابی در قائم شهر که با همراهی و حمایت پاسداران جهل و سرما به صورت گرفتار، دو مجاهد سیمه نقره خواجه ۲۲ ساله و فاطمه رحیمی ۱۶ ساله در اثر تیراندازی پاسداران ارتجاع بشهادت رسیده و عسده زیادی زخمی شدند.

انقلابیون ما در ادامه راه شهیدان بسته اند، بخون کشیده شدن را هیبتی شکوهمند ما در آن هواداران ما زمان مجاهدین خلق در تهران کسه منجر به شهادت دو مجاهد خلیل اجاقی قلبی زاده و ودود پیراهنی و زخمی شدن تعداد زیادی گردید، تنها نمایانگر و حشگری ارتجاع حاکم میباشد.

هواداران مجاهدین در اعتراض به جنایات اخیر پاسداران تظاهرات مشابهی در کرج، آمل، زنجان، شهرکرد، اراک، نهاوند و... برگزار کردند که با یورش وحشیانه پاسداران و فالتزهای رژیم مواج گردیدند.

ولی علیرغم مبارزات سرکوبگرانه رژیم مبارزات انقلابی توده ها اوج بیشتری میگردد. یاد شهیدان مجاهد و دیگر شهیدان راه آزادی و استقلال را گرامی میداریم!

رژیم جمهوری اسلامی که از گسترش و جگریده توده های خلق وحشت مرگ گرفته است، سر سیمه و آزوری درماندگی به وحشیانه ترین صورتی به نیروهای دمکرات، انقلابی و کمونیست حمله کرده و گمان میکند که با گشتار توده های انقلابی خواهد توانست جنبش انقلابی توده ها را سرک کرده و سرنوشته محتوم خود را تغییر دهد.

خون سرخ انقلابیون دمکرات و کمونیست تپلورا رانده استوار خلقهای ایران در بدوش کشیدن سرفرازان به پرچم سرخ انقلاب است. مبارزات تعریفی و گسترده مردم مبارز و زحمتکش در شهرکرد، با بل، باصفهان، قزوین، تهران و... که با نگرانی چشمگیر در اعتراض به جنایات اخیر ارتجاع با فریاد خشم خود کوچها و خیابانها را بلرزه درآوردند، بیانگر میثاقی است که

بدین منظور ابتدا کودکان تا ۱۲ سالگی را کسه مستقیما از طرف سپاه هدايت ميشوند، جهت برهم زدن بساطها و پار، نمودن نشريات، بسیج می کنند. چرا که دخالت مستقیم پاسداران سرمایه با اعتراض و عکس العمل توده ها مواجه خواهد شد دادستان کل "انقلاب" اطلاعیه میدهد و دادستان زنجان نیز طی اطلاعیه ای برای فروشندگان نشريات انقلابی خط و نشان میکند. ماهیچکدام از شیوه ها راه به جاشی نمیبیرند. سرانجام سپاه پاسداران زنجان خود مستقیما وارد عمل شده و در تاریخ ۶۰/۱/۲۵، هنگام فروش نشریه، با مینی بوس آزار رساننده و حدود ۸ نفر را که شامل فروشندگان "پیکار" و نیز افرادی که در اطراف بساط بودند، دستگیر نموده و به شیوه ساواک به سرعت آنها را با خود میبرد... ما ضمن محکوم کردن دستگیری فروشندگان "پیکار" و نیز افراد آزادی که در این رابطه دستگیر شده اند، خواهان آزادی هر چه زودتر دستگیر شدگان بوده و در این راه از کلیه مردم مبارزان زنجان نیز میخواهیم که تا صدای اعتراض خود را علیه دستگیری فرزندان انقلابی خود بلند کرده و توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا سازند."

بقیه از صفحه ۹ اعتراض...

در یافته ایم که تا به وقتکایت و التماس بدرگاه رژیم و سازمانها و اداره های بجاشی نرسیده و گریه از کارمانی گشاید و این با زین دیدیم که تنها با اعتراض و اتحاد خود ما بود که توانستیم آنها را در آداب بوحشت انداخته و سپس این خود ما بودیم که اقدام به گرفتن حق خود (کشیدن و استعاده مجدد لونه های آب) نمودیم و در این بین چند چیز را نیز یادگرفتیم:

اول اینکه این رژیم به چه چوه قادر به پاسخ دادن به حقوق اولیه ما نبوده و تنها خود ما هستیم که میتوانیم حق خویش را بگیریم و نمانیم نویسی و چانه زدن به جاشی نخواهند رسید.

دوم اینکه برای اعتراض و گرفتن حق خویش با یستی دسته جمعی و متحد عمل کرده و هر چه بیشتر همه هم محلی ها و کلیه مردم محروم را همراه خود نموده و به مقابله و کسب حقوق خویش بکشانیم.

سوم اینکه این رژیم علاوه بر سرکوب و زحمتکشان و انقلابیون مخصوصا در موقع درماندگی خویش، اقدام به صحبت و سخنرانی و فریب دادن (نظیر سخنرانی نماینده مجلس در محل) نیز میکند و این دو (سرکوب و فریب) در واقع دوری یک سکه اند.

بهوش باشیم و فریب دروغهای سردمداران رژیم فقط سرما به داران و مفتخوران را نخوریم. پرتوان با دفریادهای اعتراض کارگران و زحمتکشان برقرار با دجمهوری دمکراتیک خلقی با اندکی تلخیص بنقل از اعلامیه: هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر-دباغی

۶۰/۱/۲۴

عوام فریبی های سازمان سیاسی - ایدئولوژیک ارتش را هر چه بیشتر افشا کنیم!

۳ خانه معمولی دار دولتی ضد انقلاب! بنا به گفته است که بهشتی در اصفهان یک کاخ دارد و... "جناب حجت الاسلام، پرسنل آگاه ارتش و توده های زحمتکش بخوبی فهمیده اند که آیت الله بهشتی فقط بعنوان حقوق یکی از نمایندگان چندگانه اش در دادگستری، ماهانه ۲۵ هزار تومان از بیت المال "مستضعفین" را به جیب گشاد خود می ریزد و ما هیبت سرما به دارانه ایشان و حزبشان دیگر برای اکثریت توده های مردم روشن شده است...

اعلامیه سپس در افشای عوام فریبی های وی در مورد زندانها سیاسی با این جملات به پایان میرسد: "ولی اینرا حداقل پرسنل با دگان ارتش سوم هر روز چشم خود میبندند و می شنوند که فرزندان انقلابی خلق چطورا اعتراض خود را به شکنجه در رژیم سرما به داری و ارتجاعی جمهوری اسلامی با شعارها و سرودهای انقلابی نشان می دهند و پرچم مبارزه را در زندانهای قرون وسطائی رژیم برافراشته نگاه میدارند و دیگر نیست آن زمان که توده ها با رهبری طبقه کارگر این رژیم ارتجاعی را نیز به زباله دان تاریخ افکند.

پرسنل نظامی هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز، اخبار اعلامیه های انتشار داده اند که در آن به افشای سخنرانی فریبکارانه حجت الاسلام بهشتی حاکم شرع و رئیس به اصطلاح دادگاه انقلاب - که از طرف سازمان سیاسی - ایدئولوژیک ارتش دریادگان ارتش سوم در شیراز ترتیب داده شده بود پرداخته اند. در قسمتی از اعلامیه چنین میخوانیم: "حجت - الاسلام بهشتی سپس در مقامی وضع سر بازان در دور رژیم، به گماشتگی اشاره کرد و گفت: "در رژیم گذشته از سر بازان در منزل افسران، بعنوان گماشته استفاده میکردند و لی اکنون این وضع وجود ندارد و لی اگر سر بازی از زوری علاقه برای فرمانده اش خریدی بکنند ما ما شین او را بشوید هیچ مسئله مهمی نیست!" سر بازان میدانند که هم اکنون نیز در رژیم جمهوری اسلامی به طرق مختلف آنها را به بیگاری برای فرماندهان و امی دارند و در جیبها آنها را گوشت دم توب سرما به داران میکنند. جناب حجت الاسلام که در ضمن نیابت امامت جمعه اصفهان را نیز بعهده دارد گفت: "آیت الله بهشتی در اصفهان و تهران

دستاوردهای دومین کنگره سازمانی کومله را گرامی بداریم!

خبرنامه کومله، شماره ۱۲۰، خبربرگزاری
موفقیت آمیز دومین کنگره بین سازمان را اعلام
نموده است.

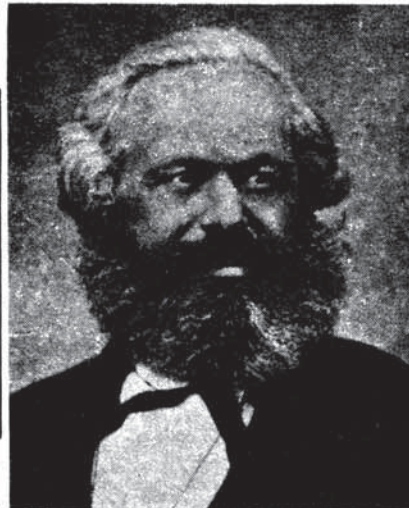
بنا بر خبر اعلام شده، رفقای کومله در این
کنگره به ارزیابی تحلیلی و انتقادی از "بیش
- های انحرافی گذشته" خود و جنبش کمونیستی
پرداخته اند. همچنین این کنگره خطوط کلی
برنامه سازمان و دیگر مواضع آنها را تصویب
و بصورت قطعیانه ماهی فرمولبندی و تنظیم
کرده است. علاوه بر این، کنگره ضمن انتخاب
"هیئت مرکزی" کومله، انتشار یک ارگاسان
مرکزی را تصویب کرده و بر ضرورت آن در "امر
ترویج، تبلیغ و سازماندهی و در امر مبارزه
ایدئولوژیک و وحدت ایدئولوژیک" تاکید کرده
است.

نقش برگزاری این کنگره، روشی ماسل
مورد بحث در آن و همچنین نتایج نهایی این
کنگره، که بطور مختصر در این اطلاعیه مورد اشاره
قرار گرفته است، نشان میدهد که رفقای کومله
کامیابی را در جهت زدودن انحرافات گذشته
خویش برداشته اند. این موضوع که رفقای
کومله پس از دو سال برکناری از جریان فعال
مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کارگری و
کمونیستی، به تلاشی درخور ستایشی در این
زمینه دست زده اند، خود از اهمیت فراوان بر
خوردار است و از این لحاظ جنبش کمونیستی
نمی تواند ادعای خود را برای زنده ماندن، همچنین
این موضوع که رفقای کومله از دایره تنگ و
محدود جنبش انقلابی کردستان و مسائل مربوط
به آن بیرون آمده و در فضای گسترده جنبش
سراسری ایران و مسائل پیش روی آن گام
نهادند، بخودی خود موفقیت بزرگ و حرکت
شادی آفرینی است.

علاوه بر این تاکید بر ضرورت یک نشریه
سراسری، گام ارزنده ای است در جهت ارتقاء و
تکامل مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش
کمونیستی و تامین شرایط ذهنی وحدت صفوف
آن. رفقای کومله، خود بدستی در کنگره دوم
خود بر اهمیت "ایجاد حزب طبقه کارگر" و مبارزه
ایدئولوژیک برای تحقق آن، تاکید کرده اند و
اشاره نموده اند که نشریه خود را در خدمت این
امر قرار خواهند داد. ما این حرکت و درک نوین
رفقای کومله را، دستاورد مهمی میدانیم که
میتواند نقش ارزنده ای در تامین شرایط ذهنی
وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر

سالروز تولد کارل مارکس

آموزگار کبیر پر و کتاریا و رهگشای سر اسپالپسم و کمونپسم



۵ مه سال ۱۸۱۸، اردیبهشت ۱۲۵۰ و
سومین سالگرد تولد آموزگار بزرگ کارگران
جهان و بنیانگذار اسپالپسم علمی کارل مارکس
میباشد. مارکس در سال ۱۸۱۸ در شهر "ترییر"

آلمان چشم به جهان گشود و پس از ۶۷ سال زندگی
که سند محکومیت دنیای سرما به داری را اعلام
داشته و جهانی نوین در پیش پای کارگران به
زنجیر کشیده ترسیم کرد، در شهر لندن دیده از جهان
فرو بست.

اگر با وجود گذشت یک قرن از درگذشت مارکس
سرما به داران و غارتگران جهان نخواهد همچنان
در تبلیغات برداشته خود بر نام کارل مارکس و
زندگی و آثارش می تازند، بخاطر جادوی بودن
آثار او و بخاطر راهی است که مبارزه و آثار مارکس
در پیش پای پرولتاریای جهانی گشوده است
مارکس انقلابی بزرگ و آموزگار کبیر طبقه
کارگر بود. او به طبقه کارگر نشان داد که چگونه
میتوان با توسل به انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی
سرما به داری را نابود ساخت و اسپالپسم را
برقرار نمود. مارکس ما را کسیر بنیان نهاد
و بدین طریق دریچه روشنائی بخش کمونپسم را
بروی کارگران و همه به زنجیر کشیدگان جهان
گشود.

کارل مارکس در قلب کارگران جهان زنده است!
برافراشته تر بپرچم شکست ناپذیر ما کسیر!

خطاب به رفقای خارج از کشور

رفقا! با دروهای کمونیستی
اهمیت آکسیونهای دفاعی بویژه از
زندانیان انقلابی مسالهای نیست که از دید
شما پنهان باشد. هم اکنون مبارزه کمونیستها و
دیگر انقلابیون در زندانهای رژیم جمهوری
اسلامی ابعاد گسترده و حماسه انگیزی بخود
گرفته است و مقاومت قهرمانان این فرزند ان
دلیر خلق در برابر شکنجه ها و فشارهای جسمی و روحی
که در زندانهای رژیم بکار میبرند بسیار افتخار آمیز است.
رفقا! بر شماست که در افشای هر چه بیشتر
جنایات رژیم جمهوری اسلامی و دریدن ماسک
"انقلابی" و "ضامن میریالیستی" او بکوشید و با
برانگیختن قریباً اکثر ضعیفان انقلابی
و مترقی در سطح جهان علیه این جنایتها،
مقاومت قهرمانان زندانیان سیاسی
کمونیست و انقلابی را توان بیشتری بخشید.
انتخاب شیوه ها با خود شماست. برای افشای
از مطالبی که در پیکار (و نیز دیگر نشریات
کمونیستی و انقلابی) آمده میتواند کمک دگربرد.
پیروزی باشید.

بمنا به وظیفه اصلی جنبش کمونیستی در شرایط
حاضر، ایفا نماید.

دستاوردهای کنگره دوم کومله، بویژه از آن
جهت حائز اهمیت است که در شرایط تهاجمات
وسیع رویزیونیسم بر جنبش کمونیستی میتواند
نقش مهمی در قوام بخشیدن به ما کسیر - لنینیم
در برابر این تهاجمات و تثبیت دستاوردهای
آن ایفا نماید.

ما ضمن ارج نهادن به دستاوردهای این
کنگره و آرزوی موفقیت برای رفقای کومله
به منظور تحقق بخشیدن به وظایفی که کنگره دوم
در پیش روی آنها نهاده است، ضمن اعلام این
مطلب که این موفقیت را دستاوردی برای کل
جنبش کمونیستی ایران میدانیم، بر خسورد
دقیقت بر این دستاوردها و مضامین آن را به بعد
از انتشار قطعیانه های کنگره دوم رفقای
کومله موکول می نمائیم.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تریم!
پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

زنده باد کمونپسم!

زن در جمهوری اسلامی و سوسیالیسم

نگاهی به لایحه قصاص، پیشنهادی شورای عالی قضائی

نا بودی تما یزات اقتصاد ی بین زن و مرد است که آزادی و برابری حقیقی را برای زن — ار میغان میاورد. و این مهم هرگز و هرگز بدون شرکت فعالانه زنان زحمتکش در انقلاب امکان — پذیر نیست. لنین میگوید:

"ما میگوئیم آزادی کارگران با بدوسیله خود آنان تحقق پذیرد، بهمان ترتیب آزادی زنان زحمتکش نیز با بدبیت زنان زحمتکش انجام پذیرد". (لنین) — وظایف جنبش زنان زحمتکش در جمهوری شوروی

این بود چکیده ای از علت اسارت زن و راه رهایی از آن در پیش ما رگسیتی. بنا بر این می بینید که ما کما ملا محق هستیم وقتی میگوئیم

طبیعی است که رژیم جمهوری اسلامی قوانین مرتجعانه و وحشیانه ای — که نمونه هائی از آن ذکر شد — وضع نماید و با "غیر منتظره نیست که آشکارا زن را "نیما انسان" محسوب کند. وقتی که بورژوازی علیرغم پیشرفت عظیم تاریخی اش نسبت به دوران برده داری و فئودالیسم بدلیل ماهیت طبقاتی اش قادر نیست حتی تساوی زن و مرد را در قانون بورژوازی اش عملی کند، از قوانینی که محصول دوران برده داری و فئودالیسم هست بیش از این انتظار نیست و نباید شد. ما کمونیستها با پذیریم که کمرا که میگوئید

قوانین اعمار گذشته را از دل گورستان تاریخ بیرون بکشید و بر خلقهای ما تحمیل کند، شدیداً افشا نماید و علت اسارت زن را از دیدگاه ما رگسیم لنینیسم به آنها بگوئیم. با بدبیت آنها نشان بدهیم که فقط و فقط درجا مع سوسیالیستی است که زن میتواند نسبی آزادی واقعی و عملی کام بردارد. با بدبیت آنها بیا موزیم که "آزادی واقعی زنان" (کمونیسم واقعی) تنها موقعی به

تحقق خواهد پیوست که مبارزه توده ای وسیعی (به رهبری پرولتاریا که بقدرت رسیده است) علیه "اقتصاد کوچک خانگی به حرکت درآید، بیا

بهتری بگوئیم تنها با تبدیل اقتصاد کوچک خانگی به اقتصاد عظیم سوسیالیستی این آزادی قابل وصول خواهد بود. (لنین) — "ابتکار برزگر" (همچنین ماکونیستها با بدین امر حیاتسی را بخوبی درک کنیم که "پرولتاریا نمیتوانند بدون آزادی کامل زنان، به آزادی کامل دست یابند"

(لنین) — "به زنان کارگر" پس بگوئیم که زنان زحمتکش کارگر و دهقان کشورمان را آگاه و مشکل کنیم و با زمانه های آنها و نشر ایده های انقلابی ما رگسیم لنینیسم در میان آنها پیروزی پرولتاریا را تا من و تخمین کنیم. "پایان"

وجود داشته و امروز درجا مع سرما به داری نیز با کمی رنگ و لعاب بر روی آن وجود دارد. بدین — ترتیب زنان بطور کلی تحت ستم مردان قرار دارند و زنان زحمتکش تحت ستم و گمانه میباشند. آنها از یک طرف توسط طبقات استثماری رگمورد استثماری واقع میشوند و از طرف دیگر بدوسیله مردان خود به استثماری رگشیده میشوند. بطوریکه بقول انگلس:

"مرد، در خانه بورژوازی است و زن پرولتاریا است".

آری، تا زمانیکه برده داری، فئودالیسم و بورژوازی در اس کارند و قدرت را بدست دارند آزادی و تساوی زن و مرد حتی در مقابل قانون نیز صورت تحقق بخود نخواهد گرفت. تنها آنجائی که خبری از مالک، سرما به داری و جرنبنا شد، جایکه حکومت زحمتکش از زندگی نوینی بدون وجود استثماری رگرا بنا میکند، آنجا در مقابل

قانون بین زنان و مردان تساوی برقرار میباشد. اما این کافی نیست. بین تساوی قانونی و تساوی اجتماعی فرسنگها فاصله است.

(لنین) — "به زنان کارگر" — تا کیدها از ما ست) آری، وقتی که زحمتکش از به رهبری طبقه کارگر قدرت را بدست بگیرند، میتواندند قانونی تدوین کنند که طبق آن زن و مرد از حقوقی کما ملا مساوی برخوردار باشند (همانطور که در قانون اساسی شوروی در زمان لنین و استالین صورت گرفت). "اما این کافی نیست" زیرا تا زمانی که تفوق اقتصادی مرد بر زن وجود دارد، برابری زن و مرد در عمل غیر ممکن است. در برتر چینیس شرا بی و تنها شرکت فعالانه زن در تولید و

در یک دوره از جامعه اشتراکی اولیه، زن به عنوان کنترل کننده تولید و معنا به عصری که فرزندان، بنا م و خوانده میشوند. نسبت به مردان قدرت بیشتری برخوردار بود، بدون آنکه این قدرت بیشتر منجر به استثماری مرد توسط زن شود و با درجا مع اشتراکی اولیه استثماری در میان نبود. با رشد نیروهای تولید و فروپاشی نظام اشتراکی اولیه و سربرون آوردن جوانه — های نظام برده داری از دل آن، مرد بواسطه نقش مهمتری که در تولید بدست آورد اهمیت و قدرت افزونتری نسبت به زن برخوردار گردید و بتدریج توانست نه تنها "حق مادری" زنان را لو کند و وارث را با توجه به عقب پدیری تقسیم کند، بلکه حتی توانست زن را کما ملا بزرگسلسطه خود بکشد. هنگامیکه نظام برده داری مستقر شد، زن که روزگاری قدرت فراوانی را دارا بود، به — مهراهی دردست مرد و به شیئی ای بی ارزش تنزل یافت. انگلس در خصوص تقارن آغاز تبعیض بین زن و مرد و شروع ستم طبقاتی در کتاب ارزشمند "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" بطور مینویسد:

"اولین تناقض طبقاتی که در تاریخ بوجود میاید مقارن با تکامل تناقض بین مرد و زن در ازدواج تک همسری است و اولین ستم طبقاتی مقارن است با ستم جنس مذکر بر مؤنث".

آری، حذف زن از پروسه تولید اقتصاد، حذف او از زمینهای مختلف اجتماعی بدنبال داشت. وابستگی اقتصادی او به مرد دیگر جاشی را برای اظهار وجود زن در پهنه سیاسی — اجتماعی باقی نگذاشت. نا بودی برده داری و استقرار نظام فئودالی توانست (و نمیتوانست) تغییر در ماهیت استثماری مرد از زن بدهد. فقط شکل این استثماری به مقدار بسیار کمی تغییر یافت. اما

با زهم زنان اسیر مردان و معنا به عصر پیوست اجتماع بشری باقی ماندند و با زهم مردان مقام بربرستی و قیمومیت خود را نسبت به زنان حفظ کردند. با اضلال نظام فئودالی و ظهور سرما به داری، تبلیغات و شعراهای فریبکارانه زیبادی از طرف بورژوازی در خصوص آزادی زن و

تساوی حقوق آن با مرد شروع شد، تبلیغات و شعراهای که هنوز هم تداوم خود را حفظ کرده است اما واقعیت چیز دیگری بود و جز این نمیتوانست باشد. واقعیت این بود که جامعه سرما به داری هرگز نمیخواست و نمیتوانست به زن آزادی بدهد بورژوازی نه تنها نمیتوانست به زن آزادی واقعی بدهد، بلکه حتی از وضع قانونی که در آن حقوق زن و مرد مساوی باشد نیز بدلیل ماهیت استثماری رگرا نه خود ناتوان بود. لنین میگوید:

"جایکه ما لکین، سرما به داری و تجار وجود دارند، تساوی بین زن و مرد، حتی در مقابل قانون نیز نمیتواند وجود داشته باشد. (لنین) — به زنان کارگر

بقیه از صفحه ۲۳ مقصود...
حیرت و میداشت.
آخرین نمونه این در یوزگی را که بدجوری "خطی" برای حزب توده بپا آورد موضوع بیانیه وزارت خارجه علیه حبیب شطی بود. اینکه حبیب — شطی نماینده کشورهای ارتجاعی کنفرانس اسلامی است و وزارت خارجه ایران هم چندان دست کمی از آنها ندارد مورد بحث نیست صحبت بر سر "انجام وظیفه" حزب توده است که سر به در "مردم" ۲۷ نورددین به تحسین این بیانیه وزارت خارجه ایران پرداخت. حالا خود وزارت خارجه به "غلط کردم" افتاده اما حزب توده البته "غلط" نکرده است مگر نه این است که گفته اند المأ مورمذوق؟! در واقع برای حزب توده "رضای مسکو" مطرح است و بقول شاعر مقصود توشی کعبه و بتخانه نه بهانه!

دمکراتیسم پیگیر

"دمکراتیسم پیگیر" آنجنان دمکراتیسمی است که تمامی خواهان (حاکمیت مردم) باشد. کدام طبقه چنین میخواهد؟ برای درک این مسئله مهم، می باید به مناسبات میان استثمارشوندگان و استثمارکنندگان بازگردیم. تا زمانی که مناسبات بهره‌کشی موجود است، سخن گفتن از حاکمیت مردم، چیزی جز فریب و نیرنگ نیست. جامعه به طبقات تقسیم شده است و حکومت در یک جامعه طبقاتی، ابزار سلطه طبقه مسلط است. تنها آن کس میتواند خواهان (حاکمیت مردم) بطور واقعی و نه ظاهری باشد که خواهان نابودی مناسبات طبقاتی و ایجاد برابری واقعی میان تمامی افراد جامعه باشد.

کدام طبقه در جامعه سرمایه داری، نابود می‌شود؟ مناسبات سرمایه داری و نابودی طبقات را طلب می‌کند؟

فقط و فقط طبقه کارگر میتواند خواهان نابودی کلیه طبقات باشد، چرا که این طبقه از آنجا که مالک هیچ چیز جز نیروی کارش نیست، هیچ نصیب و بهره‌ای در حفظ مالکیت خصوصی ندارد، و هیچ نفعی از ادا مناسبات طبقاتی نمی‌برد. بلکه برعکس، نابودی سرمایه داری و نابودی مناسبات طبقاتی تنها راه رهایی طبقه کارگر است.

بر مبنای چنین پایگاه اقتصادی - اجتماعی است، که دمکراتیسم طبقه کارگر، بیشترین دمکراتیسم است. دمکراتیسم پرولتاریائی تنها آنجا پیگیر است که در هیچ حدی از دمکراسی متوقف نمیکرد، بلکه از تحقق دمکراسی کامل نیز فراتر رفته و خواهان زوال دولت و هرگونه دمکراسی میگردد، تا آزادی کامل تحقق یابد. چگونه و از چه طریق این دمکراسی تحقیق می‌یابد؟ دمکراسی پرولتاریائی بر چه پایه -

هایی استوار است؟ در بحثهای گذشته، آموختیم که "دمکراسی" بعنوان شکلی از دولت، روبنای آن است که بر اساس زیربنای جامعه، یعنی شیوه تولید مسلط استوار است. حال برای درک محتوای "دمکراسی کارگری" به بررسی زیربنای این دمکراسی می‌پردازیم.

پایه‌های اقتصادی دمکراسی کارگری: اقتضا دملطوب طبقه کارگر که در برگیرنده منافع واقعی تمامی کارگران و زحمتکشان است، مناسبات اقتصادی سوسیالیستی است. در اقتصاد سوسیالیستی همراه با نابودی کلیه امتیازات طبقه سرمایه دار، وسایل تولید مالکیت خصوصی افراد جداگانه و یا دولتها سرمایه داری خارج میشود و تمامی افراد جامعه متعلق میگردد. اساس جامعه سوسیالیستی عبارت است از مالکیت اجتماعی بر تولید و کلیه ثروت‌های اجتماعی مسلم است که در درون چنین مناسباتی، استثمار فراد زقرده غیر ممکن خواهد بود، چرا که تحسنت

مقاله آموزشی

بحثی پیرامون دموکراسی (۵)

دارد دموکراسی کارگری بر توده‌های وسیع مردم زحمتکش منکی است در چنین دمکراسی از قدرت متمرکز دولتی بورژوازی، با ارگانهای سرکوبگر آن نظیر ارتش دایمی، پلیس، بوروکراسی، مقامات قضائی و... خبری نیست تمامی این دستگاه ارتجاعی درهم شکسته میگردد و به جای آن ارگانهای حاکمیت زحمتکشان برقرار میشود.

بدینگونه برخلاف دمکراسی بورژوازی، دمکراسی کارگری، دمکراسی مستقیم است؛ یعنی توده زحمتکش خود مستقیماً در راه اداره امور سیاسی و اجتماعی شرکت دارند و در واقع این امور بدست آنان انجام میگردد.

اهرمهای اعمال این دمکراسی کدامند؟ شوراها - قوانین کامل دمکراتیک اداره امور - ارتش مسلح خلق.

نقش شوراها:

به جای سلسله مراتب گندیده بوروکراسی بورژوازی که در آن بالای سر کارگران و زحمتکشان که تمامی تولید را می‌چرخانند و کارها را انجام میدهند، بوروکراتهای بورژوا، گمارده شده‌اند، موسسات کامل دمکراتیک پدید می‌آید که در آن اصل انتخابی بودن و برابری بودن بطور واقعی پدید می‌آید. چگونه و چطور؟ در این موسسات (شوراها) تمامی صاحبان مثل غل، انتخابی و قابل تعویض هستند، حقوق تمامی آنان بدون استثناء به سطح دستمزدهای یک کارگر میرسد و انتخاب کنندگان آنان یعنی کارگران و زحمتکشان، میتوانند در هر زمان آنان را تعویض کنند. این قوانین ساده و دمکراتیک، منافع کارگران و زحمتکشان را کاملآ برآورده میسازد.

در دموکراسی کارگری، جدائی قوه مقننه از مجریه که از اصول و قوانین بورژوازی است از میان برداشته میشود. بدین معنی که کسانی که در موسسات شورائی و کمون، از جانب توده به نمایندگی انتخاب میشوند، باید خود کارکنند، خود قوانین "خود" را اجرا نمایند و مستقیماً در مقابل انتخاب کنندگان خود، مسئول باشند. در واقع "تصویب کنندگان" خود تبدیل به "اجرا کنندگان" میگرددند. در نتیجه با رمانتاریسم گندیده بورژوازی نابود میشود و بجای پارلمان بورژوازی که موسسه‌ای بچرف و بی عمل و در واقع در خدمت فریب مردم به نفع بورژوازی است شوراها بمناب نمایندگان واقعی مردم بعنوان موسسه‌ای فعال جایگزین میگردد. به این ترتیب، در دمکراسی کارگری "موسسات

حاکمیت طبقه کارگر یعنی دیکتاتور پرولتاریا ابزار تولید و ثروت‌های جامعه اجتماعی شده و در اختیار کلیه طبقات زحمتکش میسازد.

تحت چنین مناسباتی، که در آن تولید بطور برابری همه ریزی شده و با شرکت تمامی افراد جامعه صورت میگردد، از هم‌پاشیدگی و پراکندگی تولید، هرج و مرج به پایان میرسد. تقسیم‌کار اجتماعی بر طبق برابری و تحت رهبری طبقه کارگر صورت میگردد و جامعه آنگونه حرکت میکند که هر نوع وجه تمایز و تقسیم، مانند تقسیم‌کاری و فکری، تقسیم‌کاریان شهری و روستا و... زمین بسر داشته شود و اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد کمونیستی تحول یابد.

بر اساس چنین شیوه تولیدی، نحوه توزیع نیز تفاوت بنیادی با جامعه سرمایه داری مییابد همچنانکه در شیوه تولید سوسیالیستی، اقتصاد جامعه نه بر اساس اصل برابری سرمایه داری، بلکه بر پایه نیازهای جامعه برابری می‌شود و چرخهای تولید بدست همه افراد جامعه می‌چرخد، ثروت حاصله از کار اجتماعی نیز مشترکاً تقسیم میگردد. هزینه‌های موجود در جامعه نظیر کشاورزی، مدارس، بیمارستانها و... نیز از این ثروت اجتماعی تا مین می‌شود. اصل حاکم بر توزیع در اقتصاد سوسیالیستی چنین است: به هر کس به اندازه کارش. این یک اصل سوسیالیستی است که در دمکراسی کارگری انجام میرسد. اما در آن زمان که اقتصاد سوسیالیستی به (کمونیسم کامل) تحول یابد، یعنی در آن زمان که نیروهای مولده تحت رهبری طبقه کارگر و در درون مناسبات سوسیالیستی آنقدر رشد نمایند که ثروت اجتماعی فراوان گردد، نقش کار از وسیله معاش به یک نیاز اجتماعی تبدیل گردد... این اصل سوسیالیستی به اصل توزیع کمونیستی تبدیل خواهد شد. در آن زمان جامعه میتواند بر پرچم خود بنویسد: به هر کس به اندازه نیازش.

مختصات دمکراسی کارگری چیست؟

مشخصات دموکراسی کارگری چیست؟ سیستم سوسیالیستی همچنان که "دموکراسی اقتصادی" یعنی "عمومی شدن" و "همگانی شدن" وسایل تولید و ثروت اجتماعی را پایه ریزی میکند، در شکل حکومتی نیز کاملاً ترین دمکراسی را برقرار مینماید.

دستگاه دموکراسی پیگیر درست در نقطه مقابل دستگاه دولت دموکراتیک "بورژوازی که نهادی (بوروکراتیک - نظامی) و کاملاً ارتجاعی است، قرار دارد. برخلاف بوروکراسی بورژوازی که به سرکردگان سرمایه دار "انکار"

استخاسی سر جای خود باقی میماند و لیبی با رلمانا ریس به عنوان یک سیستم خاص و تقسیم کار مقلد و محربه و سرخورداری نمایندگان از یک موقعیت ممتاز دیگر در اینجا وجود ندارد" (۱) در چنین دموکراسی سخن گفتن از آزادی عقیده و بیان، دیگر فریب و دروغ نیست بلکه عملاً تحقق می پذیرد. مطبوعات، اسگاههای رادو و تلویزیون، تالارهای اجتماعات همگی در مالکیت زحمتکشان و در دسترس کلیه شوراها قرار میگیرند تا آن استفا ده کنند.

حق فضاوت در دموکراسی کارگری با دادگاه های حلفی و علیی است. با چنین اقدامات بسکری است که وسیع ترین دموکراسی برای نوده های زحمتکش بدید میآید.

تعویض ارتش بورژوازی با مردم مسلح

در دموکراسی کارگری، بجای ارتش مسلح بورژوازی که با فوانین بوروکراتیک و اطاعت کورکورانه اداره میشود و ابزاری در دست طبقه مسلط برای سرکوب خلق است، ارتش توده های خلق مسلح جایگزین میگردد. در چنین دموکراسی هیچگونه نیازی به ارتش بورژوازی نیست. چرا؟ دستگاه ارتش و نیروهای مسلح برای سرکوب دشمنان حکومت ساخته میشود. طبقه بورژوازی برای سرکوب اکثریت انوسه کارگران و زحمت کسان و با من سلطه طبقه خود که فلسفی تا چیز است نیاز به ارتش مسلح خاص خود دارد. اما در نظام سوسالیستی، حکومت نماینده اکثریت جامعه یعنی نمای زحمتکشان است و مخالفین آن تنها اقلیت خا جبر سرمایه داران و قدرت مندانی هستند. بنابراین هیچ وجه نیازی به یک "مانس ویژه سرکوب" نخواهد بود. شورا های مسلح کارگران و زحمتکشان بدون احتیاج به دستگاه سمرخ و سجنده ارتش بورژوازی، دشمنان دمکراسی شورائی را سرکوب خواهند کرد و از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع خواهند نمود. شورا های مسلح زحمتکشان تنها ارکانی هستند که از دمکراسی کارگری حفاظت میکنند.

این است دموکراسی کارگری: قطع دست سرمایه داران، برابری تمام افراد جامعه بعنوان کارکنان یک "سندیکای بزرگ"، یعنی تمام دولت و تابع کردن کامل تمام کارایان "سندیکا" به دولت و افعاد دموکراتیک، یعنی به دولت شورا های نمایندگان کارگران و زحمت کسان (۲)

آیا یک چنین دموکراسی قابل تحقق است؟

دانشمندان بورژوازی تمام کوشش خود را بکار می برند، برای آنکه به نوده زحمتکش چنین تلقین کنند که سرفراری این چنین دمکراسی امکان ندارد و چرخ جامعه بدون سرکردگان بورژوازی، مایان ماص و مپارشا و تحمیل-

کردگان بورژوازی نمی چرخد. آنها میکوشند تا تحقق دمکراسی بسکری را خواب و خیال جلوه دهند. اما تاریخ و واقعیت، بوجی ایسین تلقینات و سیرنگهای بورژوازی را روشنی نشان داده است. طبقه کارگر در تجربیات تاریخی چون کمون پاریس و انقلابات سوسالیستی و ضد امپریالیستی، بپوزه سرمایه داران راه خاک مالیده و نشان داده است که همچنانکه چرخ تولید جامعه پرده شهای کارگران و زحمتکشان میگردد، آنان قادرند بسکری ترین دمکراسی و رفاه را برای توده زحمتکش که در زیر چرخهای برجم سرمایه داری له شده است، بسا دستهای توانای خود بسا کنند. اصولا خود شیوه تولید سرمایه داری امکان تحقق دموکراسی بسکری کارگری را بسکری کرده است و زمینه آن را فراهم نموده است. تمدن سرمایه داری تولید را اجتنابی کرده است. کارخانجات بر اه آهن، بست و تلفن... همگی بصورت موسسات عمومی اداره میگردند. تقسیم کار در این موسسات آنقدر بسببرفت کرده و وظایف آنچنان منظم شده است که هر فرد عادی با سوادی میتواند آن را انجام دهد و کنترل کند. رشد تکنیک و گسترش تقسیم کار در تمدن سرمایه داری، کارها را برای سوسالیسم خیلی ساده کرده است. در چنین سیستمی بر احنی میتوان وظیفه "ریاست" را، که در حقیقت چیزی جز یک مقام بوروکراتیک بورژوازی برای کنترل کارگران و زحمتکشان که در واقع کاراملی را آنان انجام میدهند، نیست، حذف نمود و کنترل را بدست توده زحمتکش سپرد که "خود" کار را انجام میدهد. کار نشان و متخصصین نیز در اداره امور، شرکت دارند اما با حقوق برابر و امتیازات مساوی. "وظیفه ریاست ویژه" مستخدمین دولتی را میتوان و باید اجرا در ظرف یک امروز با فردا به وظایف ساده "سرکارگران و حسابداران" یعنی به وظایف ثقیلی تبدیل نمود که هم اکنون کارملا از عهده افرادی که بطور کلی دارای سطح اطلاعات شهر نشینان هستند بر خاسته است و در مقابل "دست مزد بسک کارگر" کارملا میتوان آن را انجام داد" (۳) در چنین برنامهریزی، یک دره خیالی لافی وجود ندارد، بلکه تنها در آن جایی برای استثمار کاران و آقا زاده ها نیست.

آباد مکراسی شورائی به معنای محو هرگونه دیکتاتوری است؟

آن زمان که طبقات وجود دارند، از دمکراسی خالص سخن نمیتوان گفت. دمکراسی شکلی از دولت است و دولت جزا رگان سلطه طبقه یا طبقات حاکم نیست. بس هر زمان که از دمکراسی سخن میکوشیم معنای آن دیکتاتوری برای طبقه ای است که "دمکراسی" متعلق به آن نیست. همچنانکه "دمکراسی بورژوازی" به معنای دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشان است، "دمکراسی بیرولتاریائی" به معنای محو هرگونه دمکراسی برای سرمایه داران و استثمارگران است. طبقات استثمارگر، سلطه سیاسی را برای حفظ استثمار، یعنی برای حرص و طمع

آزمنده اقلیتی تا چیز علیه اکثریت انوسه مردم لازم دارند. طبقات استثمار شونده، سیادت سیاسی را برای محو کامل هرگونه استثمار، یعنی برای منافع اکثریت هنگفت مردم، علیه اقلیت تا چیزی از سرمایه داران معاصر که ملکان و سرمایه داران باشند لازم دارند.

انقلاب و درهم شکستن قدرت سیاسی سرمایه داران، طبقه سرمایه داران کارملا نا بودنمی کند. سرمایه داران حریفی که امتیازات باد آورده خود را از دست داده اند، بسک و بساری سرمایه داری جهانی، و با چنگ و دندان بمبارزه بر علیه "دمکراسی کارگری" می پردازند، تا سلطه سیاسی خود را دوباره چنگ آورند. از طرف دیگر، سوسالیسم در قدمهای اولیه خود نمیتواند بلافاصله هرگونه مالکیتی را نابود کند، تولید خرد مالکی که زاینده سرمایه داری است تا مدت ها باقی خواهد ماند و با این خود زمینه ای برای رشد و قدرت گیری مجدد بورژوازی است. بر این اساس دوران دمکراسی بسکری، دوران مبارزه طبقاتی بی نهایت شدید و شکل های حادثه سازه است. از ابرپولتاریا در این مبارزه مرگ و زندگی، دموکراسی نوین بسولتری برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری علیه سرمایه داران است. دیکتاتوری بیرولتاریا، شکل لازم دولت کارگری است.

دمکراسی کارگری در جهت زوال خود گام بر میدارد:

دیکتاتوری بیرولتاریا، یعنی دولت کارگری از همان اولین قدم خود در جهت زوال خود حرکت میکند. در واقع "نخستین اقدامی که دولت، واقعاً بعنوان نماینده تمام جامعه آن دست میرسد - یعنی ضبط وسایل تولید بنام جامعه - در عین حال آخرین اقدام مستقل وی به عنوان دولت است. در آن هنگام دیگر دولت قدرت دولتی در شئون مختلف مناسبات اجتماعی یکی پس از دیگری زائد شده و بخودی خود به خواب می رود جای حکومت بر افراد را اداره امور اشیاء و رهبری جریان تولید میگیرد. دولت "ملفی" نمیشود، بلکه زوال می یابد" (انگلس)

دیکتاتوری بیرولتاریا در جهت نابود کردن طبقات کام بر میدارد. در آن هنگام که طبقات نابود شوند، وجود دولت نیز که چیزی جز ابزار سلطه طبقاتی نیست، غیر ضروری میگردد. و به همراه زوال دولت، هرگونه دمکراسی نیز زحمت برمی بندد. "دمکراسی" مقوله ای طبقاتی است در جامعه بدون طبقات، "دمکراسی" وجود نخواهد داشت. همچنانکه در جامعه ای که فقر در آن نابود شده است از گرسنگی و سیری سخنی در میان نخواهد بود.

به همراه نابودی طبقات و زوال دولت، هرگونه دمکراسی نیز نابود خواهد شد و بجای آن آزادی کامل جایگزین خواهد گشت.

تحقق این امر در نظام (کمونیسم)، امکان پذیر است. برای زوال کامل دولت، کمونیسم لازم است. لازم است که هرگونه حقوق بورژوازی

از میان رفته و طبقات کاملاً نابود شده باشند. اما دولت چه زمانی میتواند کاملاً زوال یابد؟

"هنگامی که جا معاصل از هر کس طبق استعدادش، به هر کس طبق نیازش" را عملی کرده باشد. یعنی هنگامیکه افراد آنقدر به رعایت قواعد اساسی زندگی اجتماعی عادت کرده باشند و کار آنها آنقدر بهره بخش باشد که داد و طلبانه طبق استعدادشان کار کنند." (۴)

بنابراین "دموکراسی شورائی" تنها یکی از مراحلی است که در گذرگاه سرمایه داری به کمونیسم قرار دارد. طبقه کارگر پیگیرانه از این مرحله میگذرد و با (محو هرگونه دموکراسی) به "آزادی کامل" قدم میگذارد و از تباری صورتی به "تباری واقعی" دست می یابد.

در حقیقت "دموکراسی کارگری" یا "دموکراسی بورژوازی" هیچگونه وجه مشترکی ندارد بقول لنین:

"در اینجا کمیت به کیفیت تبدیل میشود و "دموکراسی" در چنین درجه ای دیگر از چهارچوب جا مع بورژوازی خارج شده و تحول سوسیالیستی آن آغاز میگردد". در روند این تحول است که لحظه ای که این "دموکراسی" غیرلازم باشد، فرا میرسد و "دموکراسی کارگری" که در حقیقت دیگر دولت به معنای (خاص) کلمه نیست، به نفعی هرگونه دموکراسی "میرسد و هرگونه دولتی زوال می یابد. این است ما هیت دمکراسی پیگیر طبقه کارگر. دمکراسی که تنها ن پیگیر است که خود، خویش را از آدمی سازد.

مبارزه پیگیر طبقه کارگر در راه تحقق آرمان "دموکراسی شورائی":

طبقه کارگر که در مبارزه بر علیه سرمایه داری هیچ چیز جز "زنجیرهای پایش" را از دست نمیدهد و کوچکترین منافع در حفظ مناسبات سرمایه داری ندارد، تنها طبقه ای است که تا آخر، یعنی تا زمان نابودی سرمایه داری مبارزه را ادامه میدهد. خود به خود، قابل فهم است که بورژوازی غارتگر، به آسانی مواضع محکم خود را تسلیم نخواهد کرد و از منافع سرشارش نخواهد گذشت.

مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری مبارزه ای خونین و بی امان است که بر توست تاریخی آن چیزی جز شکست سرمایه داری پوسیده و بیروزی طبقه کارگر پیشرو نیست.

در جوامعی نظیر جا مع ما که مناسبات سرمایه داری وابسته در آن حکومت میکند، راه رسیدن به سوسیالیسم از انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی، طبقه کارگر در کنارسایر طبقات و اقشاری که خواهان نابودی سلطه امپریالیسم و درهم شکستن سیستم سرمایه داری وابسته می باشند، کاملاً بر میآید. هدف این انقلاب تحقق "جمهوری دمکراتیک خلق" است که منافع واقعی تمامی زحمتکش را بر آورده میسازد.

"جمهوری دمکراتیک خلق"، حاکمیت زحمتکشان رهبری طبقه کارگر و بولی برای رسیدن به دیکتاتور بورژوازی و برقراری نظام سوسیالیستی است. "جمهوری دمکراتیک خلق" که بر مبنای حاکمیت شورائی زحمتکشان بنا میشود، در حقیقت دیکتاتور کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر است که سرمایه داری وابسته را در امان میسازد. این "جمهوری" دمکراتیک خلق "تنهان اقتصادی را پایه میریزد که به سوی سوسیالیسم سمت بگیرد در روند مناسبات دمکراتیک این جمهوری، طبقه کارگر به مقتضیات و رشد لازم برای تحول اداره سوسیالیستی جا مع دست می یابد. مبارزه طبقه کارگر برای تحقق "دموکراسی واقعی" مبارزه ای قهرآمیز است:

پیگیری بودن مبارزه طبقه کارگر بر علیه دموکراسی کاذب بورژوازی، به مبارزه بورژوازی برای کسب "دموکراسی شورائی" و نابودی سلطه سرمایه، خصلتی قهرآمیز و ناشی از پذیرمی بخشد. بورژوازی هیچگاه به آسانی از منافع سرشار استعما رگانه خود دست برنخواهد داشت و در نتیجه هیچگونه تکامل صلح آمیزی به سوی سوسیالیسم در نظام سرمایه داری نمیتواند انجام پذیرد. این است واقعیتی که اعمال قهر طبقه کارگر زحمتکش را بر علیه بورژوازی، اجتناب ناپذیر میسازد. تنها راه نابودی سلطه امپریالیسم و داغان کردن سرمایه داری وابسته، سرنگونی بورژوازی از طریق انقلاب مسلحانه، مبارزه مالکیت خصوصی بورژوازی درهم شکستن تمامی دستگاه دولتی (بوروکراتیک - ارتجاعی) بورژوازی و برقراری حاکمیت زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر است. در جهت تحقق چنین هدفی است که طبقه کارگر رهبری زحمتکشان را در مبارزه قهرآمیز بر علیه سلطه امپریالیسم و حکومت سرمایه داری وابسته در دست میگیرد و با هرگونه مصالحه و سازشی با دشمن طبقاتی سرخشان مبارزه می نماید. چرا که کارگران آرزوی هیچگونه آشتی با بورژوازی را در سر ندارند و نمیتوانند داشته باشند. مصالح و منافع طبقه کارگر و سرمایه داری، متخاصم و آشتی ناپذیر است.

نتیجه گیری می کنیم:

- ۱ - دموکراسی شورائی کارگری بر مبنای شیوه تولید سوسیالیستی استوار است و بر این اساس کاملاًترین دموکراسی سیاسی را برپا میسازد.
- ۲ - دموکراسی شورائی، دموکراسی مستقیم است، بدان معنی که توده زحمتکش در این دموکراسی با مشکل شدن در ارگانهای مسلح خویش، حاکمیت خود را مستقیماً برقرار میسازد.
- ۳ - دموکراسی کارگری، آنچنان پیگیر است که در روند تحول خود با حرکت در جهت نابودی طبقات، به نفعی هرگونه دولت و در نتیجه هرگونه "دموکراسی" میرسد. با زوال هرگونه دموکراسی

در جا مع کمونیستی، آزادی کامل تحقق می یابد.

- ۱ - در جوامع تحت سلطه امپریالیسم، انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی، تحت رهبری طبقه کارگر کاملاً است در جهت رسیدن به سوسیالیسم و تحقق آرمان نابودی طبقات "جمهوری دمکراتیک خلق" که دموکراسی نوین زحمتکشان است، بر اساس پیروزی این انقلاب یعنی سرنگونی دیکتاتور بورژوازی و کسب قدرت سیاسی زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در جوامع سرمایه داری وابسته مثل ایران برقرار میگردد و به سوی نظام سوسیالیستی سمت میگیرد.
- ۲ - مبارزه طبقه کارگر زحمتکشان بر علیه سلطه سرمایه داری وابسته، خصلت مبارزه ای قهرآمیز است. سرنگونی قدرت سرمایه داری و نابودی سلطه امپریالیسم جز از طریق مبارزه قهرآمیز و مسلحانه امکان پذیر نیست.

به این سئوالات پاسخ دهید:

- ۱ - رابطه مناسبات تولیدی و دموکراسی چیست؟
- ۲ - منظور از "دموکراسی مستقیم" چیست؟ و با "دموکراسی غیر مستقیم" چه تفاوتی دارد؟
- ۳ - دموکراسی کارگری چه مشخصاتی دارد؟ آیا به اقتصادی و اجزاء مشکله آن را بشکافید.
- ۴ - دموکراسی کارگری چگونه به نفعی خود می انجامد.
- ۵ - زوال دولت و زوال دموکراسی در چه شرایطی امکان پذیر است؟
- ۶ - راه رسیدن به دموکراسی شورائی چگونه طی میشود؟ در باره تفاوت این راه در کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بحث کنید.
- ۷ - معنای "دموکراسی پیگیر طبقه کارگر" چیست؟ نقش طبقه کارگر در این رابطه در انقلابات دمکراتیک و ضد امپریالیستی و در انقلابات سوسیالیستی بیان نمائید.
- ۸ - آیا مفهوم دموکراسی منطبق بر مفهوم "آزادی" است؟

- (۱) - دولت و انقلاب - لنین
- (۲) - نقل به معنی از (دولت و انقلاب) لنین
- (۳) - دولت و انقلاب - لنین
- (۴) - دولت و انقلاب - لنین

بقیه از صفحه ۲۵ معرفی...

یورش به اجتماعات، مراکز تجمع و راهبیمائی های کمونیست ها و دیگر انقلابیون میباشند. اینان در پشت "هیئت" های بظا هر مذهبی در خانه "حاج عدالت خواه" ها جمع میشوند و برای خدمت به ارتجاع و یورش به نیروهای کمونیست و انقلابی "آموزش" می بینند. این سبب نشان میدهد که در یورش فاشیستی به صفوف پیکار کارگران کمونیست، افراد وابسته به حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی بطور سازمان یافته شرکت مینمایند. سنگشان باد!

هرچه گسترده تر باد مبارزه انقلابی کارکنان آواره صنعت نفت

دربی ماده انقلابی بلوکهای ملک شهر توسط کارکنان جنگزده صنعت نفت، مسئولین رژیم برای جلوگیری از این حرکت انقلابی، تعهدنامه‌ای کتبی به آوارگان میدهند مبنی بر اینکه ماده کنندگان ۵ روز در هتلها می‌توانند توسط استانداری در اختیارشان قرار داده می‌شود اسکان یا بندت رژیم دبلوک درگاه کار (واقع در شاهین شهر اصفهان) در اختیارشان قرار دهد. بعد از اتمام مهلت، در روز دوشنبه ۶۰/۱/۱۷، نمایندگان کارکنان جنگزده برای اتمام محبت با مسئولین رژیم، به محل فضای سبز (پشت مغزبات) می‌روند. اما در آنجا «حمزه» - ثیان پور - مسئول بنیاد جنگزده در کمال وقاحت میگوید که ما بلوکها را به شما نمی‌دهیم. کارکنان جنگزده که این بیشرمی را از رژیم میبینند، یکپارچه و متحد، بلوکهای دانشگاه کار را ماده در انقلاب می‌نمایند. هنوز ساعتی از استقرار کارکنان نگذشته بود که ما موریس ژاندارمری به همراه سرگرد «تفکری» مزدور به محل آمده و خواهان تخلیه بلوکها می‌شوند، «تفکری» مزدور به کارکنان میگوید: «من دستور دارم همه شما را دست بند بزنم و به استانداری ببرم!» اما کارکنان صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی در مقابل وی می‌ایستند. یکی از زنان آواره به تفکری میگوید: «این بلوکها را اربابان برای آمریکا شپها ساخته بودند و این دوسال خالی بود. نکته حalahم منتظرید که آمریکا شپها بگرداند و تو این خونه هایشیند. آواره دیگری در جواب تفکری که می‌گفت: «این منازل مال دانشجویهاست» می‌گفت: «مگر شما دانشجویها در این مملکت باقی گذاشتید؟ همه را با کشتید یا بزدان انداختید و دیگر توی این مملکت دانشجویی نمونده!» در همین حین، چند نماینده از «بنیاد شهید» برای تحویل گرفتن دبلوک اشغال شده، آمده و می‌خواهند که بلاکار رد «بنیاد شهید» را بر سر لای ساختنان نصب کنند که با مقاومت ماده دره کنندگان روبرو شده و موفق به انجام این کار نمی‌شوند. نمایندگان «بنیاد شهید» با نشان دادن سندی به امضای «حمزه ثیان پور» مدعی مالکیت دبلوک بودند و روشن شده که سیاست «حمزه ثیان پور» مزدور این است که با رودر رو قرار دادن کارکنان جنگزده «خانواده شهدا» آنها را به جان یکدیگر انداخته و سرانجام بلوکها را به هیچکدام تحویل ندهد. در روز اول ماده کارکنان برای مقابله با حمله احتمالی رژیم «کمیته حفاظت» تشکیل داده و حفاظت بلوکها به

جنگ و آوارگان

عهده بین کمیته گذاشته شد. در روز سه شنبه ۶۰/۱/۱۸، تعداد دیگری از کارکنان جنگزده بدانشگاه آمدند و با کمک آوارگان دیگر در بلوکها اسکان یافتند. در همین روز از طرف ژاندارمری از آوارگان خواسته می‌شود که زمانی را برای مذاکره با مسئولین استانداری تعیین کنند و قرار می‌شود روز چهارشنبه ۶۰/۱/۱۹ به شهرداری بروند. نکته قابل توجه اینکه ژاندارمری سعی داشت با حمایت دروغین از آوارگان از موقعیت استفاده کرده و برای خود کسب وجهه نماید. اما در روزهای بعد در اثر شوخی‌ساری و آگاهی و مقاومت کارکنان آواره، ناچارانسان دادن چهره پلید و ضد مردمی خودش. در روز چهارشنبه چند تن از آوارگان به شهرداری می‌روند اما از مسئولین گزارشی رژیم خبری نمی‌شود و آنها بازمیگردند. آوارگان که از روحیه مقاومت و یکپارچگی خوبی برخوردار بودند، برق بلوک ۶ را که رژیم از وصل کردن آن سر باز زده بود، وصل می‌کنند. حرکت انقلابی کارکنان جنگزده در شاهین شهر، درس آموزنده‌ای بود برای سایر جنگزده‌ها، بطوریکه در همان هفته، ۲۰ بلوک در فولادشهر و تاسی و بلاهای باقی‌مانده در دانشگاه کار، توسط آوارگان جنگ ارتجاعی ماده دره انقلابی می‌گردند.

رژیم که از اتحاد و یکپارچگی کارکنان به وحشت افتاده بود، تصمیم به قدرت نمایی گرفته و در روز پنجشنبه ۶۰/۱/۲۰، ۷۰۶۰ کامیون سر باز به اتفاق ۴ جیب را به سراغ آوارگان مستقر در دانشگاه کار می‌فرستد. اما آوارگان شروع به هو کرده و اطراف سر باز جمع شده و شروع به افشاکری می‌نمایند. یکی از آوارگان خطاب به سر بازان میگوید: «اگر رژیم مردمی است، چرا شما را رودر روی ما قرار داده است؟ پیرمرد آواره‌ای خطاب به «تفکری» مزدور می‌گفت: «جناب سرگرد لادامب با آلتوناب در راه بود و یونیون - یون خواهد گفت: اطلاعاتی ۴۵ ستاد ارتش، صبح امروز ارتفاعات شاهین شهر از مزدوران جنگ زده پاکسازی شد!»

بهر حال تا پهر پنجشنبه ژاندارمری رودر روی کارکنان بوده و خانه‌ها را محاصره کرده بود اما در مقابل سیز جنگزده‌ها همچون تنی واحد، در مقابلشان ایستاده بودند و یک لحظه دست از افشای رژیم و مزدورانش برنمی‌داشتند. پیرمرد

عربی دریا سخ «توکل» نما بنده استنداری که می‌گفت: «با بدنامی‌ها در مجلس بکار شما رسیدگی کنند»، می‌گفت: «شما بدنامی‌ها را بنقدر از خون مردم خورده اند که گردنشان را تیر هم نمی‌زنند و تا آنها نما بنده ما نیستند، آنها نما بنده حزب جمهوری هستند». کارکنان در جواب «تاج» مزدور کثیف و نما بنده دیگر استنداری که مدعی بود «اگر ۲ نفر از جنگزده‌ها را تیرباران کنند بقیه جنگ زدگان ساکت خواهند شد»، گفتند اگر قرار بود با تیرباران کردن مردم ساکت شوند که الان رژیم منصور پهلوی هم با پدربزرگ ما شد تفکری مزدور به آوارگان می‌گوید: «من برای برقراری نظم و امنیت آمده‌ام و در این راه هر تعدادی هم که کشته شوند برای من مهم نیست!» جنگ زده‌ای دریا سخ می‌گوید: «خسرو داداویسی هم می‌خواهند استناد منیت را برقرار کنند که تفکری مزدور جواب می‌دهد: «من افتخار می‌کنم که استادانی همچون او بیسی و خسرو داداویسی را داشته باشم.»

آری، اظهارات این مزدور به کارکنان نشان می‌دهد که چگونه ارتش اسلامی همان ارتش شاهنشاهی است که فرماندهان شاهنشاهی استادان جلد - شان افتخار کرده و چنان این مزدوران دست در دست پا سداران جنایتکار، جنبش آوارگان را سرکوب می‌کنند.

«تفکری» مزدور که در مقابل مقاومت کارکنان عاجز شده بود، ژاندارمها را در محوطه مستقر می‌کنند در روز جمعه «تفکری» با دیگر سران کارکنان آمده و به آنها می‌گوید: «در اعلامیه‌ها (ش) که در ملک شهربخش شده کمیونیتها گفته اند من مزدورم. اما شما این خانه‌ها را بزور گرفته‌اید، شما همه جیبی هستید و چون گروه‌های کمیونیت می‌خواهند راه‌شان را بدولت تحویل کنند، ما باید شما را بیرون کنیم و راه‌دولت را مستقر کنیم. کارکنان نیز در پاسخ می‌گویند: «اگر دولت مردمی است باید راه‌دولت یکی باشد. اما بدانید که این ما مردم بودیم که راه‌دولت را بدولت تحویل کردیم و حالا راه‌دولت را بدولت تحویل کرده و در اینجا خواهیم ماند.»

تفکری مزدور با دیدن روحیه کارکنان، دمش را روی گولش گذاشته و می‌رود. رژیم در مقابل روحیه مقاومت جویا نه کارکنان و متوحش از اثرات این حرکت انقلابی بر روی سایر جنگزده‌ها تصمیم می‌گیرد با رعب و فشا رواج و توطئه و تفرقه در میان آنان، مقاومت یکپارچه آنها را درهم شکند. به همین خاطر عده‌ای از مزدوران را به بلوکها فرستاده و آنها سعی می‌کنند با پرسیدن سؤالات مختلف و ضدونقیض از آوارگان و همچنین با سر خوردن‌های گوناگون، ضمن اینکه آوارگان را دچار دلهره و ترس از مقاومت می‌کنند میان خود آوارگان تفرقه و بدبینی نسبت به یکدیگر ایجاد

بقیه در صفحه ۲۲

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

بهار انقلاب

به رفیق شهید ایرج تراسی و آذر مهرعلیان
و تمامی شهدای انقلابی و کمونیست دانشگاه

بهاران

خونین بهاران

بهاران سرخ

وقتی که شب از نیمه میگذشت

مگرت دریا دنیو

که نوجا مه سبز پوشیده ای؟

شب از نیمه که میگذشت

زنجیربا زوان

خیل بیدار دلان را

هردم تنگتر می فشرد

چگونه فضای نیمشب را

هلله ارتجاع بر میگرد

و چگونه در سپیده صبح

چکه هاشان رادشکاف سیه رفقان مافرو بردند؟

وقتی که سوز سبز

در خانه های کردستان

تیرباران میشود

و میلاد دوباره بنفشه زاران

در قلب کارگران آندمشک

اعدام میشود،

جواسیس...؟

ای خونین بهاران

تا ج رسال!

چگونه سبزه بنا مم

که بر دریا ی هر روز

قایق های کوچک خون روان

توسر فصل سال انقلابی

بهاران

ای خونین بهاران

بهاران سرخ!

توفان آتش که وزید

گشوده آغوش آمدند

چه پروا که آلتها ب سرب

بقلب های جوانان داغ نهد.

خونتان، پرچم امروز

باران همیشه رزم!

که دیرنیا شنیدیدو

از جوهر خونتان، اما

سرخ

سرخ

سرخ شد

بهاران انقلاب.

۶۰/۲/۷ رفیق ف

جاودان باد یاد سرخ رفیق کمونیست پیکارگر شهید آذر مهرعلیان



به مناسبت هفتمین روز شهادت رفیق آذر
مهرعلیان که بدست مزدوران رژیم
اسلامی در سالگرد خونین اردیبهشت ۵۹
در جلوی دانشگاه شهید گشت، مراسمی
از طرف سازمان دانشجویان و دانشجویان
و دانشآموزان پیکار با حضور
بیش از ۵۰۰ نفر از خانواده های شهدا و
زندانیان سیاسی سازمان و دوستان
رفیق شهید بر سر مزار وی در بهشت
زهررا برگزار گردید.

در ابتدای این مراسم که در ساعت ۳
ظهر آغاز شد، رفیقی از آرمان سرخ
رفقای شهید صحبت کرد و سپس پیام سازمان دانشجویان
و دانشجویان پیکار خوانده شد. جمعیت
شعرهای "پیکارگر شهیدم، قسم به خون
پاکت، راهت ادا می دارد"، "تراسی، مهرعلیان، شهید
اول اردیبهشت، راهت ادا می دارد" و "گشتار
دانشجویان، سرکوب زحمتکشان، سیاست رژیم
است، علیه زحمتکشان" یاد سرخ رفقا را گرامی
داشتند. سپس مادران مبارزان رفقای شهید محمود
صمدی و علیرضا صداقت بنا به دریا ره چگونگی
شهادت رفقا سخن گفته و چهره درنده و ارتجاعی
جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا نمودند.
آنگاه پیام خانواده های شهدا و زندانیان
سیاسی سازمان، توسط مادری از رفقای
شهید خوانده شد. سپس پیام دانشآموزان
سازمان پیکار در دبیرستان عاصمی و همینطور

چه بگویم از این خشم خاشاک
از این پیکار
با خیز و برکن ریش فرقه
پیش بسوز فتح فردا
پیش بسوز خورشید گزاف
قسم بر دست پینه بسته
که تا گردید گریخ و می خار خراب هم بود

قطعه شعری سروده رفیق آذر که در
دفتر یادداشتش نوشته بوده است.

شعری به مناسبت شهادت رفیق آذر توسط رفیق
همرزش خوانده شد و همرزیم دیگر رفیق درباره
خصوصیات انقلابی رفیق شهید صحبت کرد. جمعیت
با شعرهای "زحمتکشان بدانید، دانشگاه سال
هم شهید داد"، "اول اردیبهشت، حماسه مقاومت
بزرگ پرچم سرخ"، "از قحطی و گران، این جنگ
ارتجاعی مردم به تنگ آمدند" و... جنایت
ارتجاع را برای مردمی که در گورستان بودند،
افشا کردند. در پایان رفیقی شعر "مراسم تدفین
یک کمونیست" را خواند و رفیقی دیگر درباره
اول ماه مه و ضرورت برگزاری هر چه با شکوه تر
مراسم این روز، صحبت کرد و جمعیت با خواندن
سرود جاودانه انترناسیونال، مراسم را به
پایان بردند.

با شهیدان خلق همیشه در خا طره هازند است!
بیروز با دراه سرخ رفقای شهید!



یاد پر شور رفقای کمونیست شهید گرامی باد!

۲۳ سال از شهادت کمونیست قهرمان، رفیق خسرو روزبه میگذرد.

رفیق شهید خسرو روزبه به توده های زحمتکشان و انقلابی و نیروهای کمونیست تعلق دارد، او که همیشه انقلاب و سوسیالیسم بود و با سازشکاری و فریبم حزب توده - آنگاه که هنوز به پرتگاه خیانت نیفتاده بود - مرزبندی قاطع داشت به وسعت یک دریا از سران حزب توده فاصله داشت.

حزب خیانت پهنه توده نمیتواند با سوءاستفاده از نام بزرگ روزبه، غیبتهای بسیار خود را پوشانید و برای خود آبرودست و پانامه بیاورد. اعتقادات و مبارزات دلیرانه رفیق روزبه به این باند خائن چنین اجازه ای نمیدهد.

مزدوران مقاومت و پایداری کرد بطوریکه تا سالها بعد، استوارسانی زندان نان جلد قزل قلعه (که "مشمول الطاف" سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و آزاد شد) از حقارت و زبونی خود و ارتباطش در برابر روزبه قهرمان یاد میکرد. خود رفیق در دفاع عیاش میگوید:

"کسانی بودند که در لحظه متحان ضعیف از آب در آمدند و منگرا ملت عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی خود شدند و به همین جهت نیز زندان آزاد گردیدند، من شکستی ندارم که آنان با بیست سال به ما دروغ گفته اند یا از بیم جان به مقامات تحقیق دروغ گفته اند و به حال آدمهای دروغگو، زبون و شیاد و حقه بازی بیشتر نیستند، مردانگی ندارند و برای دوقطره خون بیش از هر چیز دیگر ارزش قائلند."

با این حرفهای اصمگر، هنوز هم خائنین حزب توده که با به شنا گوئی آشکار از محمد رضا شاه و رژیم وابسته اش برخاسته و انبوهی از آنان به مزدوران و متفکرین ساواک تبدیل گشتند و با زیبونا نه فرار کرده و سلامت از ارس گذشتند تا برای ادامه خیانت جان سالم بدر ببرند، و قیاحانه روزبه ها، وارطانها و... را بخود منسوب میکنند انقلابیون چون وارطان سالاخانیان که پس از سالها مبارزه، به اسارت رژیم کودتا درآمده و در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان شاه شهادت رسید (۱۸ اردیبهشت ۳۳) و روزبه و... با کبیانوری ها و طبری ها، بهمان اندازه که کمونیست ها و بورژوازی از هم دورند، فاصله دارند.

خسرو روزبه با قلبی که در راه آزادی زحمتکشان می طپید و با ایمان به اعتقادات کمونیستی اش دلاورانه در برابر جوخا عدا م مزدوران امپریا - لیسیم قرار گرفته و خاطره ای جاودان از خود بیادگار گذاشت:

"اگر زنده ماندم بنمیشروط به هک حیثیت، متن دادن به پستی، گذشتن از آبرو، پانامه دادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی با شدمرگ صدا بر سران شرف دارم"
با دخسرو روزبه، وارطان و دیگر شهیدان کمونیست رازنده میداریم!



میلیون نفر ملت ایران، همه مواهیب زندگی را برای هزار خانواده ممتازنا مین کرده است. (آخرین دفاع)
در زمانیکه حزب توده دنیا له روانه از ملی شدن نفت جنوب و واگذاری امتیا ز نفت شمال به شوروی محبت میکرد رفیق روزبه در "اطاعت کورکورانه" مینوشت:

"اگر بر فرض محال دولت شوروی بر خیر لاف دستورات لنین و قانون اساسی خودشان که مخالف هرگونه استعمار و توتنا ح خاک دیگران است، کوچکترین نظری به استعمار ملت ایران داشت، ما با بدمردانه کمر همت بندیم و با یک جنگ غیرمماوی کنه منتهی بهنا بودی آخرین فردا پیرانسی تودبا آنها مصاف دهیم."

روزبه در زندگی پرا، فتخا روسرنا را از مبارزه - اش ۱۲ سال در زندان و با زندگی مخفی بسر برده و ساعت ۹ شب روز ۱۵ تیر ۳۶ بر سر قرار با یکی از سران حزب توده بنام علی متقی (که بر سر قرار حاضر نشده و از دامپلیس "گریخت") بدست دژخیمان محمدرضا شاه گرفتار شدند. رفیق خسرو روزبه با اینکه مسلح بود و با خطر اهتزاز از آسیب رساندن به مردم کوچک و خیا بان با اینکه مکان فرار و وجود داشت از اسلحه اش استفاده نکرد و اسیر دشمن شد و دهامه دلاورانه و حماه و اردر زیر وحشیانه ترین شکنجه های

"اگر عاشق و شیفته رژیم سوسیالیستی هستم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آنرا بر سایر رژیمها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد مینمای نوین برای جامعه ایران و سرانجام نامن سعادت و رفاه و سر بلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است." خسرو روزبه - آخرین دفاع در سیدادگسا رژیم شاه

رفیق خسرو روزبه، فرزند دلاور و کمونیست خلفای ایران در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۲، در برابر جوخا عدا م مزدوران امپریا لیسیم در اسارت قرار گرفت و با مرکب سرخ و شهادتی افتخار آفرین، وفاداری کمونیستی اش به انقلاب رهائی بخش زحمتکشان و آرمان تاریخنا طبقه کارگر را با خون خود اثباتنا کرد. خسرو روزبه که از یک خانودا متوسط ملا بر خاسته بود با آشناسی کامل به درد و روح زحمتکشان بزرگ شد و با مشقت تمام به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن دانشکده فیزی و وارد ارتش شد، اما از همسان آغاز بر خلاف جریان آب شنا کرد و با آگاهی سه وظیفه یک عنصر انقلابی در راه انقلاب قدم گذاشت. شمره تلاشهای انقلابی او در درون ارتش تا همنها بیای کمری تشکیلات اسرنا مبارز بود که بنام "تشکیلات اسرنا آزادخواه" نام گرفت و دهها شهید چون سیا مک، مختاری، و کیلی، اسوشه... در راه آزادی و استقلال مین تقدیم کرد.

روزبه از نخستین روزها شبکه و ارتش شد از یکسوبا تالیف آثار بر ارزش علمی و تحقیقی به بالا بردن آگاهی جوانان همت گماشته و از سوی دیگر به تبلیغ علیه رژیمها و حرکت بر علیه فوا مین ارتجا عی ارتش پرداخته و کتاب "اطاعت کورکورانه" را نوشت.

او با سیاستهای سازشکارانه حاکم حزب توده مرزبندی داشته و بر علیه آنها مبارزه میکرد، او میگفت "حزب توده ایران میل دارد اصلاحات خود را از طریق پارلمان انجام دهد" و "من حزب توده را اصلاح طلب با به اصلاح فرائسوی هاء رفرمیست میدانم... در صورتیکه من شیفته انقلاب هستم" (اطاعت کورکورانه) آری او با رژیم شاه همنها می مبارزه میکرد، برای اینکه در کنار توده های زحمتکشان قرار گیرد و به همت آنان توما را بن رژیم ضد خلقی و استعرا در هم پیچیده شود. در حالیکه نار هیران حزب توده، سازش با مزدوران امپریا لیسیم چون قوام السلطنه ها و سوکندبا دکردن به "قانون اساسی" شاهنا همنها که "سلطنت را ودیعه الهی" می شناخت به توده های زحمتکش پشت میکردند. رفیق روزبه در سیدادگان نظامی شاه میگوید:

"من نسبت به آن رژیمی تنفر عمیق و دشمنی آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که بقیمت بد - بخنی، فقر، گرسنگی و محرومیت همنجده

درباره اتحاد عمل نیروها ومرزبندی با رویزیونیسم

رفیق ر-ض-ا ضمن اشاره به سرمقاله پیکار ۱۰۲ که در آن مرزبندی با رویزیونیسمهای ضدانقلابی اکثریت و حزب توده بمناسبت یکی از مواد ضروری بلاتفرم انقلابی ذکر شده بود، و بسا توجه به اینکه همکاری ما و فدائیان (اقلیت) بدون موضعگیری بر سر این مسئله بود، بسا انتقاد دیردراخته و سکوت درباره این مسئله را نفی اصول خوانده است.

رفیق! همانطور که در شما ره پیشین تذکر دادیم مرزبندی با رژیم ضدانقلابی برای سر-پاشی آکسیون مشترک در اول ماه مه حداقل شرط همکاری بود، و گنجاندن مرزبندی با حزب توده و اکثریت بمناسبت نهایی رویزیونیسمی ضدانقلابی اگرچه مطلوب ما است و بدرستی می-بایست از جانب ما مورد تأکید قرار گیرد، اما نمی توانست شرط همکاری قرار گیرد، و در صورت عدم پذیرش آن از سوی فدائیان خلق (اقلیت) و یا نیروی دیگر همکاری نفی گردد (و در همین رابطه بود که در شما ره های گذشته تشریح به اشتباه هیئت تحریریه پیکار در سرمقاله نشریه ۱۰۲ اشاره کردیم). چرا؟ زیرا سکوت در مقابل این مسئله به معنی نفی اصول ما نیست با بد نظر داشت که در هر اتحاد عمل مشخص به حول مسئله مشخص، می بایست فعل مشترک مواضع به حصول آن در نظر گرفته شود.

به این ترتیب در اتحاد عمل اول ماه مه مرزبندی با رژیم ضدانقلابی، آن حداقل مواضعی است که در بر خورد به این حرکت میتوان اتخاذ نمود. سکوت گذاشتن مسئله ما هیت حزب توده و اکثریت نه به معنای نفی اصول ما، بلکه به معنای عدم موضعگیری ما در مقابل این مسئله در یک حرکت مشخص و مشترک است. اگر فی المثل ما در مورد حزب توده «اکثریت» سندی در قلمنامه می گنجانیم که به نوعی تحلیل ما از آنها «دایر بر رویزیونیسم بودن آنها را به زیر سؤال می برد، این به معنای نفی و عدول از مواضع ما بود. با اگر به زیر شما رویزیونیسمی "مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا" دست به حرکت میزدیم، معنای جزای زنگاری، نفی اصول و... نداشت. اما بندهای مورد توافق در قلمنامه نه به نافی اصول ما، بلکه جزئی از اصول ما است. بیرواضح است که تنها جزئی از اصول ما و نه تمامی اصول مواضع ما، چه اگر قرار باشد در یک اتحاد عمل کلیه اصول مواضع یک نیروی سیاسی گنجانده شود، اصول اتحاد عمل معنی خود را از دست داده و با بدو حدت به عمل آید!

طبقینما هر نیرویی می گوید با اعمال همزبونی (در عمل و نه در حرف) سمت سوی اتحاد عمل مشخص را بسوی مجموعه مواضع خود سنگینتر نماید و از این طریق به ارتقاء مواضعی بپردازد که کارها به حرکت مشترک را تشکیل میدهد.



پاسخ
نامه ها
(بدون آن که آن را شرط اتحاد عمل قرار دهد) از این روی پیش نهاد ما برای قرارداد بندی در بلاتفرم که مرزبندی با حزب توده و اکثریت بمناسبت به جریانات ضدانقلابی رویزیونیسمی ضروری بوده و جهت تعمیق مواضع رادیکالی قرارداد است، اما قرارداد آن بمناسبت به شرط همکاری نادرست بوده و نشانگر درک چپ روانه و سکتاریستی از اتحاد عمل میبود و با نفی همکاری با جریانات نا پیگیر، و برآوردن آنها عملاً به تقویت رویزیونیسم متحرک می گشت. از این سو است که ما اتحاد عمل با رفقای فدائیان (اقلیت) را با بلاتفرم مورد توافق غیر اصولی ندانسته و در جهت تقویت قطب کمونیستی در مقابل رژیم ضدانقلابی، رویزیونیسمی و عامل موثری در جلب دموکراتها بسوی همکاری با کمونیسمیها می دانستیم. و از این سو اتحاد عمل نا میرده را بنبغ جنبش کمونیستی و مارکسیسم انقلابی ارزیابی نمودیم و واقعیت نیز نشان دهنده نظر فوق است.

نامه مادر رفیق شهید محمود صمدی از اصفهان به سازمان پیکار

به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: بین ما و سرما به داران دره عمیقی است که خاکستر کمونیسم آنها را برخواهد کرد (هوشی مین) برای مادری چون من که با فقر و فلاکت در یک خانواده کارگری فرزندان خود را به اینجا رسانده ام از دست دادن محمود ضربه بزرگی است که فقط با اعتماد و ایمان به راه سرخ طبقه کارگر قابل تحمل است میدانم محمود نه اولین شهید این راه بوده است و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود و ما با یستی همچون کوههای عظیم طاقت تحمل سرمای زمستان را داشته باشیم ناگهان بهاران فرارید و نسیم خبش آزادی جانمان را سیراب کند من با وجود شما هزاران محمود را در کنار خود حس میکنم شما نشان دادید که هیچکس نباید دیگر به تنهایی برای عزیزانش گریه کند. ما آنچنان بهم پیوند خورده ایم که برای همه انقلابیون ما در همه انقلابیون برایم فرزندانند. و این به من قوت قلب را میدهد که محمودم را در تک شک شما زنده و جا وید ببینم. افتخار میکنم که بتوا ندم در راه آزادی ما محمود هر خدمتی که از دستم برآید طبقه کارگر و شما می زحمتکشان انجام دهم در ضمن از رفقا تقاضا مندم خانواده خود را در جریان اموری که خوب بدان مشغولند آشنا سازند تا هم آنها خود را آماده سازند

و هم شما بهترین توانا نید در این راهی که میروید گامهای موثرتری بردارید. با امید پیروزی خلقمان

به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: بین ما و سرما به داران دره عمیقی است که خاکستر کمونیسم آنها را برخواهد کرد (هوشی مین) برای مادری چون من که با فقر و فلاکت در یک خانواده کارگری فرزندان خود را به اینجا رسانده ام از دست دادن محمود ضربه بزرگی است که فقط با اعتماد و ایمان به راه سرخ طبقه کارگر قابل تحمل است می دانم محمود نه اولین شهید این راه بوده است و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود

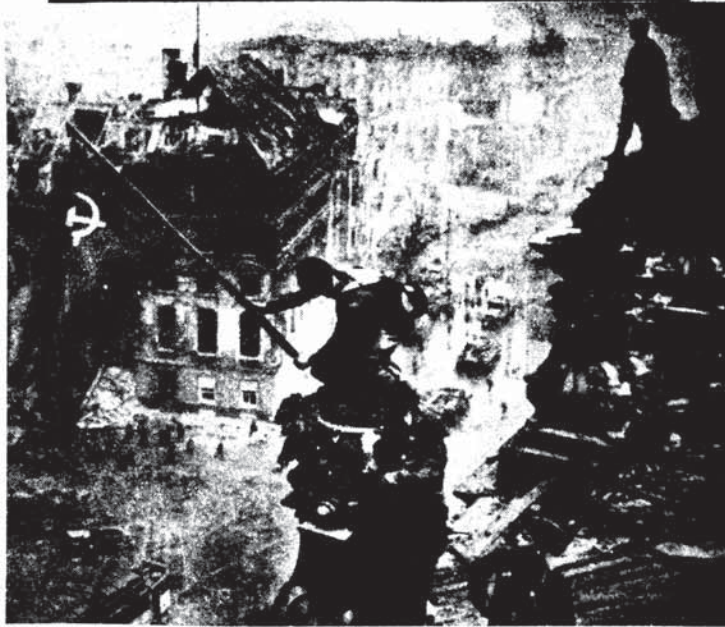
مرگ بر امپریالیسم آمریکا
مادر پیکار را گرشید محمود صمدی از اصفهان

رفیق ن ۱۲ اسنادی را که فرستاده بودی مورد استفاده است. امیدواریم با همکار ره های ارزشمند خود ادامه دهی. این وظیفه هر رفیق هوادار است که در عین وظایف مبارزاتی خود برای پیکار نیز اخبار و اسناد دجال را ارسال دارد و به غنای پیکار بیافزاید. پیروزی باش!

سایر رقتیابی که نامه فرستاده اند:

ن قزوین، م-ط دانش آموزی شرق، ه-س ساری، م-تهران، ن-الف-ب پزشکی، جمع مروجین اصفهان، جاب ۲، سه رفیق از زندان گرگان، د، اودا نزلی، س-د-دگیلان، خالد-ق ما شهر، نبی دزفول، ح-د خوزستان، م-گ-هوا، اف تی مسئول تسلیفات خوزستان، ح-ی از زنجان، غ یک هوا-دار تهران، الف سا را نامه شماره ۱۲۱-تهران، جمع تشکیل دهنده کانون شهدا و زندانیان سیاسی، توزیع د-د غرب، هسته معلمین هوادار اصفهان، نا هید تهران، ش-ب تهران، حوزه شرکت واحد، ر-ض-ا-۱-۲، کمال احواز، ج نور، اکبر از آذربایجان، هواداران سازمان (کمیته مسئولین) در شهر کرد، ب-۳-۵ اصفهان، رضا اصفهان، ن، ما درص-م کردستان، طلاونگ با بل، ز-غ معلمین دانش آموزی غرب، جمع مرکزی بندرعباس محسن شهری، نا سرخرم آباد، م-م-تیلینی، ع از کرمان، هسته هوادار کرمان، ن از توزیع، هسته مرکزیت هوادار، فا شه، م-سربا ز هوادار، منطقه ۳ ع دانش آموزی شرق، مجید هسته کارمندی نفت، فرزانه تهران، ج، انتشارات و توزیع، س دزفول

۸ مه ۱۹۴۵: روز شکست فاشیسم



سربازان ارتش سرخ شوروی سوسیالیستی، پرچم پیروزی را به فراز
رایشنگ (پارلمان آلمان هیتلری) در برلین می‌افرازند.

جنگ جهانی دوم که فاشیسم هیتلری در سال ۱۹۳۹، آتش‌آزاده و ورک کرده بود، پس از ۶ سال و با بر جای گذاشتن میلیون‌ها کشته و ده‌ها میلیون آوار و بی‌خانمان در هشتم مه ۱۹۴۵ (۱۸ اردیبهشت) با شکست فاشیسم خاتمه یافت. جنگ دوم، در آغاز جنگی بود که امپریالیست‌های گوناگون در جهت کسب منافع نفوذ بیشتر و سلطه - ظلمی در سطح جهانی برپا کردند و به همین جهت کمونیست‌ها در زمان شروع جنگ، بر علیه جنگ، امپریالیسم و فاشیسم بی‌خاستند، اما پس از سال ۱۹۴۱ که فاشیست‌های آلمانی، اتحاد شوروی سوسیالیستی، تنها کشور سوسیالیستی آن زمان را مورد یورش قرار دادند، چهره جنگ دگرگون شد. اتحاد شوروی به رهبری رفیق استالین و تمام کمونیست‌های جهان برای دفاع از سوسیالیسم که در آن موقع دشواری سوسیالیستی تسلیومی یافت، بر علیه فاشیسم وارد کارزار شدند. آن‌ها پس از این جنگ نه مفهوم یک جنگ "میهن پرستانه" سوزناکی بلکه جنگی ضد فاشیستی که برجم دفاع از سوسیالیسم را بدست کمونیست‌ها و توده‌های انقلابی برافراشته بود، شناخته شد. کمونیست‌ها و دمکرات‌های سراسر جهان برای حفظ دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی، اکثر و برای زنده نگه داشتن انقلاب سوسیالیسم برجم سرخ مبارزه را در کشورهای مختلف بدست گرفتند و با تشکیل جبهه‌های میهنی توده‌ای بر علیه تجاوزگران فاشیست به یکدیگر برخاستند. ورود ارتش سرخ و بیرونی‌رای قهرمان اتحاد

شوروی لنین و استالین، چهره جنگ را تغییر داد. جنگ به جنگی عادلانه برای حفظ سوسیالیسم و دموکراسی تبدیل شد. زحمتکشان جهان و بزرگان رگران قهرمان شوروی حماسه‌ها آفریدند. هنوز با گذشت بیش از ۳۵ سال از پایان جنگ دوم، کارگران و زحمتکشان جهان سرود رزم با بیداری قهرمانانه کارگران سر بازان و توده‌های انقلابی استالینگراد را بر می‌دهند و حماسه‌مقامت استالینگراد را زنده می‌دارند. اگرچه جنگ دوم جهانی و نجات و فاشیست‌های خونخوار آلمانی، ایالتی و میلیتاریست‌ها (نظامی‌گرایان) ژاپنی میلیون‌ها نفر از مردم جهان را با خاک و خون کشید، اما جبهه‌نگوهمند ضد فاشیستی که با رهبری اتحاد شوروی و رفیق استالین بوجود آمده بود با خون سرخ کمونیست‌ها و توده‌های انقلابی، درخت انقلاب و سوسیالیسم را آبیاری کرده و دمکراسی توده‌ای و سوسیالیسم را در جهان با رورتر ساخت.

اگرچه امروزه، اتحاد شوروی به یک کشور امپریالیستی و تجاوزگر تبدیل شده، اما دستاوردهای دوران بر عظمت لنین و استالین و پیروزی چشمگیر نیروهای ضد فاشیست در جنگ دوم که تنها در اثر رهبری طبقه کارگر و پیشاپیش آن حزب پرافتخار لنین و استالین میسر گشت، همچنان راهنمای زحمتکشان و بیرونی‌رای جهان در مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم می‌باشد.

هر دم از این باغ بری می‌رسد...

بدنیال سنگار فوجیان زنان منحرف که خود
تربیان نظام ارتجاعی حاکم در گذشته و حال
میباشند حاکم شرع کرمان، دستور قطع دست فردی
را بجرم دزدی صادر کرده است.

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی کرمان... یک
سارق سابقه دار بنام عبداللہ سعید فرزند حبیب
اللہ به اتهام سرقت محکوم به قطع دست میشود و
حکم ما در روز گذشته در مورد وی به مرحله اجرا
گذاشته شد چهار انگشت دست راست نامبرنده
قطع گردید." (جمهوری اسلامی - دوشنبه ۲۷/۲/۶۰)
رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سرمایه‌داری
و استبداد تمام‌ظواهر ارتجاعی آن از جمله فساد
دزدی و فرهنگ ارتجاعی است و خود مرکز تجمع
چپا و لگراسی است که به یکباره میلیون‌ها تومان
از دسترنج توده‌های زحمتکش و ثروت و منافع
ملی ما را به غارت برده و تا خرخره در گرداب فساد
غوطه‌ورند، برای فریب توده‌ها بمنوا نیاورده
با فساد، اعتیاد و دزدی که علل پیدایش و وجودی
آنها را نه در قربانیان این پدیده‌های پست
اجتماعی بلکه در نظام حاکم و روابط اجتماعی
موجود با بی‌حسب‌تجوگرد، دست‌به‌عادم منحرفین و
قاچاقچی‌ها و دزدان می‌زند بدون اینکه بخواهد
وقایع درباری که ریشه اصلی فساد، اعتیاد و دزدی را
بخشکاند، رژیم حاکم در این راه، بنا به ماهیت
عمیق ارتجاعی خود دست به فوجیان تریبون و
زحمتکشان کترین شیوه‌ها می‌زند، زنان بدکاره را
سنگار می‌کند، قاچاقچیان را - البته آنها شی
را که نتوانسته‌اند سبیل "آقایان" را چرب بکنند
- در جلودیدگان مردم تیرباران مینمایند و
اخیراً شروع به قطع کردن دست دزدان نیز کرده
است.

دزدان و زنان بدکاره و... از بدو تولد،
فاسد دنیا نیامده‌اند، آنچه که آنها را به کجراه
بدبختی، فساد، جنایت و اعتیاد گمراه کرده محرومیت
آنها از حداقل ضروریات زندگی و محاصره
آنها با فرهنگ ارتجاعی و امپریالیستی و
حاکمیت انواع انحرافات اجتماعی است که
همه این پدیده‌ها مستقل از خواستوارده قربانیان
اجتماعی، زائیده نظام سرمایه‌داری و نیویز
فتوالتی‌سالی‌های گذشته دور - سلطه امپریالیسم
و حاکمیت رژیم‌های ارتجاعی از جمله رژیم
کنونی هستند و برای از بین بردن آنها ابتدا
با بدریغ اصلی سوزان فجاج یعنی سرمایه
- داری وابسته و رژیم حافظ آنرا خشکانند.
در چائیکه چپا و لگراسی چون پستی‌ها، بازگانها،
خون زحمتکشان ما را می‌کند، قطع دست یک
دزد توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی جز
فدا کردن "دزدان کوچک" برای حفظ و جاق تر
شدن دزدهای بزرگ و کلان و آنها با روش‌های
قرون وسطایی معنی دیگری ندارد.

★★★

درباره انتخابات فرانسه

دوره اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه به پایان رسید و طی آن ژیکار دستن (رئیس جمهور کنونی) ۲۸/۲۱٪ فرانسو امپتران (رهبر حزب "سوسیالیست") ۲۵/۹٪ ژاک شیراک (رهبر گلیست ها) ۱۷/۹۵٪ و ژرژ مارش (رهبر حزب کمونیست) ۱۵/۴۲٪ آراء را بدست آوردند. بدین ترتیب ژیکار دستن و فرانسو امپتران در دوره دوم در مقابل یکدیگر قرار گرفتند در این انتخابات چه کسی پیروز شده و به مدت ۷ سال دیگر سرما به داری امپریالیستی فرانسه را نما بندگی خواهد نمود؟

"ژیکار دستن" این نماینده انحصارات بزرگ مالی فرانسه، علیرغم اینکه در طی ۷ سال گذشته که در رأس امور بوده تعداد دیکاران نزدیک ۲۵ میلیون نفر گشته و تورم و گرانی همچنان به رشد خود ادامه داده است، به احتمال قوی به پیروزی دست خواهد یافت. او طی ۷ سال گذشته برای انحصارات بزرگ امپریالیستی خدمات بیشماری انجام داده و حقیقتاً همین محافل مالی هستند که دوباره او را به عنوان نماینده خود انتخاب میکنند و علاوه بر تناسبات فواید ویکسری عوامل بین المللی نیز به نفع او عمل می نمایند. "ژاک شیراک" نماینده امپریالیستی گلیستهای گلیست فرانسه در دوره دوم بنفیس "ژیکار" به کناره میرود و او را فیه بر آن در شرایط کنونی امپریالیسم آمریکا تمایل بیشتری به انتخاب وی نشان میدهد. اگرچه اختلافات معینی میان سیاست "ژیکار" و سیاست امپریالیسم آمریکا وجود دارد، لیکن در مجموع ایمن دور سیاست از هماهنگی بیشتری در حال حاضر بر خورده امپریالیسم شوروی نیز بیشتر متمایل به انتخاب "ژیکار" میباشد. زیرا بازش های جدید میان شوروی و آمریکا و بخصوص در مورد بیمان "سالت" می طلبند تا امپریالیسم روس در قبایل انتخابات فرانسه روشی را اتخاذ کنند تا در مذاکرات درباره مسائل جدید به سختگیری بیشتر امپریالیسم آمریکا نماند. شوروی برای آنکه بتواند به راههای جدیدی بسازد آمریکا بر سر در انتخابات فرانسه به آمریکا امتیاز میدهد! اخیراً هنگامی که در جزیره "کورین" دویمب علیه "ژیکار دستن" منفجر شد، بلافاصله "نیوزت" "نیام محبت آمیزی" برای او ارسال داشته و انفعال ریم را محکوم ساخت و بدین ترتیب رای خود را به "ژیکار" داد!

در مقابل این جبهه امپریالیستهای "حزب سوسیالیست" قرار دارند "میتران" "آبسن" سرکوبگر برجسته که دیروز دستور کشتار خلق الجزایر را صادر می نمود و امروز متحدان مشابهی گلدان ما بر فراش میباید شویخ معنیسی از امپریالیستهای فرانسوی را نما بندگی میکند

بقیه در صفحه ۲۲



سرکوب کارگران اعتصابی ترک در لیبی

در یکی دو هفته اخیر کارگران ترک که در لیبی کار میکنند دست به اعتصاب زدند. کارگران که جهت تحقق خواستهای صغی خود اعتصاب کرده بودند با سرکوب پلیس لیبی مواجه شدند. این اولین بار نیست که هزاران تن از کارگران ترک که در لیبی کار میکنند دست به اعتصاب میزنند و هر بار به نحوی، با سرکوب و اخراج و یا با وعده های توخالی با خواستهای آنها مقابله میشود.

هزاران کارگر ترک بر اساس قرارداد دهانکه بین دولت لیبی و شرکتهای مفاطعه کاری ترکیه بسته شده با شرایط بسیار محدود کننده و سخت (که به نوعی به بیگاری شباهت دارد) کار میکنند. کارگران و زحمتکشان ترک که بخاطر شرایط بسیار بحرانی اقتصاد ترکیه روز بروز در فقر بیشتر بسر میبرند با لباسی که تا گزیر به مهاجرت بوده و هستند بطوری که یکی از منابع مهم درآمد ارزی دولت ترکیه را دستمزد کارگرانی که در خارج از کشور کار میکنند تشکیل میدهد. مفاطعه کاران و سرما به داریان ترک با بندوبست بسیار کمیهای بورژوازی خیل کارگران را که در انتظار رفروش نیروی کار خود میباشند به کشورهای دیگر گسیل میدارند و بورژوازی ترک البته از این رهگذر غیر از چیاول قسمتی از دسترنج کارگران، در صفوف طبقه کارگر نیز تفرقه و جدائی میافکند و از شکل آنان مانع میگردد.

رژیم سرما به داری دولتی لیبی نیز که علیرغم ادعای خائنه رویزیونیستها و ما حبان تزبا مصلح "راه رشد غیر سرما به داری"، راهی جز تحکیم موقعیت بورژوازی ندارد. در استعمار و خریداران نیروی کار زحمتکشان ترک و پاکستانی و مصری و تونسوی و سوری و فلسطینی و ایتالیایی و... شریک است. اگر توجه کنیم که بسسه ازای جمعیت ۲ میلیونی لیبی بیش از یک میلیون کارگر و زحمتکش از کشورهای دیگر در آنجا کار می کنند! اهمیت سرکوب مبارزات این زحمتکشان برای بورژوازی لیبی آشکار میشود. دولت

لیبی که وقتی کمپانی فیات ایتالیایی در آنجا نه و رشکستگی قرار میگردد با پرداخت حدود نیم میلیار دلار بعنوان حق السهم، این شرکت معظم امپریالیستی را از نا بودی نجات می بخشد (شبه همان کاری که ایران دوره شاه در مورد شرکت آلمانی کروپ کرده بود) حاضر نیست جز با سرکوب با کارگران مواجه شود. این است ماهیت بورژوازی در عمل. حرف و ادعا که خرجی ندارد!

چین: خیانت روزیونیستها و ادامه مبارزات طبقه کارگران

خیانت رویزیونیستها و استقرار سرما به داری در چین موجب پیدایش بحران، فقر و بیکاری در این کشور گردیده است. برای اولین بار در تاریخ سی ساله اخیر چین سال گذشته رویزیونیستها ۲۵۰۰ کارگر چینی را به کشورهای امپریالیستی فرستادند تا توسط سرما به داریان خارجی استعمار شوند و بزرگان را با قراردادهای خائنه رویزیونیستها قرار است کارگران بیشتری جهت اجراء ۸۸ طرح بخارج فرستاده شوند. تنها در سال گذشته مرتجعین حاکم برجین ۱۵ قرارداد با کمپانیهای آمریکا، ژاپنی، ایتالیایی و... امضاء کرده اند. در مقابل این قراردادها و برای تامین سود کلان امپریالیست ها، رویزیونیستها، کارگران چینی را در اختیار کمپانیهای امپریالیستی میگذارند تا آنها با دستمزد بسیار نا زل، کارگران چینی را شدیداً استعمار نمایند. بنا بر این خائنین رویزیونیست نه تنها خود به شدیدترین وجهی طبقه کارگر چین را مورد ستم و استعمار قرار میدهند، بلکه علاوه بر کارگران را در اختیار انحصارات امپریالیستی گذاشته تا بدین ترتیب خدمت بزرگی به امپریالیستها و جناحیت بسا بقیه های نسبت به پیروان آنها انجام دهند.

در ادامه خیانتهای بسما را، اخیراً خائنین سه جانی دست به خیانت تازه ای زده اند. حزب رویزیونیست در اول اردیبهشت امسال بیانیه ای صادر نمود در آن رسماً "دیکتاتور پرولتاریا" را منحل اعلام کرد. در این بیانیه مطرح گردیده است: "نظام حکومتی چین اکنون "دیکتاتور دیکراتیک خلق" است و این بدان معناست که از این پس همه اقشار (نه تنها طبقه کارگر) میتوانند در امور کشور شرکت داشته باشند."

رویزیونیستها چینی اگر چه با نقس قدرت رسیدن خود عملاً دیکتاتور پرولتاریا را خیانته کرده اند، لیکن نموده اند، اگر چه با وضوح کامل خط مشی بورژوازی را در تمام عرصه های زندگی اجتماعی چین پیاپی کرده و سرما به داری را احیا نمودند، بانک رسماً و علینا نام "دیکتاتور پرولتاریا" را منحل اعلام کرد.

«ملاحظات کوتاه»

نشریه "جبهه ملی"
و "آزادیخواهی" اوی!

وقتی ملاحظه نویسی، هفته نامه جبهه ملی را دیده‌ام بنقد این روزها با عصبانیت هارت و هورت می‌کنند. اختیاری را زود پرسید و قاطعاً پشت این لیبرال‌های پوسیده و فاسیل بکجا گرم است؟ آیا مثل "ناکسی" که وقتی خالی است بسوق می‌زند؟ این حضرات همه با دو قافله افتاده‌اند؟ قدر مسلم این است که این آقایان که عمر سیاسی - شان سالهاست بسر داده‌اند، فرصت طلبانه می‌کوشند با سوء استفاده از رضای عمومی و با دم زدن از آزادی و فربا علیه اختنا، ق، به رفیقان حاکم رودست زده و با تزریق خون کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی به پیکر فرسوده خویش چند روزی دیگر به عمرا نگلی خود بیا فزایند.

آخروقتی می‌بینی که پذیرندگان دکتربین آیزنها و روطراخان تز "صبر و انتظار" و کسانسی مثل دکتر مهدی آذر (صاحب امیتا زرونا مه جبهه ملی) امروز می‌خواهد خود را پرچمدار آزادی بنا مدچاره‌ای جز افشاگری و دریدن ماسک از چهره این فریبکاران ننداری. این آقایان امروز بر آزادیهای فردی و اجتماعی "اشک تسامح میریزند و زلفا کاری‌های (!) خود دم می‌زنند ولی نقل این حادثه که "مشتی است نمونه خورار" میتواند گوشه‌ای از "فداکاری" این حضرات "ملی" را به‌خوابنده نشان دهد. همزمان با ۱۵ خرداد ماه ۴۲ دکتر مهدی آذر همراه با عده‌ای از مخالفین سیاسی شاه و نینز جمعی از مبارزین آن سالها در زندان قمر بود. مجاهد شهید محمد حنیف نژاد میگفت که دکتر آذر مدام برازنا را حتی میکرد و میکشید همراه با برخی دیگر از همکارانش هر چه زودتر کوساه بیاید و "زادشود". دکتر آذر میگفته است: "چون حداقل روزی چند صد تومان در آمد مطب خود را دارم ز دست میدهم!" ضمناً همین دکتر آذروقتی یکی از زندانیان سیاسی را که در آن زمان یک دانشجوی تنگدست بود و بیزیت کرد حدود ۲۰۰ تومان از او حق و بیزیت در یافت نمود! راستی از رفقای خواننده پیکار چه پنهان وقتی ملاحظه نویسی داشت این سطور را مینوشت "شیطونه" که بشدت از "چپروی" تا راحت است، به او "نصیحت" کرد که با جبهه ملی که این روزها از آزادی دفاع میکند و میتوان بطور "تاکتیکی" با او کنار آمد و حداقل چیزی در باره آن نماند! ولی پیکار که دست لیبرالها را نیز مثل دست

کارگران و کاردهای سرخ انجام گرفت و در حقیقت نظرات اخیر برین آنستکه توده‌های ستم دیده یوغ رویزیونیستهای خاش را هرگز نمی‌پذیرند. در مقابل این اعتماد و نظرات کمیته مرکزی حزب رویزیونیست چین به واکنش دست زده و دستور سرکوبی آنها را صادر نمود. و بعلاوه کمیته مرکزی حزب افزوده است، در صورت ندادن این مبارزات ارتش نیز مدام خله خواهد نمود. در حقیقت از زمان حاکمیت رویزیونیستهای خاش و مرتدد در چین، علیرغم کوششهای مذبحخانه رژیم، مبارزه سیاسی - انقلابی علیه قدرت حاکم شکل گرفته است و این امر ویژگی مبارزات کنونی در چین است. در حال حاضر اگر چه رهبران کمونیست کارگران در زندانها بسر می‌برند ولیکن کارگران و توده‌های زحمتکش آگاه و نینزاداننجوبیان کمونیست و کاردهای سرخ به مبارزه خود علیه بورژوا - رویزیونیستهای حاکم ادامه داده و در اشکال گوناگون و فدا داری به سوسیالیسم و آرمان طبقه کارگر با تمایزش می‌گذارند. در واقع با ندیخیا ننگار "تنگ - هوا" میکوشد تا مبارزه طبقه‌ای را خفه کند، اما مبارزه طبقه‌ای همچنان گسترده تر میشود و تا نبودی قطعی سرما به وکلیده تمامندگان آن ادامه خواهد داشت.

انتخابات اخیر فقط ۶۶/۱۵٪ رای به صندوقها ریخته شد. اخیراً دولت امپریالیستی فرانسه مجتمع مسکونی ۳۰۰ خانوا ده کارگر مهاجر در محله "ویتری - سور - سن" (در حومه پاریس) را تخریب نمود. "ژرژ مارش" خاش برای بدست آوردن رای بیشتر به دامن زدن افکار رویزیونیستی و نژادپرستانه دامن زده و با تائید این تخریب گفت: "ما نمی‌خواهیم هارلم جدیدی (محله سیاه - پوست نشین نیویورک) و با سوتی دیگری در حومه پاریس داشته باشیم." "مارش" با این تبلیغات فاشیستی گوشتد تا به‌رای دهندگان بورژوا و خرده بورژوا فرانسیسی القاء کند که با زهم علیه کارگران اقدام خواهد کرد و بنا بر این رای آنها به رویزیونیستها به بیراهه نمی‌رود! اما فراموش نکنیم که "مارش" در ۱۹۲۴ در دوره اول پیش از ۲۰٪ رای آورد و امسال تنها ۱۵٪ آرا را به‌خود اختصاص داد و بدین ترتیب اگر چنانچه "مارش" رای بخشی از بورژواها را بدست آورده باشد در مقابل رای توده وسیعی از کارگران را از دست داده است. توده‌های کارگر هر چه بیشتر بی‌مبهرند که برینا مه و کردار حزب رویزیونیستهای فرانسیسی در ماهیت و اساس خود تفاوتی با احزاب بورژواشی دیگر ندارد و به همین خاطر بطور روز افزون نسبت به رویزیونیستها و راه‌پایانهای آنها بی‌اعتماد میشوند اما متأسفانه حزب کمونیست پرولتاریا در فرانسه موجود نیست تا بذرا انقلاب سوسیالیستی را در اذهان کارگران با شیده و آنان را برای تصرف قهر آمیز قدرت سیاسی سازماندهی نماید.

پرولتاریا "را کنار گذاشته و آشکارا دیکتاتور طبقه‌ای خود را تحت عنوان "جمهوری دمکراتیک خلقی" اعلام میدارند اگر در شوروی خروشچف خاش و بدنیال او بر ژنرف مرتد، دولت بورژوازی را با نام "دولت تمام خلقی" آذین نمودند، هم‌اکنون در چین با نام "تنگ" دولت بورژوازی را با نام "جمهوری دمکراتیک خلق" پرده پوشی می‌نماید رویزیونیستهای چینی بدین ترتیب حاکمیت بورژواشی خود را ژسمیت بخشیده و امری پرواضح است که نه "همه قشار" بلکه تنها بورژوازی مرتجع چین "در امور کشور شرکت داشته" و تنها این طبقه است که به قیمت سرکوب کارگران و دهقانان اعمال سلطه طبقه‌ای می‌نماید. اما در مقابل این همه جنایت‌های پستی و زحمت بورژوازی جدید چه سلاح دیگری جز مبارزه طبقه‌ای در دست پرولتاریا چین باقی میماند؟ چندی پیش کارگران و دانشجویان کثیری در چین دست به اعتصاب و نظرات زدنند. کارگران به تشدید ستم و استثمای معترض بوده و دانشجویان به اشغال دانشگاهها توسط ارتش ارتجاعی رویزیونیستها اعتراض داشتند. از پانزده گذشته در چین مبارزات وسیعی از جانب

بقیه از صفحه ۲۱ درباره...

طبقاً میکوشد تا رای رویزیونیستها را بچنگ آورد. البته "ژرژ مارش" مرتد هیچگاه از کمک بیدریغ به او خودداری نکرده است، اما میتوان گفت "میتران" در مقابل جبهه فوق نمی‌تواند به پیروزی دست یابد. البته معاف بزرگ و با نفوذ امپریالیستی در شرایطی که بحران شدت اوج بگیرد و مبارزات کارگری برآمدن بقیه - ای پیدا نماید چه بسا راه بقدرت رسائیدن "میتران" را هموار سازند، زیرا "میتران" با لفاظی‌های عوام فریبانه "سوسیالیستی" خود می‌تواند در بهانه‌های کثافتکارانه جنبش کارگری نقش مهمی بازی کند. و فراتر از آن در شرایط شدید بحران حتی "ژرژ مارش" مرتد میتواند به مثابه بیک "آلترنا تيو معقول" خود نمائی کند. لیکن مجموعه شرایط کنونی آلترنا تيو "زیسکار" را در دستور روز قرار داده است. آری حقیقتاً قدرت سرما به دران انتخابات و با رلمان تا ریس بورژواشی حرف آخر خواهد زد رویزیونیستهای خیانت‌پیشه فرانسیسی (مانند همه رویزیونیستها) سالیان درازی است که در ضدیت با انقلاب پرولتاریا بی‌فربیب طبقه کارگردست زده و با رلمان تا ریس را راه نجات کارگران وانمود میسازند. اما سالیان درازی است که واقعبینان نداده که سرما به حرف آخر را در انتخابات خواهد زد و توده‌های آگاه بیش از پیش با امتناع از رای دادن، نفرت خود را نسبت به مبارزیهای بورژوازی به نمایش می‌گذارند. بنحوی که در سال ۱۹۲۴ در دوره اول انتخابات ۷۱/۰۳٪ رای دادند حال آنکه در

سفیر جمهوری اسلامی در عربستان به آمریکا پناهنده شد!

در روزهای آخر سال گذشته، جو ادروی اما می سفیر جمهوری اسلامی در عربستان مبلغ ۴ میلیون دلار موجودی نقدی سفارت را برداشته و پس از فروش اشیاء عتیقه و گرانقیمت موجود در سفارت و نیز املاک و مبلمان ویژه حاج به سفارت آمریکا رفته و تقاضای "پناهندگی" از آن کشور نموده است.

رژیم جمهوری اسلامی که مسئولین مکتبی اش

یکی پس از دیگری آمریکا شی و... از آب در - میا بندوبیا چپا ول میلیونها تومان به اربابان خود "پناهنده" میشوند، در این مورد خائنه سکوت کرده است. مسئولین رژیم ارتجاعی که اکثر آنها مقامات مرتجع رژیم شاه هستند که "اسلام" آورده اند، جز این انتظار نیست. منتخب مرتجعین چپا ولگران و مزدوران امپریالیسم کسان دیگری نمیتوانند پناهنده شوند.



قرار داد ۱۷ میلیارد تومانی با امپریالیسم انگلیس:

گامی دیگر در گسترش و تحکیم سرمایه داری وابسته

"شرکت نالیوت انگلیسی اعلام کرده است که تا دو هفته دیگر قرارداد بی میلیون - قریب به یک میلیارد دلیره انگلیس با دولت ایران امضاء میکند..." (انقلاب اسلامی - ۶ اردیبهشت ۶۰)

هر روز که از حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی میگذرد، بر چپا ول دسترنج زحمتکشان و استثمار آنان افزوده میگردد. رژیم جمهوری اسلامی که با دو سال حاکمیتش به روشنی نشان داده است قهرمان دورغ بردازی و ادعاهای پوچ و پسر هیا هو است. روزی نیست که ادعا نکنند که "پسند آمریکا را در آورد"، "میربا لیسیم انگلیس را به زانو در آورده"، "توطئه های فرانسه را با شکست روبرو ساخت" و... اما تبلیغات فریبکارانه سردمداران رژیم تنها توده های زحمتکش ما را نمیتوانند قریب دهد بلکه بخاطر تفا دروشتنی که ادعا ها و عملکرد رژیم دارند، به افشای بیشتر خود رژیم جمهوری اسلامی منجر میشوند.

در حالیکه بحران اقتصادی موجود، کمترین زحمتکشان ما را زیر بار شرایط طاقت فرسای کار روزندگی خم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ منافع طبقاتی مرتجعین حاکم چپا را سبه در گسترش و تحکیم سرمایه داری وابسته که شمری هز غارت و چپا ول و استثمار ریشتر کارگران و زحمتکشان ایران ندارد، می تازد. کارخانه ایران ناسیونال - که یک کارخانه دولتی است - برای وارد کردن قطعات کاملاً اتوموبیل سواری یک قرارداد یک میلیارد دلیره - ای (۷۰) میلیون ریالی با وارد دولتی و به نرخ رسمی (برای مدت پنجمال با یک کمپانی انگلیسی امضاء میکند. این قرارداد در شرایطی امضاء میشود که رژیم جمهوری اسلامی شب و روز از استقلال اقتصادی، خودکفا شی، بی نیازی به امپریالیسم و... میزند اما واقعیت ها چهره واقعی این رژیم ارتجاعی را برملا میسازند. رژیم که حافظ منافع سرمایه داران و سرمایه داری وابسته است نمیتواند - و دالبتسه نمیخواهد - که اقتصاد مایموبی نیاز از سرمایه

های امپریالیستی در ایران مستقر سازد، چرا که بقول آیت الله خمینی "انقلاب" نکرده اند که "نظام مبهم بخوره" (در دیدار با خلبانان - پیکار ۱۰۳) و نظامی که حافظ منافع امپریالیسم جهانی و سرمایه داران مرتجع است، قدمی به نفع زحمتکشان بر نخواهد داشت. هر روز که سر عمر چنین رژیم افزوده گردد، بر فشار رزنجیر - ها شیکه بردست و پای زحمتکشان ما سنگینی می کند، افزوده خواهد گردید. قرارداد ۱۷ میلیارد تومانی با امپریالیسم انگلیس نیز حلقه ای از زنجیر است که بر شرفنا امپریالیسم برکشور ما و گسترش سرمایه داری وابسته می افزاید. امضای چنین قراردادها شی چهره واقعی خائنین "توده ای" و "اکثریتی" را که بعنوان نوکران قسم خورده بورژوازی، به مداحی در وصف سیاست های با صلاح "فدا امپریالیستی" هیئت حاکمه مشغولند، نیز افشا میکند و نشان میدهد که رویزیونیست ها بخاطر منافع طبقاتی خود و خدمت به سرمایه داران چگونه به سروش نهادن بروا قیبت های زنده و خاک پا سیدن به چشم زحمتکشان مشغولند.

کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیست سرمایه داران، از یک سو با ادا مه جنگ ارتجاعی و خریدار سلحه از امپریالیستهای غارتگر و سرکن کردن فقر و فلاکت ناشی از آن برگزیده زحمتکشان و از سوی دیگر با عقد قراردادها ای اسارت ساز چند صد میلیون و چند ده میلیاردی با انحصارات امپریالیستی بر چپا ول و دسترنج شما زحمتکشان و کارگران افزوده و سرمایه داری وابسته را تحکیم و گسترش می بخشد. برای گسترش زنجیرهای استثمار و بردگی در راه پیروزی انقلاب سرخ رها شی و برای برقراری سوسیالیسم که تنها راه از میان برداشتن استثمار و فلاکت توده ها است با قدمهای استوار به مبارزه انقلابی خود ادامه دهیم!



ملاحظات کوتاه

نشریه...

رقیبان حزبی شان تا مرفق در خون زحمتکشان و در حنای امپریالیسم می بیند، هرگز حاضر نیست اصول را فدای مصالح کثیفی کند. این را کمونیسم به ما موخته است که دشمنان توده ها را در چهره و لبهاش که با شدیدی ما با افشا کنیم. مگر نه این است که شغال لیبرالها برادر سگهای زرد حزبی است. و هر دو شان بنوعی در خدمت سرمایه داری امپریالیستی؟!

مقصود توئی کعبه و بتخانه بهانه!

رویزیونیستها دشمنان طبقه کارگرند و جا سوسان بورژوازی در صفوف کارگران. رویزیونیستها چنان با مهارت به رنگ آمیزی چهره سرمایه داران می پردازند و "عبثت" آنها را "هنر" جا میزنند که خود سرمایه داران را هم به تعجب و تحسین و امیدارند. حزب توده که سر دسته این خائنان است چه در دوره شاه و چه در دوره جمهوری اسلامی کاری جز میزگوشی ارتجاع، هموار کردن راه تسلیم طلبی و توجیه اقدامات خائنه دشمنان خلق نداشته است.

همه یادمان هست روزی که سوسال امپریا - لیستهای شوروی با زای قسمتی از بیهای گساز طبیعی با زده میلیون دلار سلحه و تجهیزات جنگی به شاه فروختند و ای به به حزب توده از ادیسو بیک ایران "بلند شد که" احسن! این است راه شکستن احتکار بازارهای امپریالیستی سلحه! در واقع این بود راه شکستن انحصار سرکوب خلقها بدست امپریالیسم آمریکا و مشاوران روسها با آنها.

حزب توده فرم آمریکا شی را نیز به به گفت و برایش کف زد! غربت رفیع ارباب بود مگر جز ب توده کاری جز آن میتوانست کرد؟ حزب توده حتی قیام تبریز در سال ۵۶ را نیز نکوش کرد! آخر هنوز مسکوا رژیم شاه دل نکرده بود.

نوبت به رژیم جمهوری اسلامی رسید و حزب توده با تسبیح و سجاده به پیشوا آن رفت و طوطی - مفت هرچه "استادان" در مسکو گفت "از پس آینه" تکرار کرد. برای حزب توده منافع و سیاست "برادر بزرگتر" بهتر بود "ارباب" مطرح است. او با بدیه مداحی رژیم جمهوری اسلامی بنشیند و عینا مثل شاعران جیره خوار در بار محمود غزنوی قیام به مداحی بسراید. "قما بد" چا پلوسا نه ای که در ایا می عید بصورت نماشگاه عملکردهای جمهوری اسلامی، گاه بر در و دیوار شهر بدیم و الحاق دیروزگی را بعدی نشان میداد که خود بلندگوها و نقالان رژیم را نیز به

بقیه در صفحه ۱۲

ششمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا

"اوضاع کنونی در جنوب نشان می‌دهد شکست امپریالیست‌های یا نکی در جنگ ویزه" اجنابنا پذیراست. جنگ ویزه ای که در ویتنام تجربه شده و بسا شکست روبرو گردید، در هر کشور دیگر نیز شکست خواهد خورد. این است مفهوم بین المللی مبارزه میهن پرستانه هم‌میهنان ما در جنوب برای جنبش‌های رها نشی بخش ملی در سراسر گیتی."

(هوشی مین - آوریل ۱۹۶۴)
آری! جنگ تجا وزگران‌های که امپریالیسم آمریکا برای پیشگیری از انقلاب خلق ویتنام در جنوب آن کشور برپا کرده بود، برای تجا وزگران یا نکی و مزدوران داخلی اش جز جنگ و شکست چیز دیگری بنا نرینیاورد. خلق قهرمان ویتنام پس از سی سال مبارزه بر علیه امپریالیست‌های فرانسوی و آمریکائی و نوکران بومی شان، آنان را برانداخت و در سی ام آوریل ۱۹۷۵ (شب اول ماه مه - روز جهانی کارگران) با تسخیر سایگون (امروز "هوشی مین") و برافراشتن پرچم پیروزی بر فراز کاخ ریاست جمهوری، آزادی کامل ویتنام را اعلام کردند.

ریخته‌شده ما این جنگ تجا وزگران‌ها امپریالیسم آمریکا، که با شرکت مزدوران رژیم دست‌نشانده جنوب و کمک بیدریغ امپریالیست‌های غربی صورت میگرفت، نتوانست پشت خلق ویتنام را بشکند. خلق قهرمان ویتنام برای پیشبرد مبارزه متحد بر علیه امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی اش در پایان سال ۱۹۶۰، با تلاش انقلابی کمونیست‌های ویتنام، "جنبه آزادیبخش ملی ویتنام" را تشکیل داد و برای تحقق آزادی کامل ویتنام ۵ ماه بعد، "ارتش آزادیبخش



ویتنام "پدید آمد. این ارتش انقلابی با مشی توده‌ای خود که از جانب کمونیست‌های ویتنام با رهبری رفیق هوشی مین، هدایت میشد، به بسیج، آگاه‌سازی و مسلح‌ساختن کارگران و دهقانان زحمتکش که اکثریت جمعیت ویتنام را تشکیل میدادند پرداخت، با تأتجاهیکه این ارتش از سوی یک حزب کمونیست با مشی انقلابی رهبری میشد، توانست بدون وا هم‌از شکست، دور از هر ساری و بدون احساس ناتوانی در برابر وحشیگریهای تجا وزگران آمریکا و وزیر باران بمبها و ناپالم‌ها که جنگلها، مزارع و کارخانه‌های ویتنام را به آتش میکشیدند، سرخسختانه مقاومت کند. این ارتش، از خلق دلاوری بوجود آمده بود که انضباط انقلابی بر آن حاکم بود و هیچ چیز برتر از آزادی و انقلاب برایش مفهوم نداشت. خلق دلاوری که از سوی حزبی آهنین با برناموشی انقلابی و بانفی تمام راه‌های سازشکارانه و حیوانانه دوما روزه همگین را بموازات هم پیش میبرد. مبارزه در راه وسوسا لیسم در شمال و مبارزه بی‌امان برای پیروزی انقلاب در جنوب. رفیق هوشی مین در سال ۶۴، زمانیکه روبرویونیسم خروشقی کشور بزرگ شوراهارا مجدداً بسوی سرما یهداری کشانده بود و خروشقی خاشن برای خلق قهرمان ویتنام، دم‌زملحی میزد که بسا "سازش بین آمریکا و شوروی" پدید آمد، در مجمع فوق العاده سیاسی حزب، برنامهای نوین برای حزب و دولت و در جهت پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا پیشنهاد کرد که در ضمن آن از

پیروزی شگرف خلق قهرمان ویتنام و ارتش آزادیبخش آن بر امپریالیسم خونخوار آمریکا آن بدست نیامد. این پیروزی دستاورد مبارزه طولانی توده‌های مسلح برهبری "جنبه آزادیبخش ملی ویتنام" که مشی و برنامهای آن از سوی حزب کمونیست، "حزب زحمتکشان ویتنام" اعمال میشد، میباشد. پس از آزادی شمال ویتنام در تابستان ۱۹۴۵ و برقراری جمهوری دمکراتیک ویتنام برهبری رفیق هوشی مین که خود شمره دهها سال مبارزه شگوه مند خلق نستوه ویتنام علیه استعمارگران فرانسوی و امپریالیست‌های فرانسوی و ژاپنی بود، مبارزه خلق ویتنام برای آزادساختن "جنوب" همچنان ادامه یافت. یکسال پس از پیروزی زحمتکشان ویتنام در شمال، امپریالیست‌های فرانسوی با یاری امپریالیسم آمریکا، برای حفظ و ادامه سلطه استعماریش یک جنگ تهاجمی را بر مردم دلاور ویتنام تحمیل کردند اما این جنگ پس از ۸ سال، با پیروزی سترگ خلق ویتنام در ۷ مارس ۱۹۵۴ در دژ "دین بین فو"، پوزه امپریالیسم فرانسه را یکساک مالید. اما توطئه امپریالیست‌ها بر علیه خلق ویتنام پایان نیافت و امپریالیست‌ها بهیچوجه حاضر نبودند هندوچین را که از نظر موقعیت سوق الحیثی و استراتژیکی اهمیت زیادی برای آنها داشت، بسادگی رها سازند. پس از شکست فرانسویها، امپریالیست‌های آمریکا بی‌جای خالی آنها را برکردند و تجاوز امپریالیستی بسوی ویتنام ادامه یافت. تختگاهاران مسلح آمریکا بی‌سوی ویتنام سرازیر شدند بطوریکه در سال ۱۹۶۸ تعداد آنها از نیم میلیون نفر گذشت. قویترین نیروی هوائی جهان، شب و روز به بمباران شمال و جنوب ویتنام پرداخت، چندین بار برجنگ جهانی دوم بر روی خلق قهرمان ویتنام بمب

خلق قهرمان خواست که "هرکس باید با ندا زده دونفر کار کند" و ادامه تلاش شبانه روزی چنین خلقی قهرمان بود که توانست امپریالیسم آمریکا را بسته آورد. آنچه که این خلق را پیروزمندانه به پیش میرسد حاکمیت ما رکیسم لنینیسم برحزب را هبر "جنبه آزادیبخش" بود. هزینه با آنگاه ما رکیسم لنینیسم و طرد ترسکیسم و پیروزیونیسم و روبرویونیسم جنبه انقلاب زحمتکشان را در ویتنام هدایت کرد. در تاریخ مختصر حزب زحمتکشان ویتنام میخوانیم:

"در همان زمان (منظور سال ۱۹۶۴ میلادی) اختلاف نظرات بزرگی بین احزاب کمونیستی و کارگری مسلط شده بود. مبارزه بین ما رکیسم لنینیسم و پیرونیست‌های راست و "چپ" و مخصوص بین ما رکیسم لنینیسم و روبرویونیسم مدرن که بمثابة خطر عمده جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را تهدید میکرد تشدید یافت." (داخل برانتزونا کیداً زمانه است)

مبارزه با روبرویونیست‌ها از طرف حزب زحمتکشان ویتنام و رفیق هوشی مین دنبال شد. حزب پس از سومین کنفرانس سرتا سری وظیفه تربیت‌کننده و جنگجویان را در برابر برخورد فراطیبات آنها بنواهند تفکر آزادی و استقلال خود را راندا ده و ما رکیسم لنینیسم و همچنین تجربیات کشور-های برادران اخلاقا نه در انطباق با شرایط مشخص میهنی ما بکار بر برد "هما نجا"

و با اینچنین مشی و برنامهای بود که خلق قهرمان ویتنام با یک سازماندهی سراسری و انقلابی توانست بیش از سی سال مبارزه سه‌گین را بر علیه زرادخانه امپریالیستی پیروزمندانه به پیش ببرد و فقط تا سال ۳۲۴۳۰۶۸ جت جنگنده و بمب افکن آمریکا بی‌سری از سرگون سازد و در راه استقلال و آزادی از همه چیز بگذرد.

اگر خلق ویتنام در ۳۰ آوریل ۷۵، توانست بزرگترین پیروزی را نصیب خود سازد و امپریالیست‌های تجا وزگران آمریکا بی‌سوی ویتنام را از فراری دهد، بخاطر رهبری حزب کمونیست بر انقلاب بود. رفیق هوشی مین در سی امین سالگرد تأسیس حزب زحمتکشان ویتنام نوشت:

"برای اولین بار در تاریخ، یک کشور کوچک ضعیف و مستعمره بر کشوری قوی و استعمارگر پیروز گردید. این پیروزی با شکوهی برای خلق ویتنام محسوب میشود. این همچنین جزئی از پیروزی نیروهای صلح، دمکراسی و وسوسا لیسم در جهان میباشد. ما رکیسم لنینیسم را بر تو خود

پروژه مجتمع تولید فولاد اصفهان :

ارتیه غارتگرانه رژیم شاه و بندی دیگر در

تحکیم وابستگی به امپریالیسم

رژیم جمهوری اسلامی مذاکره برای بستن قرارداد ۲ میلیارد تومانی مجتمع فولاد با انحصارات غربی را که رژیم وابسته شاه قصد اجرائیش را داشت، ادامه میدهد

رژیم منفور شاه، در آخرین سالهای حیاتش قصد اجرای طرحی برای نصب یک کارخانه بزرگ فولاد در بندر عباس را با تکیه بر روش جدید صنعتی و آزمایشی که با زدهی آن هنوز مورد تردید است، را داشت که قیام مهرشکوه توده های قهرمان مجالش را ندادند.

اما، رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم داد و قال های بوج و "فدا میریالیستی" اش، مذاکره برای عقد قرارداد با و لگرا نه مزبور را که ۲۰ میلیارد ریال (۵۴۹/۶ میلیون مارک) هزینه آن بود همچنان ادامه میدهد. طرف این قرار داد یک کنسرسیوم آلمانی (غربی) بنام "گورف" و شرکت اطریشی "وست آلپین" میباشند و قرار است که طبق آن، با استفاده از احیا مستقیم سنگهای آهن بکمک گازهای طبیعی، مجتمع بزرگی - که قبلا قرار بود در بندر عباس ساخته شود - در اصفهان برپا گردد. این روش تهیه فولاد، روش جدیدی است که هنوز مرحله آزمایشی خود را طی نمیکند و از آنجا که از سرعت سررژیم منحوس پهلوی ایران تبدیل به شوکچه آزمایشی میباشند - لیستها شده بود، قرار بود در ایران نیز این طرح پیاده شود و رژیم جمهوری اسلامی نیز همین قرار داد را دنبال میکند. برای اجرای این طرح در دو سال گذشته هیئت های مختلف از ایران به آلمان، اطریش و ایتالیا سفر کرده اند (چرا که

راهی را پیش پای طبقه کارگر و خلق ویتنام روشن نمود که به پیروزی مبارزه علیه تجسس و زرهاشی ملی و حفظ دستاوردهای انقلابی انجامید" اما، متاسفانه این پیروزی بزرگ و تاریخی بر متن برخی انحرافات حزب بویژه نسبت به رویزیونیسم خروشی تعمیق نیافت و در مبارزه درون حزبی مرز بندی بین مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم در حزب ویتنام منفع رویزیونیسم و ارتداد دیکته شد و رویزیونیسم بر حزب و دولت ویتنام چیره گشت. ویتنام امروز بسا دهن گسی به تمام دستاوردهای چند دهه انقلاب و سوسیالیسم در شمال و جنوب ویتنام، با قسار گرفتن در موضع طرفداری از سوسیالیسم امپریالیسم شوروی، ورود در بازار مشترک کشورهای رویزیونیستی و سوسیالیسم امپریالیسم روس "کومکون" . . . به کشور سوسیالیستی و انقلابی بلکه کشوری است، پیروز و رویزیونیستها بر آن حاکمیت دارند. همانسان که از در نهایی تاریخی خلق و حزب زحمتکشان ویتنام میآزموزیم و برای رهاشی زحمتکشان ایران، آنها را بکار میبینیم، بهمان گونه نیز باید ارتداد حزب و دولت ویتنام به رهبری "له دو ان" رویزیونیست را افشا کرده و مارکسیسم لنینیسم را با کیزه ترا ز گذشته بکار بست

با افشای هر چه بیشتر توطئه های رژیم جمهوری اسلامی در ادا میچاپ اول زحمتکشان و تحکیم سرما به داری وابسته و استحکام بندهای وابستگی، مبارزه گسترده زحمتکشان را بر علیه رژیم کنونی و سرما به داری وابسته تداوم بخشیم

★★★

فساد یار غار جمهوری اسلامی است!

فساد اخلاق و انحرافات اخلاقی . . . همچنان - که بارها گفته ایم یکی از نشانه های حاکمیت سیستم های ارتجاعی است. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته، تساو وجود دارد در بطن خود فساد، فحشا و انواع انحرافات اجتماعی را خواهد پروراند. بهمین دلیل است که علیرغم موعظه های بوج و فریبنده روزی نیست که سردمداران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی رسوایی جدیدی بالا نیاورند. به غیر زیر توجه نمائید :

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی - روحانی نمای ساکن مرند به جرم فساد اخلاق و نیابت زشت به خلق لبیاس روحانیت، یک سال حبس تا' دینی ۶۰ ضربه شلاق محکوم شد." (کیهان ۳۰ فروردین ۶۰).

البته فردی که مورد "سو' نیت" این "روحانی

فساد اخلاق و انحرافات اخلاقی . . . همچنان - که بارها گفته ایم یکی از نشانه های حاکمیت سیستم های ارتجاعی است. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته، تساو وجود دارد در بطن خود فساد، فحشا و انواع انحرافات اجتماعی را خواهد پروراند. بهمین دلیل است که علیرغم موعظه های بوج و فریبنده روزی نیست که سردمداران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی رسوایی جدیدی بالا نیاورند. به غیر زیر توجه نمائید :

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی - روحانی نمای ساکن مرند به جرم فساد اخلاق و نیابت زشت به خلق لبیاس روحانیت، یک سال حبس تا' دینی ۶۰ ضربه شلاق محکوم شد." (کیهان ۳۰ فروردین ۶۰).

البته فردی که مورد "سو' نیت" این "روحانی

فساد اخلاق و انحرافات اخلاقی . . . همچنان - که بارها گفته ایم یکی از نشانه های حاکمیت سیستم های ارتجاعی است. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته، تساو وجود دارد در بطن خود فساد، فحشا و انواع انحرافات اجتماعی را خواهد پروراند. بهمین دلیل است که علیرغم موعظه های بوج و فریبنده روزی نیست که سردمداران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی رسوایی جدیدی بالا نیاورند. به غیر زیر توجه نمائید :

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی - روحانی نمای ساکن مرند به جرم فساد اخلاق و نیابت زشت به خلق لبیاس روحانیت، یک سال حبس تا' دینی ۶۰ ضربه شلاق محکوم شد." (کیهان ۳۰ فروردین ۶۰).

البته فردی که مورد "سو' نیت" این "روحانی

البته فردی که مورد "سو' نیت" این "روحانی

★★★

راهی را پیش پای طبقه کارگر و خلق ویتنام روشن نمود که به پیروزی مبارزه علیه تجسس و زرهاشی ملی و حفظ دستاوردهای انقلابی انجامید" اما، متاسفانه این پیروزی بزرگ و تاریخی بر متن برخی انحرافات حزب بویژه نسبت به رویزیونیسم خروشی تعمیق نیافت و در مبارزه درون حزبی مرز بندی بین مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم در حزب ویتنام منفع رویزیونیسم و ارتداد دیکته شد و رویزیونیسم بر حزب و دولت ویتنام چیره گشت. ویتنام امروز بسا دهن گسی به تمام دستاوردهای چند دهه انقلاب و سوسیالیسم در شمال و جنوب ویتنام، با قسار گرفتن در موضع طرفداری از سوسیالیسم امپریالیسم شوروی، ورود در بازار مشترک کشورهای رویزیونیستی و سوسیالیسم امپریالیسم روس "کومکون" . . . به کشور سوسیالیستی و انقلابی بلکه کشوری است، پیروز و رویزیونیستها بر آن حاکمیت دارند. همانسان که از در نهایی تاریخی خلق و حزب زحمتکشان ویتنام میآزموزیم و برای رهاشی زحمتکشان ایران، آنها را بکار میبینیم، بهمان گونه نیز باید ارتداد حزب و دولت ویتنام به رهبری "له دو ان" رویزیونیست را افشا کرده و مارکسیسم لنینیسم را با کیزه ترا ز گذشته بکار بست

معرفی يك فالانز!



۸۸
نام: ...
عنوان: ...
پست: ...
آدرس: ...
تلفن: ...
تاریخ: ...

حیث اجاب العجبه

صحبای عیب سید

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۶۰

زمان: ۹:۱۵ صبح

مکان: ...

دوستند حاضر متعلق به یک مزدور ارتجاع است که در صف او با شان متشکل حزب جمهوری اسلامی به راهبیمانی خونین کمونیست ها در اول اردیبهشت اعمال حمله کرده بود. این سندها بسیار نگرما زماندهی او با شان و وپا ساداران برای بقیه در صفحه ۱۵

فرار قهرمانان ۷ زندانی کمونیست از زندان دژخیمان سپاه پاسداران شیراز



بخشهایی از انجمن «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» تشکیلات شیراز در باره فرار قهرمانان ۷ زندانی کمونیست از زندان دژخیمان سپاه پاسداران شیراز

دیگر به موج خروشان انقلاب توده‌ها پیوستند و مبارزات انقلابی خود را در کنار رتبه‌ها ادامه دهند.

مبارزه انقلابیون با رژیمهای ضد انقلابی همچون رژیم جمهوری اسلامی مبارزه‌ای است آنتی تایدیر که در زندان مبارزان می‌باشد. فرزندان انقلابی خلق یکدم از پای نمی‌شینند و به هر طریق فدای اعتراض خود را بر علیه شرایط غم‌ناک تحمل زندان، از عذای غم‌ناک حورده آن گرفته‌اند تا ننگه‌ها و اعدام‌های ساجکی اش بلند نکنند. آنها را اعدام می‌کنند، عذاب می‌کنند، آنها عذاب ملاقات می‌کنند،

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی از هر سو مورد هجوم موج خروشان انقلاب قرار گرفته است، مبارزه در زندانها نیز هر روز بیشتر اوج می‌گیرد رژیم برای جلوگیری از فعالیت انقلابی کمونیستها و سایر انقلابیون آنها را به زندانها می‌اندازد، اما این مبارزان زندان را تیریه عرصه دیگری برای مبارزه و تبدیل رژیم را به پیش مسائل می‌نماید. مبارز قهرمانان ۷ تن از زندانیان سیاسی کمونیست از زندان سپاه پاسداران سیرجی از مبارزه بی‌رومندان زندانیان سیاسی انقلابی است. این رفقا موفق شدند با طرح و اجرای نقشه‌های خود و حساسه‌های زندان اربحان بگریزند و سوار

امیرا لبسم فریاد کوبنده خویش را بر مغز آنها فرو خواهند کوفت و بگویند که شلاقشان کرجه برکف‌های ما فرود می‌آید اما مرگ آنها را نزدیکتر می‌سازند.

خواستهای برحق ما را نمی‌تواند هموطنان آگاه و انقلابی می‌خواهیم با ستافسنداری شما، مبارزات قهرمانان را ارج بگذارند و دشمنان خلق بگویند تا رهایی کامل شما و قتل از آن تارهای کامل تمامی خلقها از سو

پیام رفقای زندانی در تهران به انقلابیون اسیر در زندانهای شیراز و بندرعباس

به قهرمانانی که جفا رفت دشمن را بر ملا می‌سازند در زندان انقلابی در زندانهای شیراز و بندرعباس! با روحیه‌ای سرشار و ملامت از عشق به هموطنان ستمدیده‌مان از اذیت و اعتراض قهرمانان به شما آگاه شدیم با خود گفتیم بگذار تا نامی دشمنان سرخود بلرزند و شما می‌دوستان بر خود می‌اندازید از این قهرمانانی که در زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم با نام مردم و با کینه به دشمن، جان می‌بازند. آری! بگذار تا صدای دندان قروچه خشم مرتجعین، نوای چاقه‌های با سکه‌ها قسوت هر چه تمامتر، جبین و جفا رفت ما حیانتان را بر پیکر پایداری استوار و نومهرگویی می‌کنند و بگذار تا سرخی خونت، زردی برقانت را که در هوای نمناک همه سلولت خواست تا تورا مغلوب سازد، سرفکنده ما خسته‌بیدان نیز رنگ انقلاب بخشد. اما هیچگاه نگذار تا مرتجعین، برای لحظه‌ای هم‌تا دشوند. اما نگذار حتی حرکت نیز آنها را تا دکند. به هنگام مرگ خونت را به لاله‌های جوان خشم‌ده‌کن تا همراه نو سعاد زانو همیشه و همیشه بر بیکره جلادانت لوزه بی‌فکند. در زندان! انقلابیون جان برکف!

در حالی که شما خود بخوبی شرایطی را که در آن بسر می‌برید حس می‌کنند، دست اندرکاران با نیرنگ و فریب بلند گوید دست گرفته‌اند که هیچ شکنجه‌ای در کار نیست، ایسان از ترس مبارزات قهرمانان زندانیان حالتی تدافعی گرفته با مبارزانشان را سوزانده شده، نعل کوبی شده و غیره می‌نمایند تا بلکه خلقهای قهرمانان ایران باور کنند که زندانیان سیاسی مبارزان را شکنجه می‌کنند. زهی بی‌شرمی و وفاحت! لایس محروم نمودن شما همه شما از هوا خسوری!! و ریختن چماق‌ها در داخل زندان و... جزئی از تهدیب فلما دمیشوند! حال از اینستان بخوا هیسیدیا بندوبرای یکما رهم‌نده بخود جرات داده زندان شیراز را به مردم‌تان دهند. اما نه! صبر کنید، از آنها جواسی نمی‌خواهیم ما میدانیم که جرات این را ندارند. پس رحمتش را شما انقلابیون و شما می‌ما که سینه‌مان لیریز از عشق به شوه‌هاست خوا هم‌کنید و ما هست جنانیکار این آقایان را برای همگان بر ملا خواهیم ساخت. دوستان! دردهای بی اندازه شما قلب همگان را به درد آورده است و مبارزات قهرمانان شما وجدان همگان را بیدار خواهد ساخت. ما زندانیان سیاسی - انقلابی (فدا میرا لیست - ند ارتجاع زندان ق - ح. ضمن حمایت از

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده‌ها آزاد باید گردد

قسمتی از پیام رفقای اسیردرزندان سیاه (شیراز) بمناسبت اول ماه مه!

پیام به کارگران قهرمان ایران!

مایکارگران پای درختگیر، ایدرون زندان ارتجاع، دروهای کمونیستی و بیگران خویش راه مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر به شما عرض می‌داریم. ما به شما و راه پرافتخارتان عشق می‌ورزیم. همین عشق است که ما را چون کوه در برابر شما تا ملاقات و مقام و استوار می‌سازد.

تبعید، حبس، شکنجه و اعدام در عزم ما خللی وارد نخواهد ساخت. زیرا ما به شما می‌اندیشیم ما بدون هراس از پادشاهان سرمایه و سلطه‌های آمریکا، نیش از منافع زحمتکشان دفاع خواهیم کرد. آخر مگر نه این است که به همین جرم (از نظر ارتجاع) به سیاه‌ها اعدام می‌دهند. ما فدا شدن در راه آزادی طبقه کارگر را سعادت خویش و افتخار دیگری برای کارگران میدانیم بنا بر این در زندان نیز قدمی از ما بزم نخواهیم آسود، چه اینکه معتقدیم زندان هم جبهه دیگری است جهت پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

کارگران قهرمان! ما جشن اول ماه مه را در زندان و در زیر سر نیزه‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برگزار خواهیم کرد و بدینسان این جدائی مکانی را که رژیم می‌ان و ما و شما ایجاد کرده و با درهم پیچیدن صدها هیمن و پیوند زدن قلبمان از میان خواهیم برد.

ما با عشق به رهبری طبقه کارگر همچنان با عزمی راسخ علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی می‌ستیزیم و با خون خود با شما پیما می‌بندیم که تا رسیدن به آرمانتان که همان سوسیالیسم و کمونیسم است نمی‌توانیم و اعتقاد داریم که در فردائی که نه چندان دور است با دستانتوانای شما در این سیاه‌ها گشوده خواهد شد و ما به آغوش شما با زخوایم گشت. به امید آن روز. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر. مرگ برای امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

"پیکارگران اسیردرزندان سیاه شیراز"

ارتجاع بگیریزد! اگر چه پس از یک روز ما در حسین رهگذر آزاد می‌کنند، اما خواهی دید که در زندان ارتجاع بصورت گروگان نگهداری می‌شود. می‌بینیم که رژیم‌ها توان از مبارزه با انقلابیون به روش سابق با واک سابق به آزار و اذیت خانواده‌های آنها می‌پردازند و این اوج درماندگی اوست. ما فرار از انقلابی این رفقا را، بمناسبت به جزیی از مبارزات زندان‌ها و سیاسی انقلابی، به خود رفقا، به خانواده‌ها و بستگانتان و به تمام همزمان انقلابی آنها تبریک می‌گوییم. به امید روزی که بهمت مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده‌های انقلابی خلق از بیرون و ادما و گسترش مبارزات زندان‌ها و سیاسی انقلابی از درون، دیوارهای زندان‌ها را رژیم‌ها از انقلابی جمهوری اسلامی فروریزند و تمام زندان‌ها را انقلابی به آغوش خلق قهرمان نشان برگردند.

گسترده تریاد مبارزات زندان‌ها سیاسی انقلابی!
زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها
آزاد بادیدگردد!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

۱۳۴۰/۲/۲

پایان اعتصاب غذای زنان کمونیست

حالتان و خیم‌شاد را در خلل نا پذیر رفقای کمونیست در هر جا که باشد. در زندان یا بیرون از آن - برای ادما به مبارزه به منصف ظهور رسانده شد. هم‌اکنون برخی از رفقای اعتصابی، دچار بیماری معده شده اند و از سوی مسئولین زندان رسیدگی لازم صورت نمی‌گیرد.

همچنین به یکی از خواستهای زندان‌ها اعتصابی که جدا کردن آنان از زندان‌ها و ساواکی و بدکاره بود یا مشقت داده نشده و این شکنجه روحی همچنان رفقا را در زندان می‌آزارد. ما مجدداً از کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی و زعموم هموطنان مبارز می‌خواهیم که فریاد اعتراضی خود را علیه آنچه در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد بلند کنند و با حمایت از فرزندان دلیر خلق برخیزند.

سرود می‌خوانند و خواستار راحت را از چشم زندانبانان حیوان مفتشان می‌ربایند. اما ارتجاع نیز بی‌کار نمی‌نشیند و از هیچ کوششی برای سرکوب مبارزات زندان‌ها را انقلابی فریاد نمی‌کند. زندان‌ها را کتک می‌زنند، شکنجه می‌کنند، هوا - خوری را از آنها می‌گیرند و با لاجرم با سسداران دسته جمعی به سلول زندان‌ها می‌ریزند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.

فرار از زندان کمونیست از زندان سیاه‌ها پادشاهان شیراز جزیی است از مبارزه زندان‌ها و سیاسی و توده‌ها برای گشودن درهای زندان‌های جمهوری اسلامی، فرار این رفقا در عین حال شکستی است افتخار آمیز برای دژخیمان رژیم. ارتجاع از این شکست دندان قروچه می‌کند و مذبح‌ها نه‌تنها توانی خود را در آزار و اذیت خانواده‌های انقلابیون فراری به نمایش می‌گذارد. در همین رابطه خیرا خواهی رما در پیکار و در لاور حسین رهگذر از دستگیر می‌کنند. (این رفیق بجرم!؟ برپا کردن چادر برای کمک به جنگ زدگان به ده سال زندان محکوم شده بود و چندی پیش موفق شد از زندان

مقاومت حمایت‌ترین زندان‌ها کمونیست و انقلابی در زندان‌های جمهوری اسلامی نمونه‌های فراوان دارد و اعتصاب غذای ده‌ها تن از زنان کمونیست زندانی در زندان اوین که شجاعانه تقریب ۲۰ روز ادا می‌نمودند نمونه‌ای از آن‌هاست. در شماره ۱۰۱ خبر اعتصاب غذای رفقای زن، زندانی در اوین در پیکار آمد و اینک خبر رسیده است که این اقدام انقلابی با موفقیت نسبی پایان یافته و رژیم مجبور شده است به برخی از خواستهای زندان‌ها پاسخ مثبت دهد.

پخش اخبار رادیو، دریا فت روزنامه، رسیدگی به وضع رفقای بلاتکلیف از جمله نتایج موفقیت اعتصاب است. طی این اعتصاب غذا که چند نفر از رفقا شادیدا

بقیه از صفحه ۱۶ هرچه ...

نمایند. اما هوشیاری و آگاهی و یکپارچگی آوارگان تمامی این نوطه‌های رژیم را خنثی می‌کند. حتی فرستادن آخوند و استفاد از احساسات مذهبی آنها نیز، نمیتواند آوارگان را گول بزند. بدنبال همین سیاست سرکوب، در روز سوم اردیبهشت عده‌ای مزدور مسلح با لباس شخصی و با در دست داشتن حکم دستگیری ۲ تن از نماینده - گان به مجمع عمومی کارکنان جنگزده صنعت نفت در "باشگاه کارکنان صنعت نفت" حمله کرده و ۲ تن از نمایندگان مبارز کارکنان را بسزور گرفته و با خود به بیرون باشگاه می‌کنند و قصد سوار نمودن آنها را به تاکسی که از قبل آماده

کرده بودند می‌نمایند. نمایندگان در مقابل مزدوران مسلح رژیم مقاومت کرده و سایر کارکنان نیز به حمایت از نمایندگان واقعی مورد اعتماد خود برخاسته و مانع بردشتان شده و یکی از آنان را از جنگ مزدوران بیرون می‌کنند. اما یکی از مزدوران مسلح که سلاح کمری خود را کشیده و بسوی نماینده مبارز نشان نه‌رفته بود، وی را همراه نماینده دیگر و چند تن از کارکنان مبارزی که به حمایت برخاسته بودند دستگیر کرده و با خود می‌برند.

هوادران سازمان چریکها (اکثریت) نیز با وقاحت هر چه تمامتر در شناختن معنا صبر

مبارزات و راه به پادشاهان از هیچ فرصتی کوتاهی نکرده و با این کار خود را دیگر دشمنی شان را با کارگران و زحمتکشان نشان میدادند.

آری، رژیم بخبال خود می‌خواهد با سرکوبی مبارزات کارکنان جنگزده صنعت نفت و دستگیری نمایندگان آنان، راه ضد خلقی خود را بر آنها حاکم نماید. اما کارکنان جنگزده صنعت نفت با مبارزه برای آزادی نمایندگان واقعی خود و هر چه گسترده‌تر کردن مبارزات خلق طلبانه - شان و همچنین هماهنگ نمودن این مبارزات با جنبش انقلابی آوارگان جنگ ارتجاعی، مشت محکمی بر دهان رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خواهند زد.

راهپیمائی روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

۹- ما خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته با دو روز تعطیل برای کارگران هستیم .
۱۰- در این روز سرخ دروهای بی پایان خویش را به تما می شهدای قهرمان و رزمنده، مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری و تما می بخون خفتگان دلاور را آزادی طبقه کارگر جهان نشا رمیکنیم و سوگند با دمیکنیم که راه سرخشان را با تمام توان خویش بیمنا شیم .
جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پشتیبانی از راهپیمائی اول ماه مه

تشکیلات تهران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، طی اطلاعیه ای در تاریخ نهم اردیبهشت، پشتیبانی خود را از راهپیمائی اول ماه مه توسط سازمان ما اعلام نموده است . لازم به توضیح است که رفقا اگر چه در اعلامیه خود صرفاً از سازمان ما نام برده اند، ولی از آنجا که این راهپیمائی توسط ما و چریکهای فدائیی مشترکاً برگزار شده است، ما این پشتیبانی را بیمنابه پشتیبانی از راهپیمائی هردو سازمان تلقی میکنیم .

دربزرگستانی از این اطلاعیه را میاوریم :
"اول ماه مه با زدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر نزدیک است . ۹۵۰ سال پیش در روز اول ماه مه کارگران آمریکا که زیر فشار سرمایه با نشان به لب آمده بود برای رسیدن به هشت ساعت کار دست به مبارزه متحدانه ای زدند . از آن به بعد کارگران جهان این روز را بعنوان مظهر اتحاد و همبستگی خود در مبارزاتشان جشن میکنند . . .
طبقه کارگر ایران زیر فشار خنثاق جمهوری اسلامی که فشار را میریالیستها و سرمایه داران وزمینداران بزرگ است و بسویله اکثریتی های خائن و توده های های نوکروسوئال امپریالیسم شوروی و سهجانی های رنجبری حمایت میشوند این جشن را برگزار میکنند و به این وسیله یک کامدیگر در جهت شکل و آگاهی خود بر میدارند .

ما این روز بزرگوار را به تمام کارگران جهان و از جمله به طبقه کارگر ایران شادباش میگوئیم با شکره در سهای اول ماه مه را که همانا نادرین اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزاتشان میباشد هر روز بیش از پیش بکار بندیم .
تنگ و نفرت سرزمین جمهوری اسلامی !
زنده باد همبستگی کارگران جهان !
ما در راهپیمائی که به همین مناسبت از طرف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر برگزار میشود شرکت می نمائیم .

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات تهران) ۱۳۶۰/۲/۹

۱- در این روز با ایمان به اتحاد و همبستگی کارگران جهان زیر شعار "کارگران جهان متحد شوید" گرد میباشیم و اعلام میداریم که مبارزات طبقه کارگر ایران جزئی از مبارزات کارگران جهان برای نابودی امپریالیسم و همه رزمیهای وابسته ارتجاعی و محوسرما به داری است .
۲- ما توطئه های امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدین داخلی را بر علیه خلقهای ایران محکوم کرده و با تمام نیرو در مقابل آن خواهیم ایستاد .

۳- رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی عامل سرکوب و کشتار خونین کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران و فقر و فلاکت توده ها و مانع تحقق انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای ایران است .

جناحهای مختلف حاکمیت و از جمله حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها همگی فدا انقلابی و دشمن خلقها و طبقه کارگر ایرانند و اتحاد با هر یک از این جناحها برای مقابله با جناح دیگر، خیانت به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است .

۴- انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای ایران بدون رهبری طبقه کارگر بر سرانجام پیروز مندرش نخواهد رسید .

۵- ما با تمام توان خود در راه مبارزه برای کسب آزادی های سیاسی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بازگشتی دانگها، آزادی اجتماعات و فعالیت سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای انقلابی (واقعی) و افشای سرکوب، کشتار و خفقان رژیم ادامه خواهیم داد .

۶- خلق کرد بشدت در زیر حملات ارتش و سپاه پاسداران قرار دارد . ما همگی پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و پشتیبانی از حق تعیین سرنوشت خلقها، جنایات رژیم را در کردستان بشدت محکوم میکنیم .

۷- ما جنگ ارتجاعی کنونی را که تنها در خدمت سرمایه داران دوکشور ایران و عراق قرار دارد محکوم کرده و اعلام میداریم که مسببین اصلی کشتار و فقر و فلاکت توده های دوکشور ایران و عراق، حکومتهای ارتجاعی این دوکشورند .

۸- هم اینک نزدیک به ۲ میلیون آواره جنگ در بدترین شرایط بسر میبرند و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در بهبود شرایط زندگیشان نکوشیده، بلکه به آزار و سرکوب آنها میپردازد . ما پشتیبانی خود را از خواستهای برحق آوارگان اعلام کرده، تضییقات و سرکوب آوارگان را توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم میکنیم .

اینک اول ماه مه فرا رسیده است و فوج فوج کارگران جهان به استقبال عید خونین خویش نشا فته اند . میلیونها کارگر از سر تا سرجهان با عزمی راسخ برای نابودی امپریالیسم جهان و همه رزمیهای وابسته و ارتجاعی و محوسرما به داری بیبا میخیزند و نمایش عظیمی از قدرت همبستگی خویش را به نمایش میکذارند . رزمیهای ارتجاعی و حشزنده از این نمایش قدرت سرخ پرولتاریا، بسیاری از نظامها - کشتگان را به خاک و خون میافکنند و بر سرخ کارگران، سرختر می شود .

طبقه کارگر قهرمان ایران نیز بعنوان یک گردان از ارتش عظیم جهانی طبقه کارگر در حالی که زخمهای فراوانی از امپریالیسم و رژیم حاکم برتن دارد به برگزاری هر چه با نگوهر روز همبستگی کارگران میپردازد .

طبقه کارگر ایران در شرایط عید خونین جهانی اش را جشن میگردد که بحران اقتصادی - سیاسی سرمایه داری همچنان ادامه دارد . گرانی بیکاری، فقر و فلاکت، تورم، جیره بندی مواد غذایی و سوختی گلوئی زحمتکشان ما را می فشارد، بر سر ترای بحران اقتصادی، مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران روز به روز گسترده تر میشود و رژیم جمهوری اسلامی که از پا سخوئی به خواستهای برحق توده ها ناتوان است، بیش از پیش به کشتار و سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران پرداخته و با تمام نیرو به بازسازی و حراست از سیستم سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم پرداخته است . آزادیهای دمکراتیک سرکوب میشود، نظارات دانشجویان انقلابی با نارنجک بخون کشیده میشود و چندین شهید و زخمی بجا میگذازد . عین همین جنایات در شهرهای آمل، قاشم، شهر و تهران . . . تکرار میشود و انقلابیون و کمونیستها زندانی، ترور و شکنجه و تیرباران میشوند . اجتماعات بخون کشیده میشود و با لایحه مطبوعات انقلابی توقیف میشوند . در جنبش شرايطی، ما بعنوان بخشی از طبقه کارگر ایران در این روز از یک سو به تحکیم اتحاد خویش با طبقه کارگر جهان میپردازیم و از سوی دیگر در شرایطی که مبارزه برای آزادیهای سیاسی، برجستگی خاصی یافته است بر عزم راسخ خویش در ایستادن در مقابل خفقان، سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی بای می فشاریم . از این رو ما شرکت کنندگان در راهپیمائی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) با توجه به خواستها و شعارهای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی همدوش با کارگران ایران اعلام میداریم که :

بزرگداشت حماسه خونین اردیبهشت ۵۹ در شهرهای مختلف

قهرمان شهر (کرمانشاه سابق)

در روز اول اردیبهشت سالگرد حماسه آفرینی دانشجویان کمونیست و انقلابی در مقابل یورش ارتجاعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به دانش - گاهها، تظاهرات موضعی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در خیا بان مدرس (مرکز شهر) برگزار شد. تظاهرات با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" شروع شد و در مسیر حرکت، پهنین شعارهای "دانشگاه، این سنگر انقلاب، بهمت توده ها، گشودها، بیدگرد، علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها" و... زنده کننده حماسه مقاومت دانش - جوین کمونیست و انقلابی و بیبا نگر صورت باز - کشتای انقلابی دانشگاه این سنگر همیشه پندیده انقلاب بود.

چند دقیقه پس از شروع تظاهرات، فالانژها با حالتی برافروخته و در مانده در مقابل افشا - کربهای رفقا، وحشیانه به صف تظاهر کنندگان حمله ور شده و با محاصره کردن آن از دو طرف، سعی در برهم زدن آن داشتند که با مقاومت رفقا و پیرو شدند. در درگیریهای پراکنده ای که روی داد، سه تن از رفقا مجروح شدند. پس از پایان تظاهرات مزدوران رژیم به هرکسی که مشکوک میشدند به بازرسی بدنی وی میپرداختند و این خود در افشاء ما هیت آنها نژدمرد میگشا هدرجریسان بودند، تا شیرسزائی داشت.

شیراز

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار بمناسبت سالگرد روز مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی در روز ۶۰/۲/۳، دست به یک تظاهرات موضعی زد. در جلوی صف تظاهر کنندگان تما و بر رفقای شهیدان حمدون - دانیا لسی - مهنا زمعمندی و... که قربانی ضدا نقلاب فرهنگی رژیم شده بودند، به چشم میخورد. شعارهای تظاهر - ات عبارت بودند از: "انقلاب فرهنگی حمله ارتجاع است، کشتار دانشجویان خود بهترین گواهی است"، "شانزده آذر شاه، توسط بنی صدر و بهشتی، بار دیگر زنده شد"، "دانشجوی مبارز، بهمت توده ها، سنگر خود را بگشا... جمعی از مردم زد و طرف خیا بان تظاهرات کنندگان راهمراهی میکردند. بهنگامیکه یکی از فالانژها با چاقو قصد حمله به صفوف رفقا را داشت، توسط انتظامات تظاهرات حمله وی دفع شد. چندان پس از آن فالانژ میکوشیدند تا دانش آموزان را از حرکت انقلابی حزب الله "توجه مردم اطراف را از حرکت انقلابی رفقا منحرف سازند اما صدایشان در غرغش اتحاد مبارزه، پیروزی" محو گردید. در خیا بان مشیر فاطمی، آوارگان جنگ ارتجاعی از درون خواب -

گاهها، ضمن نشان دادن دو انگشت خود به علامت پیروزی، همبستگی خود را با رفقا برآرمیداشتند. تظاهرات موفق رفقا پس از ۲۰ دقیقه به خیا بان رسید. پس از متفرق شدن رفقا، سی الی جهل تن از فالانژها با شعار "مرگ بر پیکار" در خیا بان برآه افتاد و به ضرب و شتم مردم پرداختند و آنچنان از تظاهرات رفقا گنج شده بودند که آشنا ها دو نفر از همبها لگبها نشان را هم بصورتاً اینکه پیکاری هستند، با چاقو زخمی کردند!

مشهد

بمناسبت سالروز مقاومت خونین دانش - جوین کمونیست و انقلابی در دفاع از دانشگاه این قلب پرتیش انقلاب، رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در روز ۶۰/۲/۱ یک تظاهرات موضعی برگزار کردند و شعارهایی در افشای دو جناح ضد خلقی هیئت حاکمه و در پسا - فشاری بر بازگشتی انقلابی دانشگاهها دادند. این تظاهرات چندین بار مورد تهاجم جیشدگان رژیم قرار گرفت که با مقاومت انقلابی رفقا روبرو شد. پس از تظاهرات که ۲۰ دقیقه بطول انجامید، بحثهای خیا بانی در گرفت که آیا - یمن بحثها تا ساعت ۹ شب ادامه داشت. همچنین رفقا چندین روزنامه بشگاهه عکس و طرح که با عکسهای رفقای شهیدان - دانیا لسی و معتمدی همراه بود، برپا داشتند که در روز ۶۰/۲/۲ نما یبگاهه رفقا در خیا بان دانشگاه مورد یورش عوامل رژیم قرار گرفت اما رفقا دست به مقاومت زدند و ابتدا با دادن شعار به مقابله پرداختند و سپس چندین تن از اواباشان توسط رفقا تنبیه شدند.

و حدتتار سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در مشهد چندین روز متوالی در خیا بان

آنکه ۳۶ هزار تومان پاداش گرفته "توده ای" است!

"در پیکار ۹۹" در افشای "بنیاد مستضعفان" چهره فردی بنام بهرام سلطانی تهرانی را بر ملا کردیم که پاداش ۳۶ هزار تومانی دریافت کرده بود. این مزدور را بهتر بشناسیم.

وی از سرسپردگان حزب خائن توده میباشد که از انگلستان، فوق لیسانس حسابداری گرفته است و از طرفداران و مبلغین علنی حزب در خارج از کشور بود. وی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشته و در زمان اوج مبارزات توده ها، افسر وظیفه بود ولی در روزها شبکه توده های انقلابی از زندانها فرار میکردند و مرتباً به پادگان میرفت پس از سربازی استاد نیمه وقت دانشکده علوم اقتصاد با بلسر بود و با انکا به مشی خائنانه حزب توده به سپاهی علیه انقلابیون پرداخته و مسئول رسانیدن شریات حزب توده به هوادارانش بود و تحت عنوان فریبنده "خدمت به جامة" در بنیاد مستضعفان استخدام شده و در اثر همین "خدمت" سی شایسته بوده است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به وی پاداش ۳۹

دانشگاه یک نما یبنا مه انقلابی را به اجرا گذاشت که طی آن نقش لیبرالها و حزبها در رابطه با ضدا نقلاب فرهنگی، افشاء شد. این نما یبنا مه بسیار مورد استقبال قرار گرفت، بطوریکه هر بار حدود ۱۵۰ نفر تما شاجی داشت. رفقا این نما یبنا - ما مه را در جلوی تعدادی از مدارس مشهد نیز به اجرا درآوردند.

تظاهرات دانش آموزان انقلابی در حمایت از همروزمان اخراجی شان

سقز

بدینال اخراج ۲۸ تن از دانش آموزان انقلابی دبیرستان آزادی سقز و متحمل کردن برخی کلاسها که بدلیل سرود خوانی دسته جمعی به مناسبت نو وز در مدرسه توسط مسئولین مرتجع و به کمک رویزیونیستهای خائن اکثریت و توده ای در شناسائی آنها، صورت گرفته بود، دانش آموزان انقلابی دبیرستانهای آزادی، رشوف، قانع، بهرنگی و مصدق... دست به اعتراض زدند.

در روز ۶۰/۱/۲۳ دانش آموزان مبارز دبیرستان رشوف با خواندن سرود "ای رقیب" تظاهرات اعتراضی خود را شروع کرده و علیه رژیم سمپاشی های رویزیونیستهای اکثریت و توده ای و کوشش مسئولین مرتجع مدرسه در سر کلاس با زگردانیدن آنها، جمع کثیری از دانش - آموزان به صف تظاهرات در مدرسه میپیوندند. آنها با دادن شعارهایی چون "محل اخراجی، همروزمان انقلابی، حما بتت میکنیم" و "در پیکار خلق کرد، سازشکاری محکوم است" ضمن حمایت از دانش آموزان انقلابی آخر اجی، بیونند مبارزات انقلابی دانش آموزان را با جنبش مقاومت خلق کرده اعلام داشتند. بهنگامیکه دانش آموزان در سالن مدرسه اجتماع کرده و شعارهای انقلابی را سر میدادند، خبر رسید که دانش آموزان دبیرستان مصدق نیز در ارتباط با اخراج ۲۸ تن، دست به تحصن زده اند. دانش - آموزان با شعار حمایت خود را از همروزمان دلیرشان بیان میدادند. همبستگی چشمگیر دانش آموزان انقلابی مدارس مختلف برای ارتجاع بسیارگران تمام شده است و مرتجعین از مسئولین گرفته تا رویزیونیستها به طرق مختلف درصدد هستند که به حرکات انقلابی دانش آموزان لطمه بزنند. اما خلق کرد و دانش آموزان انقلابی و مبارز چهره کربه این باوران سرما به راشنا خته اند. مبارزات انقلابی دانش آموزان در مدارس مختلف همچنان ادامه دارد.

جشن بورژوازی "توده‌های ها"

در حالیکه اعلام نظرات اول ماهه کمونیستها، وحشت رژیم را برانگیخت و در حالیکه رژیم - اوپاشان، شعبان سی مخ های جمهوری اسلامی پاسداران جهل و سرما به شهرهایی چی های چاقا در اطراف رسیا بقیه سمج نموده - بود و بالاخره در حالی که از نظرها - کمونیستها بزرگترین منافع عمل آمد، رویزیونیستها با کسب اجازه از وزارت کشور و در سایه "الطاف" جمهوری اسلامی میتینگ خود را برپا کردند.

از چند روز قبل رادیو، تلویزیون روزنامه - های ارتجاع حاکم به تبلیغ برای نوکران خود پرداخته و برای منفرداختن کمونیستها توده ها را به شرکت در میتینگ رویزیونیستها دعوت کردند.

در این میان میتینگ توده‌ای ها ما ننسند یک جشن عروسی بورژوازی بود. در این میتینگ که نظمی ضد انقلابی - بر آن حاکم بود بوروکراتها، مدیرکل ها، زنان و مردان بورژوا - فراوان بودند. آنها با ماشین های خود، تا نزدیک درمی - آمدند و در حالیکه گل میخی بر سینه زده بودند خیانت خود را به یکدیگر تبریک میگفتند. محل اجتماعشان با عکسهای بزرگ خمینی و شعارهای سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی آذین شده و فضای حاکم بر جشن، با دردها، آلام و خواسته های طبقه کارگر کلا بیگانه بود. در جشن بورژوازی رویزیونیستها دیگر از پاسداران که نارنجک و گازانک آورده میان جمعیت بیاندازند و تیراندازی کنند خبری نبود. چرا که در سر تا سر میتینگ هیچ حرفی جز تمجید از "دولت - امپریالیست" و "درود بر خمینی" و خلاصه نوکسری رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی خبری نبود. اینها برای بی دلیل نیست و قتیکه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خود به نوکران خویش اجازه برگزاری میتینگ میدهد اما در همان زمان فعالیت که نیستها و انقلابیون دمکرات را وحشیانه سرکوب میکنند. آخر در مقابل یک عمر خدمت گذاری و چاکسری از جانب رویزیونیستها که گمان نگهبان بورژوازی هستند برتا بیک تنگه استخوان امری لازم است!

انوکران بورژوازی بر علیه کمونیستها

رویزیونیست های خائن "اکثریت" کنترا رجا بتکارانه کمونیستها را تائید میکنند. - ترین وجهی تحریف کرده و برای حمله - کمونیستها و اثبات نوکریشان بدرگاه بورژوازی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بدکشت بر سر شیوه های تبلیغاتی دست زده اند. و "بنجم" حمالی آورده اند که برای کنترا رجا کمونیستها، بلکه برای "منسج" طلودادن وضع مملکت "ترتیب این انفجار را داده اند و "پیکاری" ها یکدفعه سر زده و را همیشه شان کرده و "حرکات متحرکی" دیده شده است. رویزیونیستها مزخرفات تبلیغاتی بورژوازی حاکم را تکرار میکنند اما نظری بسیار نا شایسته!

خائنین اکثریت برای گرفتن امتیازات - هر چند کوچک - جهت رسیدن به منافع - انقلابی خود و وسوسال امپریالیست های روس - حافتر به خرچیانیت و سببای هستند. آنها در بی چنین داستانهای ابلهانه دو میفکنند که گدائی در دامان بورژوازی برده اخته و سرگرد خود را بصورت اجازه برگزاری میتینگ "در میدان آزادی" دریافت میدارند و در ادبوی ارتجاع نیز برایشان تبلیغ میکنند. سنگنان ساد!

آری! نوکران رویزیونیست بورژوازی برای دستیابی به "آرامش" یعنی سکوت مرکبای که ارتجاع براحتی با ستیما و سرکوب خلقیهای زحمتکش برپا زد، سیاست خود را با سیاستهای رویزیونیستی حرکت ارتجاع و قدرتمندان حاکم میزان میکنند و می‌کنند و می‌از لحن برکنی علی - کمونیستها و توجیه حجاب های مزدوران ارتجاع غافل نمی‌شوند. اما توده های زحمتکش "آرامش" آنان و آری با نشان را با طوفانی انقلابی برهم زده و کوشالی سختی به آنها خواهد داد.

تقویم سال ۱۳۶۰ منتشر شد



"پیکار خلیج" منتشر شد

رفقای هوادار ما زمان در بند عباس اولین شماره نشریه "پیکار خلیج" را منتشر ساختند. ما ضمن تبریک به رفقا که فعالیت آگاهانه و کمونیستی خود را در میان توده های زحمتکش کناره خلیج افزایش میدهند دست رفقا را صمیمانه میفشاریم و برایشان در جهت هر چه غنی تر شدن مضمون نشریه و همچنین بهتر شدن چاپ آن، آرزوی موفقیت مینماییم.

تظاهرات انقلابی دو هفته گذشته:
"جوب قانون" رژیم را
می شکند.

یادداشت‌های سیاسی هفتگه

روزنامه جمهوری اسلامی:
بازهم فحاشی و تهمت
بر علیه کمونیست‌ها

رژیم جمهوری اسلامی و رویزونیست‌های
خائن در ادا مسائلی ارتجاعی شان، در
آستانه اول ماه به تبلیغات مسموم خود علیه
نیروهای انقلابی و کمونیست افزودند. پس از
این روز نیز حزب مرتجع جمهوری اسلامی و نوکر
- آن رویزونیستش به فحاشی و عریضه کشی
ارتجاعی بر علیه کمونیست‌ها ادامه دادند.
روزی نامه جمهوری اسلامی در تبلیغاتی که از
مکتب فاشیستی گوبلز و هیتلر درس گرفته اند،
تجمع عده زیادی از باسداران و اوباشان
سلح رژیم در میدان جمهوری و خیابانهای
اطراف را بسیج "کارگران و مردم مسلمانی"
نامیده و وقیحا نه ادعا کرده است که: "در پی
دستگیری گروهی از هواداران سازمان بیکار
و چریکهای فدائی خلق اقلیت تعداد ۶ قبضه
کلت، ۸ قبضه پنجه یکس، تعدادی چاقو و کتکسل -
مولوتوف بدست آمده است" (جمهوری اسلامی
۶۰/۲/۱۲) تا به توده های مردم القا کند که این
خود کمونیست‌ها هستند که برای "مظلوم‌نمایی"
در میان نظر هر کسندگان مراسم خود کوکتسل -
مولوتوف و نارنجک میا نندازند و یا تیراندازی
میکنند. اما این توطئه های "مکتبی" های
مرتجع مدتهاست که برای توده های زحمتکش
شناخته شده اند. زحمتکشان ما به چشم خود دیدند
که روز ۱۱ اردیبهشت امسال چگونه با سداران
ماک دار - که بیوش اوباشان "گاردجا ویدان"
محمدرضا شاه را به توده ها ندای می کردند -
مسلل بدست چهار راه های اطراف مسیر راه -
پیمایشی اعلام شده توسط سازمان ماورفقای
فدائی راقرق کرده و از روی درم اندگی در
مقابل اراده آهنین توده های کمونیست و
انقلابی و با وحشت از استقبال توده های
زحمتکش از شعارهای آگاهی بخش آنان تیر -
اندازی میکردند و دستگیریهای وحشیانه
می برداختند.

ورق پاره "جمهوری اسلامی" (۱۲ اردیبهشت
۶۰) همچنین حملاتی را که اوباشان ارتجاع به میتینگ
فدائیان خائن اکثریتی نموده بودند و قیحا نه
به نیروهای کمونیست نسبت داده و برای فریب
توده ها نام آنها را در کنار نام رویزونیستهای
ونجری آورده است. اینان سعی کرده اند که
پرتاب نارنجک به میان شرکت کنندگان در
میتینگ اکثریتی های خائن را به کمونیست‌ها
و دمکراتها نسبت دهند تا از نوکران خود "دلجویی"
کرده باشند. این روزنامه ارتجاعی نوشته است:
بقیه در صفحه ۲۹

آخر بر عهده داشته است. این سازمان برای
اولین بار در اعتراض به سیاست های ضد انقلابی
و کشتار، سرکوب و خفقان بجای تکیه بر تضادهای
جناحهای مختلف و توسل به "مقامات" و
"شخصیت‌ها" به نیروی توده ای خود به نیروی
توده ها تکیه نمود و آنها را به حرکت درآورد. این
گام مثبتی است که باید از آن بعنوان یک نمونه
مشخص از یک حرکت انقلابی، پشتیبانی نمود.
هر چند که این تا شنیدیم نتواند به معنای تأیید
سیاست عمومی راستروانه این سازمان در برابر کل رژیم
و بطور مشخص تضادهای دو جناح رژیم و پشتیبانی
آشکارا یا تلویحی آنها از لیبرالها در برابر
جناح حزب جمهوری اسلامی باشد. این حرکت
نشان میدهد که چگونه تکیه بر توده ها، در هر حرکت
تاکتیکی، میتواند اندیشترین نقش را در گسترش
دامنه جنبش و شورا انقلابی توده ها و تضعیف
ارتجاع داشته باشد.

بررسی نتایج و اثرات و جنبه های مختلف
حرکات وسیع توده ای که از سوی انقلابیون
سازمان یافت از چند زاویه ضروری و قابل تأکید
است و ما میکوشیم برخی از آنها را در کمال
اختصار متذکر شویم.

۱- این خیزش های وسیع توده ای، نشان داد
که چگونه با معما دوریک بحران انقلابی عمیق
بسر میرسد، بطوریکه هر حرکت ضد انقلابی رژیم
حاکم، به بستری برای فوران شورا انقلابی مردم

بقیه در صفحه ۴

پس از کشتار وحشیانه تنی چند از کمونیست‌ها
و انقلابیون توسط مزدوران رژیم جمهوری
اسلامی، در تهران و قائم شهر، در اولین سالگرد
روز اول اردیبهشت، موج وسیعی از اعتراضات
و حرکت‌های انقلابی توده ای سخت رهبری نیرو
- های کمونیست و انقلابی، در بسیاری از شهرهای
ایران، پیاپی شده همچنان ادامه دارد. این
حرکت های وسیع توده ای انقلابی، که صدها هزار
نفر در آنها، بمنظور اعتراض به روند تشدید
سرکوب و خفقان از جانب رژیم جمهوری اسلامی،
و بویژه حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای وابسته
به آن شرکت کردند، شورا انقلابی نوینی در بیکار
ملتپجا مع، دمید و ارتجاع حاکم را در وحشت و
سراسیمگی فروبرد. رژیم سال جدید را سال
"قانون" اعلام کرد، اما حوادث اخیر نشان داد که
توده ها چگونه "جوب قانون" رژیم را می شکنند!
در کنار تظاهرات سازمان یافته کمونیست‌ها و جمله
سازمان ما، نظرات روز دوشنبه سازمان
مجاهدین خلق (هواداران آنها) در تهران، که
دهها هزار نفر در آن شرکت جستند، مهمترین و
برجسته ترین نمونه این حرکت‌های اعتراضی
در دو هفته گذشته بود. این سازمان
برای اولین بار، دست به حرکتی
رسمی زد که قانونیت رژیم جمهوری اسلامی را به
زیر پا میگذاشت و از دامنه محدودیت قانونیت
فرا ترمیرفت. در کنار کمونیست‌ها سازمان
مجاهدین، که با توجه به وسعت نیروی اجتماعی
پشتیبان خود، بدون شک نقش مهمی را در سازمان
- دهی این حرکات انقلابی و سیاسی در دو هفته



آغاز سومین سال انتشار پیکار

دو سال از انتشار اولین شماره
نشریه "پیکار" گذشت. آغاز سومین سال
انتشار "پیکار" را به کارگران و
زحمتکشان تبریک میگوئیم. هیئت تحریریه
"پیکار" امیدوار است بتواند با برخورد
فعال و انتقادی خوانندگان و جمع بندی
کار خود در خلال این دو سال، تا آنجا که
در توان دارد در ارتقاء نشریه پیکار، چه
بلحاظ مضمون و چه بلحاظ شکل، بعنوان
یک نشریه کمونیستی و پیشروگوشا باشد.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست